

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی

دانشگاه عالی دفاع ملی

سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مرکز آینده‌پژوهی

سردبیر: اسماعیل احمدی مقدم

مدیر مسئول: مهدی احمدیان

اعضای هیئت تحریریه:	
ناصر پورصادق	استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه عالی دفاع ملی
قدیر نظامی پور	دانشیار گروه مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی
علی اکبر عنابستانی	استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی
غلامرضا بهروزی لک	استاد گروه مطالعات سیاسی دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)
سید جواد امینی	دانشیار پژوهشکده مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی
ابراهیم ایجابی	دانشیار گروه آینده پژوهی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش
محسن اسلامی	دانشیار گروه روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس
قدیر نصری	دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
محمدباقر بابایی طلاتپه	دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)
مدیر اجرایی: محمدرضا بذرافشان	
ناظر ویراستار: دکتر سید مرتضی احمدی	
ویراستار و صفحه‌آرا: یاسر صارمی	

- ❖ آراء مندرج در فصلنامه لزوماً دیدگاه دانشگاه نیست.
- ❖ مسئولیت محتوای مقالات به عهده نویسندگان است.
- ❖ فصلنامه در رد یا قبول و نیز ویراستاری و تلخیص مقالات پذیرفته شده آزاد است.
- ❖ نقل مندرجات این فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مج

صفحه	عنوان
۷	دیپلماسی انرژی در سیاست جهانی معاصر؛ آینده رقابت‌ها و ائتلاف‌ها..... داود کریمی‌پور
۲۷	ارزیابی آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم باهدف توسعه گفتمان آیت پژوهی..... علی اقبالی، مهدی احمدیان، محمدرضا بذرافشان
۶۹	چشم انداز اقتصادی و اجتماعی قطر..... سروش فهنڈر سعدی، یعقوب قلندری
۹۵	روندهای پیش روی اتحادیه اروپا در فضای پسا اوکراین..... محدثه حیدری سهیل محمذاده
۱۲۱	آینده مدیریت و تصمیم‌گیری با استقرار سامانه‌های هوش مصنوعی..... امیرحسین شاندل
۱۳۹	بررسی ماهیت دین و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن..... مجید محمملو

Energy Diplomacy in Contemporary Global Politics: The Future of Rivalries and Alliances

Davood Karimipour¹

Received: 02-11-2022

Accepted: 04-02-2023

Abstract

Given the importance of energy in the global economy, countries employ various strategies and tactics to secure their interests in the international oil market. In recent years, the extensive exploitation of shale resources by the United States has significantly transformed the oil market. The primary question addressed in this article is: "How has the shale revolution influenced the mechanisms of the global political economy of oil?" In response, the main hypothesis posits that "the maximum extraction of shale resources has not only impacted the process of global oil price determination but also reduced the market share of U.S. adversaries, strengthened political alliances through oil, accelerated the shift in energy portfolios of oil-producing countries, and reshaped the geopolitics of oil energy." The findings of this study reveal that the U.S., leveraging shale oil, has substantially reduced Iran's share of the oil market, adjusted global oil prices in alignment with its interests, diminished the strategic importance of the Strait of Hormuz, and supported its political allies by offering oil-related exemptions. These actions illustrate the economic-political mechanisms in the oil market employed by powerful nations to maintain their dominance on the global stage.

Keywords: Energy diplomacy, World politics, Competition and coalition, Shale revolution.

1. Assistant Professor in International Relations Department, National Security Research Institute, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
karimipour.d@chmail.ir

دیپلماسی انرژی در سیاست جهانی معاصر؛ آینده رقابت‌ها و ائتلاف‌ها

داود کریمی‌پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

چکیده

با توجه به اهمیت مقوله انرژی در اقتصاد جهانی، کشورها از راهبردها و راهکنش‌های متعددی برای تأمین منافع خود در بازار جهانی نفت استفاده می‌کنند. در این زمینه، طی سال‌های گذشته و با برداشت حداکثری از منابع شیل از سوی ایالات متحده آمریکا، بازار نفت نیز دستخوش دگرگونی‌های قابل توجهی شده است. سؤال اصلی فراروی مقاله حاضر آن است که «انقلاب شیل، چگونه بر سازوکارهای اقتصاد سیاسی جهانی نفت تأثیر گذاشته است؟» در پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه، «برداشت حداکثری منابع شیل توانست علاوه بر تأثیرگذاری بر فرایند تعیین قیمت‌های جهانی نفت، به تهی‌سازی سهم کشورهای مخالف آمریکا، تقویت اتحادهای سیاسی با کمک نفت، شتاب گرفتن تغییر سبب انرژی کشورهای تولیدکننده نفت و بازآرایی ژئوپلیتیک انرژی نفت بیانجامد.» یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که آمریکا با کمک نفت شیل توانست، سهم ایران را از بازار نفت به شدت تقلیل دهد، قیمت جهانی نفت را همسو با منافع خود تغییر دهد، از اهمیت تنگه هرمز در راستای منافع راهبردی خویش بکاهد و از متحدان سیاسی خود با ارائه معافیت‌های نفتی حمایت کند. مجموع این فعالیت‌ها نشان‌دهنده، مکانسیم‌های اقتصادی-سیاسی در بازار نفت است که کشورهای قدرتمند برای تداوم سلطه خود در عرصه جهانی به کار می‌بندد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی انرژی، سیاست جهانی، رقابت و ائتلاف، انقلاب شیل.

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

باید خاطر نشان ساخت که در گذشته، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که می‌توان به مقاله «نگاهی به علل شکل‌گیری اقتصاد سیاسی نفت و گاز در خلیج فارس و راهبرد کشورهای صنعتی در قبال آن» توسط محمدحسین مهدوی عادل و سیدجعفر حسینی در سال ۱۳۸۹، اشاره کرد. در این موضوع، مقالات دیگری نیز منتشر شده که هیچ‌کدام نگاهی جهانی به موضوع اقتصاد سیاسی نفت نداشته و عمدتاً متمرکز بر اقتصاد سیاسی نفت در داخل کشور هستند. به عنوان مثال، مقاله «آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران» اثر سیدشمس‌الدین صادقی و یا مقاله «اقتصاد سیاسی نفت و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی ایران» از سوی حسین شیخزاده اشاره کرد. مقاله دیگری نیز توسط دکتر میرترابی با عنوان «تحلیل قیام‌های مردمی در خاورمیانه از منظر اقتصاد سیاسی نفت» در سال ۱۳۹۴ نوشته شده است که این مقاله نیز نمی‌تواند اهداف موردنظر مقاله حاضر را پوشش دهد. به عبارت بهتر باید گفت، تاکنون پیامدهای اقتصاد سیاسی نفت شیل در سطح جهانی مورد بررسی قرار نگرفته و این مقاله در نوع خود بی‌نظیر خواهد بود.

مبانی نظری: رهیافت اقتصاد سیاسی جهانی نفت

نفت و فراورده‌های نفتی، یکی از مهم‌ترین کالاها در اقتصاد جهان به‌شمار آمده و سوخت عمده صنعت جهانی را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، نفت و محصولات آن یکی از شاخص‌ها و بنیان‌های اساسی جهان امروز است (شیخزاده، ۱۳۹۸، ص. ۲۲۴). در حال حاضر نقش انرژی در اقتصاد جهانی به‌گونه‌ای افزایش یافته است که رابطه‌ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کرده است. با توجه به اهمیت و نقش حیاتی نفت در حیات و اقتصاد کشورها، این ماده در طول چند قرن اخیر در مناسبات و تحولات بین‌المللی تأثیرگذار بوده است و گاهی باعث تحولات عظیم در صحنه بین‌المللی شده است (حلیم زمهریر و میرزایی فر، ۱۳۸۹، ص. ۵۹۶). در واقع نفت از زمانی که کشف شد همواره یک کالای اقتصادی-سیاسی بسیار آسیب‌پذیر بوده است (بهجت، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۰). مطابق با رهیافت اقتصاد سیاسی، ضعف یا توان اقتصادی یک کشور بر امنیت ملی آن کشور بسیار تأثیرگذار است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۲). در حوزه مباحث مرتبط با انرژی، علی‌رغم تنوع منابع انرژی، نفت خام و گاز طبیعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. امروزه زمانی که صحبت از انرژی به میان می‌آید، تمامی توجه‌ها در ابتدا معطوف به نفت خام و بعد متوجه گاز طبیعی می‌شود. بنابراین اغلب سیاست‌گذاری‌های انرژی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی براساس این دو

هیدروکربور شکل می‌گیرد (مهدوی عادل و حسینی، ۱۳۸۹، ص. ۳). در واقع اهمیت نفت تا جایی است که باید گفت روابط بین‌الملل و بازی آن را نیازهای نفتی مشخص می‌کند و سازوکار روابط بین‌الملل را نفت جهت می‌دهد (حلیم زمهریر و میرزایی فر، ۱۳۸۹، ص. ۵۹۶). علی‌رغم تلاش‌ها و پیشرفت‌های قابل توجه در راستای جایگزین کردن انرژی‌های نو حداقل در چنددهه اخیر، جایگزین کردن نفت، امکان‌پذیر نیست. اهمیت حیاتی نفت باعث شده تا ساماندهی آن به‌عنوان یکی از عناصر اصلی قدرت در عرصه جهانی مورد توجه دائمی قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد؛ به‌نحوی که آنها کوشیده‌اند با ایجاد و ساماندنی نظام بین‌المللی نفت منافع و امنیت انرژی خود را تأمین کنند (موسوی شفا، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۴).

اصولاً در حوزه انرژی دو رهیافت کلی وجود دارد؛ عده‌ای بر این باور هستند که گسترش نظام بازار آزاد سبب خواهد شد که یک دنیای یکپارچه سیاسی و اقتصادی در همه بازارها از جمله بازار انرژی شکل بگیرد که عملکرد آن در همه جهان کارایی خواهد داشت. در واقع از نظر این گروه بازار انرژی همانند سایر بازارها فعالیت می‌کند. در مقابل گروهی دیگر از پژوهشگران معتقدند با توجه به ویژگی‌ها و واقعیت‌های انرژی به‌ویژه صنعت نفت، بازار نفت متمایز از سایر بازارها است و نقش محوری و حساس انرژی و اهمیت عرضه آن سبب شده تا دنیا به بلوک‌های مختلف اقتصادی و قدرت سیاسی رقیب تبدیل شود که برای کسب سهم بیشتری از منابع انرژی به انواع قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی متوسل خواهند شد (Correlje & Linde, 2006, p. 532). به عبارت دیگر، حوزه انرژی یکی از مصادیق شکست بازار است که نقطه تعادل در آن، نقطه‌ای است که منافع همه گروه‌ها حداکثر گردد. بلکه این تعادل بسته به قدرت سیاسی و اقتصادی گروه‌های رقیب مشخص می‌شود (مهدوی عادل و حسینی، ۱۳۸۹، ص. ۴). تأکید رویکرد نظری در این مقاله بر رهیافت دوم خواهد بود. رهیافت اقتصاد سیاسی نفت در واقع به بررسی معادله تأثیر پوشش‌های جهانی بازار این حامل انرژی بر معادلات بین‌المللی و ارتباطات جهانی می‌پردازد. بر این اساس آنچه در این رهیافت مورد توجه قرار می‌گیرد، مطالعه همکاری‌ها و رقابت‌ها در بازار جهانی نفت به‌منظور تبیین پیامدهای سیاسی آن است. در چنین رهیافتی، اقتصاد و سیاست بازار نفت به‌طور مجزا بررسی نمی‌گردند، بلکه برهم‌کنش و بازی دوطرفه سیاست و اقتصاد موضوع بحث خواهد بود. لذا از نگاه تحلیلگران اقتصاد سیاسی، بازار نفت به‌وسیله یک جدال دائمی میان رقابت و همکاری هدایت می‌شود (Bolanos, 2018, p. 57). مطالعه و بررسی تاریخی رفتار بازیگران، نشان می‌دهد کنشگران به‌طور معمول شش راهکنش را برای پیگیری اهداف خود در

محیط بین‌المللی انرژی به کار می‌گیرند، که می‌توان از آن‌ها به عنوان قواعد بازی یاد کرد (Pascual, 2015, p p. 11-17). در جدول ذیل این راهکنش‌ها نمایش داده شده است:

جدول ۱. سازوکارهای ائتلاف و رقابت در دیپلماسی انرژی (Pascual, 2015, p. 11)

راهکنش	حجم بازار	جریان سرمایه‌گذاری	همبستگی	پایداری	شتاب	ریسک‌پذیری
حذف صادرکنندگان	هرچه صادرکننده کوچک‌تر باشد، امکان حذف آن بدون نوسان بازار آسان‌تر خواهد بود.	در شرایطی که تولیدکننده همچنان از جریان سرمایه‌گذاری بهره‌مند است، تداوم بلوکه کردن صادرات آن غیرممکن است.	در صورتی‌که واردکنندگان از کشور تحریم‌شده، با کشور بیشتر باشند، احتمال تداوم همکاری نکنند، حذف از بازار خواهد بود.	هرچه میزان آسیب‌پذیری صادرکننده از نوسانات بازار بیشتر باشد، دور زدن و جایگزینی کمتر خواهد بود.	هرچه حذف سریع‌تر و بزرگ‌تر باشد، احتمال دور زدن و جایگزینی کمتر خواهد بود.	کنار گذاشتن صادرکننده کوچک‌تر باشد، امکان حذف آن بدون نوسان بازار آسان‌تر خواهد بود. ملی است.
محدودسازی ظرفیت تولید	هرچه سهم درآمدهای انرژی از بودجه و تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، امکان محدودسازی بیشتر خواهد بود.	ظرفیت دسترسی برای محدود کردن جریان‌های مالی بانک‌ها و ممانعت از سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و تجارت در بخش انرژی	اینکه واحدهای ذی‌نفع کدامند و احتمال همکاری آن‌ها برای حذف منابع و فناوری بر ضد واحد تحریم‌شده، تا چه‌اندازه	کدام یک از طرفین (تحریم‌کننده یا شونده) آمادگی بیشتری برای پرداخت هزینه دارند و بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرند.	تناسب سرعت اعمال تحریم با مواضع سیاسی و میزان اثرگذاری بلافاصله آن	کنار گذاشتن صادرکننده وابسته به منافع حیاتی تصمیم‌سازان و هزینه‌های نسبی در برابر اهداف امنیت ملی است.

راه‌کنش	حجم بازار	جریان سرمایه‌گذاری	همبستگی	پایداری	شتاب	ریسک‌پذیری
			خواهد بود.			
اشباع بازار	بسته به سطح بازار (منطقه‌ای یا جهانی) حجم تأثیرگذار عرضه متفاوت خواهد بود.	آیا اشباع یک بازار مانع از سرمایه‌گذاری آتسی در آن بازار خواهد بود؟	تعداد کنشگران موردنیاز برای تأمین عرضه و اینکه آیا کنشگران خصوصی دولتی با این سیاست همکاری می‌کنند یا خیر؟	عرضه موردنیاز تا چه مدت زمانی قابل تأمین است و آیا مشارکت-کنندگان از ریزش قیمت‌ها متفیع می‌شوند.	شتاب اقدامات پس از تصمیم برای کاهش دستکاری بازار	اگر اشباع بازار، اهداف موردنظر را محقق نسازد، فردی که هزینه بالای هدررفت منابع را می‌پذیرد چه کسی خواهد بود؟
تهی‌سازی بازار	حجم بازار هدف به نسبت عرضه‌های قابل دسترس از دیگر منابع چقدر است؟	آیا واحد-هدف می‌تواند به‌منظور متنوع‌سازی تولید، تأمین مالی را تضمین کند و سبب شود که عرضه‌کننده سهم خود را در بازار از	آیا عرضه-کنندگان بالقوه دیگری وجود دارند و آیا آن‌ها می‌توانند دست به ائتلاف بزنند؟	آیا مصرف-کننده به اندازه کافی بزرگ است که بتواند برای عرضه-کننده ایجاد هزینه کند؟	آیا اقدامات برای جذب جریان سرمایه‌گذاری از دیگر عرضه-کنندگان پرشتاب است؟	هزینه‌های کوتاه واحدها برای توقف صادرات چیست؟ ارزش نسبی توقف صادرات در برابر اهداف امنیت ملی چقدر است؟

راهکنش	حجم بازار	جریان سرمایه‌گذاری	همبستگی	پایداری	شتاب	ریسک‌پذیری
		دست بدهد؟				
حمایت از متحدان	سطح پشتیبانی مورد نیاز برای حمایت از متحدان	آیا می‌توان جریان سرمایه را برای افزایش یا متنوع‌سازی تولید بسیج کرد؟	آیا عرضه-کنندگان و کشورهای ترانزیتی همکاری می‌کنند؟ آن‌ها با چه خطراتی مواجه هستند؟	آیا کشور کمک‌گیرنده، همواره به واحد کمک-کننده وابسته خواهد بود؟ آیا جایگزین-های بلندمدتی برای بازار وجود دارد؟	آیا عرضه یا تأمین مالی به سرعت به دست هدف می‌رسد؟ قضاوت در مورد این اقدام، سیاسی خواهد بود یا مادی؟	واحدهای خصوصی چه پاسخی به کشور کمک-گیرنده خواهند داد؟ آسیب-پذیری‌ها چه خواهد بود؟
تغییر سبب سوخت	در نظر گرفتن سوخت‌های عمده فسیلی و غیر فسیلی و سهم آن‌ها از اقتصاد یک کشور	آیا سرمایه-گذاری‌ها در زمینه سوخت پاک‌تر بر روی کیفیت رقابت خواهند کرد یا قیمت؟	چگونه می-توان بر خروجی‌های ذغال سنگ قیمت‌گذاری کرد و هزینه-های تأمین مالی را کم کرد؟	خطراتی که رقابت اقتصادی و امنیت عرضه با آن روبه‌رو است، کدامند؟	هرچه تأخیر بیشتر باشد، هزینه کاهش گازهای گلخانه‌ای در آینده بیشتر خواهد بود.	چه کسی، هزینه‌های زیست-محیطی، اقتصادی و امنیت ملی را متوازن می-کند؟

مبتنی بر جدول می‌توان پیش‌بینی کرد که کنشگران بازار از چه راهبردهایی برای رقابت در

عرصه جهانی استفاده می‌کنند. البته موفقیت یا شکست هرکدام از این راهبردها به عوامل شش‌گانه حجم بازار، جریان سرمایه، ائتلاف، پایداری، شتاب و ریسک‌پذیری بستگی دارد که می‌تواند رفتار ذی‌نفعان در بازار جهانی را تحت تأثیر خویش قرار دهد. در واقع باید خاطر نشان ساخت که موفقیت راهبردهای سیاسی در بازار نفت به شاخص‌های اقتصادی و به نتیجه رسیدن اهداف اقتصادی در این بازار به راهبردهای سیاسی کارآمد نیاز دارد. در این زمینه کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، روسیه و عربستان سعودی به‌طور مکرر از این راهبردها در بازار جهانی نفت استفاده می‌کنند. تولید حداکثری شیل در دوره ترامپ در واقع مبتنی بر همین سیاست دنبال شد و توانست نتایج اقتصادی و سیاسی مشخصی نیز به‌همراه بیاورد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

روش پژوهش

این مقاله مبتنی بر روش تحلیلی - تبیینی به بررسی آینده مناسبات سیاسی - اقتصادی در بخش انرژی می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

هنگامی که صحبت از رقابت به میان می‌آید ناچار باید به تغییر راهبرد و سیاست انرژی در آمریکا اشاره کرد. در دوره اوباما رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده همسو با این اهداف بود. در این دوره می‌توان ارکان دیپلماسی انرژی ایالات متحده آمریکا را تأکید بر امنیت انرژی، کاهش تغییرات آب‌وهوایی و تلاش برای افزایش سهم انرژی‌های پاک دانست. از جمله اقدامات دولت اوباما در این دوره، تهیه برنامه چهارساله بازنگری انرژی بود که به‌منظور هماهنگ‌سازی اهداف اقتصادی، امنیتی و آب‌وهوایی این کشور در اختیار سازمان‌های مرتبط دولت آمریکا قرار گرفت^۱ (Liu, Ybema, 2016, p p. 34-35).

دولت اوباما در این زمینه با در پیش گرفتن سیاست‌های همکاری‌محور با کشورهای مختلف در زمینه تولید انرژی‌های پاک در راستای تحقق این اهداف گام‌های برداشت. در این رابطه می‌توان به ابتکار گفتگوی انرژی پاک میان آمریکا و کانادا در سال ۲۰۰۹ اشاره کرد. علاوه بر این، همکاری با ترکیه در پروژه «منطقه قریب به صفر» که با هدف کاهش وابستگی ترکیه به واردات انرژی، تقویت امنیت انرژی و کاهش آلودگی‌های کربنی انجام شد. در کنار این پروژه‌ها و ابتکارها، دولت اوباما همکاری‌هایی را با دولت چین، رژیم صهیونیستی و هند در دستور کار قرار داد. ابتکار

مشارکت جامع انرژی ایالات متحده- آسیا پاسیفیک نمونه دیگری از رویکرد مشخص دولت اوپاما در زمینه دیپلماسی انرژی است. اوپاما با تلاش برای مشارکت در پروژه گسترش شبکه برق به ۳۸۷ میلیون نفر در این منطقه، به تحقق اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیا- پاسیفیک می‌اندیشید (Liu, Ybema, 2016, p. 37).

با روی کار آمدن دونالد ترامپ، نگاه دولت آمریکا به ابزار انرژی در عرصه سیاست خارجی دستخوش تغییر و دگرگونی شد. در حالی که اوپاما رویکردی هنجاری به دیپلماسی انرژی داشت و بیشتر تلاش می‌کرد تا معادلات سیاسی در عرصه انرژی را با تلاش‌های دیپلماتیک حل و فصل کند، اما با روی کار آمدن ترامپ و حاکم شدن نگاه تجاری به سیاست خارجی و امنیتی این کشور، دیپلماسی انرژی ایالات متحده نیز چهره جدیدی به خود گرفت. نمونه عینی و ملموس این تحول گفتگمانی را می‌توان در مسأله کاهش وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه مشاهده کرد.

حمایت از منشور واحد انرژی و کاهش وابستگی به گاز روسیه از جمله خط‌مشی‌های سیاسی پابرجای دولت آمریکا بوده است. در واقع تمامی دولت‌های حاکم بر آمریکا، همواره نسبت به پیامدهای وابستگی بیش‌ازحد اروپا به گاز روسیه، ابراز نگرانی کرده‌اند و اقداماتی را به‌منظور متنوع‌سازی عرضه گاز طبیعی به این قاره انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به حمایت از پروژه خط لوله تاپ و تاناپ اشاره کرد (Giuli, 2017, p. 2).

اوپاما، دیپلماسی انرژی را نه به‌عنوان یک رهیافت و ابزار در سیاست خارجی بلکه به‌عنوان بخشی از دستگاه تصمیم‌سازی ایالات متحده وارد وزارت خارجه کرد. در سال ۲۰۱۱، با تأسیس دفتر دیپلماسی انرژی ذیل اداره منابع طبیعی، در واقع تلاش‌های دولت آمریکا در این عرصه را سامان‌دهی کرد. این تحول ساختاری در وزارت خارجه ایالات متحده سبب شد تا واشنگتن نقش فعال‌تری را به‌عنوان صادرکننده انرژی داشته باشد. با این حال رویکرد اوپاما به رقابت‌ها در بازار انرژی، برگرفته از نگاه هنجاری و دیپلماتیک بود. به‌عنوان نمونه رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده نیز بیشتر تلاش خود را در حمایت‌های دیپلماتیک از منشور واحد انرژی و کاهش وابستگی به روسیه به‌ویژه پس از بحران کریمه دنبال می‌کرد.

در دوره ترامپ، دیپلماسی انرژی ایالات متحده شاهد گذار گفتگمانی از هنجارگرایی به مرکانتلیستی تهاجمی بود. در این دوره ترامپ با تدوین رهنامه «سلطه انرژی» تلاش کرده تا بازارهای هرچه بیشتری را به تسخیر آمریکا درآورد. ترامپ سلطه انرژی را به‌مثابه یک هدف راهبردی، اقتصادی و سیاست خارجی معرفی کرد و در عمل نیز با افزایش ۷۸ درصدی تولید نفت

تلاش کرد تا این مهم را به تحقق برساند. آنچه «ریک پری» وزیر انرژی دولت آمریکا در این باره معتقد است، رهنامه سلطه انرژی به معنای ایجاد یک ملت خودکفا در زمینه انرژی و ایمن در برابر سایر ملت‌ها است که تلاش می‌کند تا با بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیک از انرژی به عنوان یک سلاح اقتصادی استفاده کنند (Giuli, 2017, p. 1).

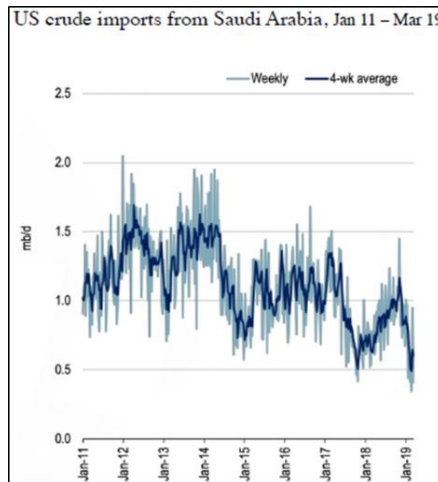
- ایالات متحده که در حال حاضر به بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز در جهان تبدیل شده و با روش‌های گوناگون تلاش می‌کند تا سهم خود را در بازار انرژی جهان به گونه روزافزونی توسعه بخشد. در واقع در دوره ترامپ دیپلماسی انرژی ایالات متحده آمریکا از یک موضع منفعلانه به سبک تهاجمی و فوق فعال تغییر مسیر داد. بر این اساس، تحلیلگران سیاست بین‌المللی انرژی معتقدند در حال ورود به عصر جدیدی هستیم که می‌توان آن را تحت عنوان مرکانتلیسم جهانی جدید^۱ نام نهاد. این دوره با سه رکن اساسی شناخته می‌شود:
- استفاده فراوان از تعرفه و دیگر ابزارهای محافظه‌کارانه؛
- مداخله‌گرایی روبه‌رشد دولتی با پرداخت یارانه به صنایع و بخش‌های ناکارآمد؛
- خلق محیط شگفتی و عدم قطعیت در برابر رقبا و حتی شرکای واقعی در اقتصاد بین‌المللی (Higgott, 2019, p. 9).

به عبارت بهتر باید خاطرنشان ساخت که اقتصاد سیاسی جهانی نفت در دوره اخیر تحت تأثیر این سه رکن خواهد بود. در چنین محیطی، کنشگران باید برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود در بازار جهانی نفت، رفتارهای مشخصی را دنبال کنند. کارشناسان معتقدند سیاست بین‌المللی اقتصادی ترامپ در حال حاضر، اصلی‌ترین مؤلفه راهبرد رقابت ژئوپلیتیکی ترامپ در برابر قدرت‌های بزرگ به‌ویژه چین شده است. به عبارت دیگر عامل و ابزار اقتصادی در شرایط کنونی توانسته نقش اصلی را در رقابت ایالات متحده با قدرت‌های بزرگ ایفا کند (Higgott, 2019, p. 19). در ادامه به مهم‌ترین پیامدهای تولید حداکثری شیل بر اقتصاد سیاسی جهانی نفت اشاره می‌شود:

بازآرایی ژئوپلیتیک انرژی بر اساس منافع راهبردی

مسیر جدیدی که ایالات متحده آمریکا در دیپلماسی انرژی خویش پیش گرفته، بازآرایی ژئوپلیتیک نوین انرژی در جهان است. ترامپ با تلاش برای کاهش ارزش ژئوپلیتیک انرژی منطقه

غرب آسیا و خلیج فارس در واقع ضمن اینکه نشان می‌دهد که به منافع انرژی این منطقه نیاز راهبردی ندارد، فشارها بر کشورهای این منطقه را بیش‌ازپیش افزایش داده است. استحصال حداکثری منابع شیل این مزیت را برای ایالات متحده به‌همراه آورده که بتواند وابستگی خود را به نفت خلیج فارس کاهش دهد. ترامپ در سخنرانی اخیر خود به این نکته اشاره کرد که هزینه تأمین امنیت خلیج فارس به‌عهده کسانی است که از این منطقه نفت خریداری می‌کنند. به عبارت دیگر، ایالات متحده چون نیازی به نفت خلیج فارس ندارد، پس نباید هزینه‌ای برای تأمین امنیت آن بپردازد. در تصویر ذیل، منحنی خرید نفت آمریکا از عربستان سعودی، متحد راهبردی این کشور در سال جاری میلادی نشان‌دهنده کاهش وابستگی نفتی واشنگتن به ریاض است.



نمودار شماره ۱. واردات نفت خام آمریکا از عربستان سعودی

پس از روی کار آمدن ترامپ، ایالات متحده تلاش فراوانی برای تغییر موازنه ژئوپلیتیک انرژی جهان داشته است. در این سیاست، واشنگتن تلاش می‌کند تا اهمیت حوزه‌های ژئوپلیتیکی را با استفاده از اهرم انرژی جابه‌جا کند. خلیج فارس و تنگه هرمز از جمله مناطقی هستند که آمریکا به‌شدت در پی تضعیف نقش آن در ژئوپلیتیک انرژی جهان است. راهبرد آمریکا برای کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس و تنگه هرمز سبب شده تا سیاست خارجی این کشور در برابر مسائل و موضوع‌های این منطقه دستخوش تغییر شود. به‌نظر می‌رسد کاهش وابستگی نفتی ایالات متحده به غرب آسیا سبب می‌شود تا این کشور امنیت و ثبات در خلیج فارس را به مثابه یک ابزار در سیاست خارجی خویش بر ضد جمهوری اسلامی ایران و رقبایی همچون چین مورد بهره‌برداری قرار دهد.

همچنین با کاهش واردات نفتی آمریکا از این منطقه در یک دورنمای قابل پیش‌بینی، اهمیت امنیت تنگه هرمز و خلیج فارس بیش‌ازپیش برای کشورهای منطقه شرق آسیا که از جمله مشتریان نفتی ایران هستند، افزایش می‌یابد. این مهم می‌تواند به کاهش باورپذیری تهدیدهای امنیتی ایران در خلیج فارس منجر شود. در نتیجه باید خاطر نشان ساخت که ایالات متحده با جایگزین کردن سایر مناطق به‌جای غرب آسیا و خلیج فارس در سبد انرژی خویش، در واقع ضمن تلاش برای تغییر توازن ژئوپلیتیک انرژی، در پی کاهش ارزش و مزیت ژئوپلیتیک انرژی جمهوری اسلامی ایران و خارج کردن کارت بازی ایران در تنگه هرمز است.

این سیاست به‌طور مستقیم بر قدرت اوپک در بازار جهانی تأثیر خواهد گذاشت. در حالی‌که مسأله تضعیف اوپک از جمله سیاست‌های دیرینه ایالات متحده بوده و آمریکا همواره کوشیده تا قدرت این نهاد را در معادلات جهانی به حداقل برساند، ترامپ با استحصال حداکثری از منابع شیل، کاهش وابستگی به نفت اعضای اوپک همانند عربستان سعودی و ونزوئلا و تحریم ایران توانست اوپک را در معرض فروپاشی قرار دهد.

در مقابل، با کاهش اهمیت غرب آسیا در بازار جهانی، منطقه آمریکای شمالی با تولید روزافزون نفت شیل، توانسته از اهمیت به‌مراتب بیشتری در مناسبات جهانی برخوردار شود و بتواند در بازارهای عمده مصرف که شامل اروپا و شرق آسیا می‌شود، سهم بیشتری از بازار را به‌دست بیاورد. منطقه آمریکای شمالی که در گذشته به‌عنوان یکی از مراکز اصلی عمده مصرف نفت در جهان شناخته می‌شد، در حال حاضر به یکی از بزرگ‌ترین تولید و صادرکنندگان نفت و گاز تبدیل شده و این مهم به‌طور مستقیم، سیاست بین‌الملل را دستخوش دگرگونی خواهد کرد.

همانطور که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود، موازنه تجارت انرژی در جهان هم‌اکنون به‌نفع ایالات متحده در حال تغییر است. براساس یافته‌های آژانس بین‌المللی انرژی، اوپک تا یک‌دهه آینده دیگر بازیگر اصلی سیاست بین‌المللی نفت نخواهد بود و این در حالی است که آمریکا تا ۲۰۳۵ به ایفای نقش راهبردی خویش در عرصه انرژی امیدوار خواهد بود.

بازی با قیمت‌های جهانی

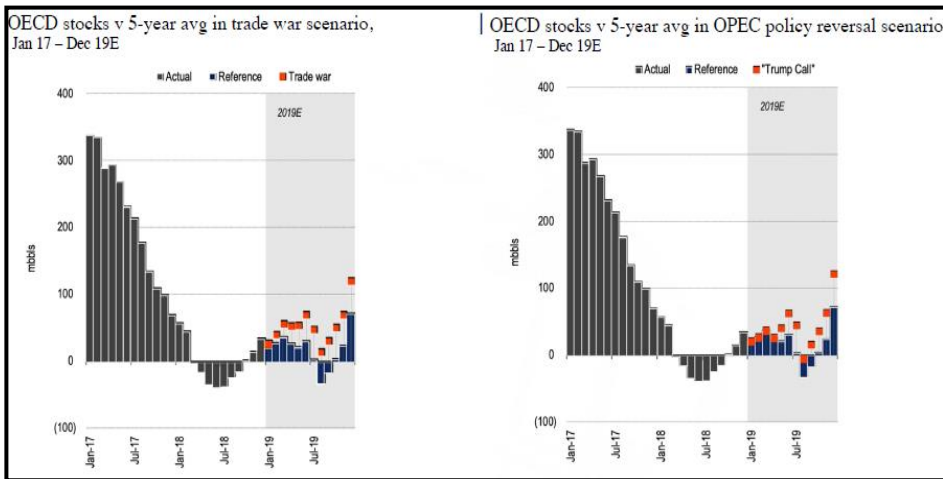
همانطور که از اصول سیاست تجاری ترامپ یاد شد، خلق محیط شگفتی و افزایش عدم قطعیت‌ها در برابر رقبا است. این سیاست را می‌توان به‌وضوح در رفتار و مواضع ترامپ در موضوع قیمت جهانی نفت مشاهده کرد. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که اگرچه ترامپ در مواضع اعلانی خود را حامی کاهش بهای نفت است، اما نگاهی دقیق‌تر به سیاست‌های دولت

آمریکا نشان می‌دهد این کشور عملاً سیاست افزایش قیمت نفت را دنبال می‌کند.

دقت در سیاست‌های دولت آمریکا نشان می‌دهد که اگرچه ترامپ در اظهارنظرها به شدت نسبت به سیاست‌های کشورهای صادرکننده برای افزایش قیمت می‌تازد، اما این سیاست‌ها خود با ایجاد التهاب در بازار نفت منجر به افزایش قیمت می‌شود. در واقع توییت‌های ترامپ یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش قیمت جهانی نفت است. مداخله‌گرایی و اظهارنظرهای غیرکارشناسی ترامپ موجب شده تا حداقل ۱۰ دلار طی ماه‌های اخیر به قیمت نفت افزوده شود.

تحلیلگران در نتیجه معتقدند سیاست ترامپ نه به سمت کاهش و نه به سمت افزایش واقعی قیمت جهانی نفت سوق دارد. بلکه آنچه ترامپ در این زمینه پی می‌جوید، متشنج کردن قیمت جهانی نفت است. این سیاست به‌طور حتم اقتصادهای وابسته به درآمدهای نفتی را دچار چالش جدی می‌کند. هدف اصلی ترامپ در واقع همسوسازی قیمت نفت با منافع راهبردی ایالات متحده و کنترل کشورهای صادرکننده نفت است.

همانطور که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود و یافته‌های مؤسسه مطالعات انرژی آکسفورد نیز این دیدگاه‌ها را تأیید می‌کند، نقاط قرمز رنگ نشان می‌دهد که سیاست‌های آمریکا که شامل جنگ تجاری با چین و اظهارنظرهای ترامپ می‌شود تا چه اندازه توانسته بر بازار نفت تأثیر بگذارد. به وضوح می‌توان گفت که با افزایش قدرت و نفوذ آمریکا در بازار جهانی باید شاهد افت و کاهش نقش اوپک بود. این نمودار یافته‌های به‌دست‌آمده پیرامون تلاش آمریکا برای افزایش قیمت نفت را تأیید می‌کند. در واقع سیاست اعلامی ترامپ اگرچه کاهش قیمت نفت است، اما این سیاست به‌گونه‌ای دنبال می‌شود که اثر معکوس بر بازار نفت دارد که به تحقق اهداف راهبردی آمریکا در این زمینه کمک می‌کند.



نمودار شماره ۲. تأثیر مواضع سیاسی و جنگ تجاری ترامپ با چین بر قیمت جهانی نفت

(Fattouh and Economou, 2019, p. 1)

همانطور که این نمودار نشان می‌دهد، انقلاب شیل نه تنها قیمت‌های جهانی نفت را دستخوش دگرگونی کرد، بلکه بر فرایندهای قیمت‌گذاری و جابه‌جایی بهای جهانی نفت نیز تأثیر گذاشته است. در واقع در چنین شرایطی، قیمت نفت بیش از آنکه از سازوکارهای اقتصادی تأثیر پذیرفته و یا براساس حجم تقاضا در برابر عرضه مشخص شود، به‌شدت از مواضع سیاسی و جهت‌گیری‌های رهبران کشورها متأثر خواهد شد.

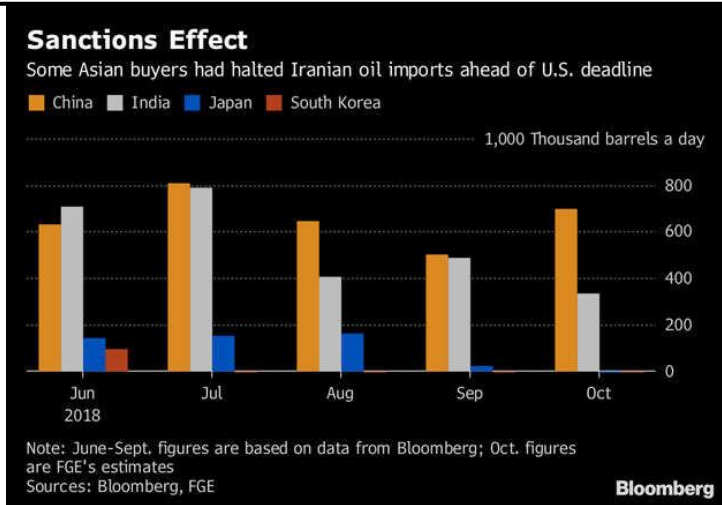
تهی‌سازی سهم کشورهای ناهمسو در بازار نفت

یکی از پیامدهای فوری تحول نقش آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان، تضعیف قدرت اثرگذاری اوپک در بازار جهانی نفت است (Gutiérrez, 2019, p. 52). گذار از هنجارگرایی به عملگرایی در دیپلماسی انرژی ایالات متحده آمریکا سبب شده تا در شرایط کنونی، حتی با افزایش قیمت جهانی نفت، سهم اوپک به شکل حداقلی باقی بماند. در این زمینه باید به تلاش‌های آمریکا برای فشار بر اوپک و به‌ویژه عربستان سعودی به‌منظور جبران کاهش سهم ایران از بازار نفت اشاره کرد. آمریکا در دیپلماسی انرژی خویش می‌کوشد تا سهم ایران و ونزوئلا را در بازار نفت در یک سطح حداقلی نهادینه سازد. تحریم‌های گسترده نفتی بر ضد این دو کشور در کنار نفوذ و اعمال فشار در اوپک منجر شده تا سهم ایران و ونزوئلا در بازار جهانی نفت در پایین سطح ممکن قرار بگیرد.

انقلاب شیل سبب شد تا بتواند کشورهای مخالف خود را به‌شدت در بازار نفت تحت فشار

قرار دهد. از جمله راهبردهای مهمی که ایالات متحده برای فشار بر ایران و ونزوئلا دنبال کرده و مبتنی بر چارچوب تحلیلی این مقاله نیز است، سیاست انباشت بازار است. آمریکا با تولید حداکثری نفت شیل توانست بازار کشورهایی که سابقاً در فهرست واردکنندگان نفت از ایران بودند را در اختیار بگیرد. این مهم به‌طور مشخص پس از خروج این کشور از برجام عملیاتی شد. پس از اینکه ایالات متحده از برجام خارج شد، ترامپ مدعی شد که آمریکا فروش نفت ایران را به صفر خواهد رساند. در نگاه نخست باور همگان این بود که واشنگتن با اعمال تحریم‌های گسترده، مشتریان نفتی ایران را از معامله با این کشور برحذر خواهد داشت. اما آنچه در عمل روی داد این بود که آمریکا ضمن تحریم‌های گسترده علیه صنعت نفت ایران، هدف صادراتی خود را دقیقاً کشورهایی قرار داد که در زمره مهم‌ترین خریداران نفتی ایران بودند. این بازار که عمدتاً شامل کشورهای شرق آسیا می‌شود در حال حاضر در فهرست اولویت‌های صادرات انرژی ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌اند (Congressional Research Service, 2019, p. 17).

این مهم سبب‌شده تا نفت ایران در شرایطی که در تحریم قرار گرفته و توانایی استفاده از تمامی ظرفیت‌های صادراتی خود را ندارد، به‌دلیل نفوذ سیاسی آمریکا و نیاز روزافزون کشورها به منابع انرژی، رفته‌رفته در سبد وارداتی این کشورها کمتر از هر زمان دیگری شود. در واقع ایالات متحده به نوعی با راهبرد گازانبری خود با اعمال تحریم، ضمن اینکه امکان آزادسازی ظرفیت‌های صادراتی ایران را به حداقل رسانده، بازار صادراتی ایران را نیز با استحصال حداکثری منابع نفت شیل، به‌تصرف خویش درآورده است که در چنین شرایطی حتی پس از رفع تحریم‌ها نیز به‌سختی می‌توان به شرایط پیش از اعمال آن بازگشت.



نمودار ۳. نهی‌سازی سهم ایران از بازار نفت در دوره شیل (Bloomberg)

یافته‌های تحقیق

پیامد دیگری که نفت شیل بر اقتصاد سیاسی جهانی نفت برجای گذاشته، تبدیل اتحادهای سیاسی به اتحادهای نفتی است. در حالی که در گذشته، اتحادهای سیاسی تأثیر غیرمستقیم بر بازار نفت داشت، اما با ظهور شیل و چیرگی راهبردهای سیاسی بر اقتصادی، مشاهده شد که چگونه دولت‌ها در بازار نفت سعی در حمایت از متحدان خویش دارند. از جمله مهم‌ترین تصمیمات سیاسی ترامپ در دوره اخیر، ارائه برخی معافیت‌های نفتی به واردکنندگان نفت از ایران بود. این حرکت در واقع با هدف جلوگیری از وارد آمدن شوک به اقتصاد کشورهایی همچون هند که از متحدان آمریکا به‌شمار می‌رفت، در دستورکار دولت آمریکا قرار گرفت. آمریکا با چنین اقدامی مانع از آن شد که رشد قیمت جهانی نفت، اقتصاد هند را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال به هند فرصت داد تا آرام آرام و به تدریج نفت دیگر کشورها را جایگزین نفت ایران کند. معافیت‌های نفتی برای ایالات متحده این فرصت را به‌همراه آورد که بتواند کشورها را برای پذیرش دیدگاه‌های خود تحت فشار قرار دهد و از سوی دیگر رفتار نفتی ایران را تحت نظر قرار دهد.

در غیر این صورت احتمالاً ایران ضمن اینکه به سراغ راهکارهای نوینی برای دور زدن تحریم‌های نفتی می‌رفت، تلاش می‌کرد تا نفت بیشتری نسبت به تقاضای کشورهای دارای معافیت در بازار به فروش برساند. در عین اینکه این سیاست اهرم قدرتمندی برای مدیریت قیمت‌ها در بازار جهانی است. همانطور که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود، کشورهایی که در گذشته از جمله

واردکنندگان نفت از ایران به‌شمار می‌آمدند، طی یک دوره چهارماهه، نفت ایران را از بازار خود حذف کرده و به سراغ دیگر کشورها رفتند. در این میان، تنها چین به‌دلیل جنگ تجاری با آمریکا توانست در برابر تحریم‌های این کشور ایستادگی کند و به خرید نفت از ایران ادامه دهد.

پیامد دیگری که رشد شیل بر بازار جهانی نفت برجای گذاشته، حرکت کشورهای به‌سوی الگوی توسعه شیل در آمریکا است. در حال حاضر کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس درصدد هستند تا دست به توسعه منابع شیل خود زده و بتوانند به کنشگر تأثیرگذاری در بازار نفت تبدیل شوند. از جمله این کشورها باید به بحرین، اردن، عربستان سعودی و ... اشاره کرد. از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی با افزایش شدید بهای نفت، درآمدهای نفتی به شکل عمیقی جوامع خاورمیانه و از جمله این کشورها را تغییر داده است (میرترابی، ۱۳۹۴، ص. ۹۲). به‌عنوان مثال بحرین در تلاش است تا با کمک شرکت‌هایی همچون هالبرتون و شلومبرگر از منابع شیل خود استفاده کند. بحرین طی سال ۲۰۱۸ دو چاه عمیق برای استحصال منابع نفتی خود حفر کرده اما برای ادامه فعالیت‌های بهره‌برداری نیازمند شرکای بین‌المللی است. از سال ۲۰۱۸ تاکنون شرکت‌هایی همچون شورون و شل بازدیدهایی از میدان نفتی بحرین داشته‌اند و همچنین شرکت‌انی که تجربه موفق در بهره‌برداری از منابع نفتی در آب‌های عمیق دارد نیز به تازگی از مانامه بازدید کرده است (Mills, 2018).

با توجه به اینکه نفت به‌دست‌آمده از منابع شیل عمده‌تأ سبک است، لذا بازار نفت سبک منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به‌طور جدی رونق خواهد یافت. این در حالی است که عربستان سعودی نیز درحال انجام تحقیقات جامع در مورد تولید گاز شیل است و تاکنون صدها چاه در میدان جفروه که در شرق خلیج فارس، غرب میدان نفتی غوار و شمال بحرین قرار دارد، حفر کرده است. با توجه به قرابت جغرافیایی، احتمالاً منابع نفتی تازه کشف‌شده بحرین، در جوار آب‌های ساحلی قطر و عربستان سعودی قرار خواهد داشت. از سوی دیگر کویت نیز درحال بهره‌برداری از منابع گازونفت عمیق خود در میدان نفتی ژوراسیک است. همچنین عمان با کمک شرکت نفت انگلیس، توانسته تأسیسات صادرات گاز مایع خود را با حداکثر ظرفیت، فعال کند (Mills, 2018).

درواقع به‌نظر می‌رسد در آینده هراس از محدودیت‌های زیرساختی و همچنین تولید شیل بیش‌ازپیش کاهش یابد. کارشناسان در این زمینه معتقدند اکتشاف منابع بزرگ نفت شیل در کشورهای همچون بحرین کمک می‌کند شرکت‌های آمریکایی که تجربه موفق در زمینه تولید شیل داشته‌اند، بتوانند فرصت‌هایی جدیدی در خارج از این کشور را تجربه کنند. از این حیث باید

انتظار داشت تا عصر جدیدی از اکتشافات و همچنین تحولات بازار جهانی نفت در آینده ظهور کند.

نتیجه‌گیری

انقلاب شیل توانسته است سازوکارهای اقتصادی در بازار نفت را تحت تأثیر قرار دهد. همانطور که مشاهده شد، دولت آمریکا با تولید حداکثری و رشد سرسام‌آور برداشت از منابع غیرمتعارف شیل توانست با استفاده از راهبردهای سیاسی متنوع، جو بازار را به نفع خود تغییر دهد. فشار بر کشورهای ناهمسو، حمایت از متحدان، بازی با قیمت‌های جهانی در راستای منافع شخصی و همچنین تمایل هرچه بیشتر کشورها به سوی بهره‌برداری از منابع شیل، پیامدهایی است که در نتیجه این سیاست‌ها دنبال شده است. روندها نشان می‌دهد در صورت تداوم سیاست‌های کنونی از سوی ایالات متحده آمریکا در زمینه تولید شیل، بازار بیش‌ازپیش دچار نااطمینانی و شگفت‌زدگی خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود که در نتیجه رخداد شیل، اتحادهای سیاسی در بازار نفت تقویت شده و بلوک‌بندی‌های نفتی بار دیگر تجدید حیات شوند. اگرچه با کنار رفتن ترامپ به نظر می‌رسد ایالات متحده در برخی از سیاست‌های نفتی گذشته خود تجدیدنظر خواهد کرد، اما آنچه مشخص است، افزایش قدرت و تأثیرگذاری کشورهای است که در گذشته صرفاً به‌عنوان یک واردکننده در بازار جهانی ایفای نقش می‌کردند، اما امروز تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهانی نفت شده‌اند. این گذار در بازار جهانی نفت، فشار بر کشورهای همانند ایران را در بازار نفت مضاعف خواهد کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- حلیم زمهریر، ابوالفضل و میرزایی‌فرد، سعید (۱۳۸۹). اهمیت ژئواکونومیک ایران برای اتحادیه اروپا و مسئله تحریم‌ها در نفت و سیاست خارجی. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- شیخ‌زاده، حسین (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی نفت و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی ایران. ۹ (۱).
- صادقی، سیدشمس‌الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود و زرافشان، وحید (۱۳۹۵). آثار اقتصاد سیاسی متکی بر نفت بر امنیت ملی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۷.
- مهدوی عادل، محمدحسین و حسینی، سیدجعفر (۱۳۸۹). نگاهی به علل شکل‌گیری اقتصاد سیاسی نفت-وگاز در خلیج‌فارس و استراتژی کشورهای صنعتی در قبال آن. مجله دانش و توسعه، ۱۸ (۳۳).
- موسوی شفتائی، سید مسعود (۱۳۸۵). جایگاه نفت خلیج‌فارس در سیاست انرژی و استراتژی امنیت ملی آمریکا. راهبرد، شماره ۳۹.
- میرترابی، سعید (۱۳۹۴). تحلیل قیام‌های مردمی در خاورمیانه از منظر اقتصاد سیاسی نفت. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۴.
- هجت، جودت (۱۳۸۰). امنیت نفت در هزاره جدید، ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی. ترجمه قدیرنصری مشکینی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۶۶-۱۶۵.

ب) منابع انگلیسی

- Bolanos, Jose A. (2018), The Political Economy of Oil: The Limits of Our Ability to Prevent Failure, in The International Political Economy of Oil and Gas, Edited by Slawomir Raszewski, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Congressional Research Service (2019), The World Oil Market and U.S. Policy: Background and Select Issues for Congress, Congressional Research Service, No: R45493.
- Correlje', Aad & Lind, Coby Van Der. (2006). "Energy Supply Security and Geopolitics: A European Perspective", Energy Policy, Vol 34, pp 532-543.
- Fattouh, Hassam, Economou, Andreas (2019), An Overview of the Crude Oil Market in 2019, Oxford Institute for Energy Studies.
- Giuli, Marco (2017), Trump's gas doctrine: What does it mean for the EU? European Policy Center.
- Gutiérrez, Manuel Conthe (2019), Energy and Geostrategy 2019, Spanish Institute for Strategic Studies, Spanish Committee of the World Energy Council Spanish Energy Club.
- Higgott, Richard (2019), from trade diplomacy to economic warfare: the international economic policy of the Trump Administration, Working Paper: Elcano Royal Institute.

- Hughes, Liewelyn, Lipsy, Philip (2013), the Politics of Energy, the Annual Review of Political Science.
- Liu, Jia, Ybema, Remko(2016), Energy Transition and Foreign Energy Policy: What Can the Netherlands Learn from Other Countries?, Energy Academy Europe.
- Mills, Robin (2018), Bahrian Shale Oil, Center on global energy policy.
- Pascual, Carlos(2015), New Geopolitics of Energy,Center on Global Energy Policy at Columbia University.

Evaluation of Manifested Phenomenological Verses in the Holy Quran Aimed at Developing the Discourse of Quarn Verse Research

Ali Eghbali¹, Mahdi Ahmadian², Mohammadreza Bazrafshan³

Received: 28-10-2022

Accepted: 07-02-2023

Abstract

This study, acknowledging the existence of explicitly stated phenomenological verses in the Holy Quran, seeks to identify which categories and groups of these verses are effective for constructing the discourse of Ayah research; in other words, it aims to determine which categories of verses are suitable and necessary for specific types of audiences. The research employs qualitative content analysis to identify explicitly stated phenomenological verses in the Quran. An initial model of the explicitly stated verses was developed, and methods for categorizing these verses were subsequently presented. In the next step, the audiences of the verses were categorized based on the mentioned criteria. The findings indicate that 47 explicitly stated verses exist in the Quran, which can be categorized based on lexical criteria such as audience groups, individual, collective, environmental (contextual), and specific characteristics of the audience, as well as semantic criteria such as outward (afaqi) and inward (anfusi), permanent and temporary, past, present, and future, worldly and transcendent, and logical criteria such as multiplicity of meaning and concept. Additionally, numerous verses cater to various groups within the faith community with distinct characteristics, aligned with the aforementioned lexical divisions. The research presents unstated phenomenological verses of the Quran based on Allama Tabatabai's perspective, explicitly stated phenomenological verses, criteria for categorizing verses, criteria for discourse formation, and finally, verses suitable for discourse construction targeted at four audience groups: the general public in both non-faith and faith-based societies, specialists, and rulers.

Keywords: Holy Quran, Futures studies, Foresight, Phenomenal verses, Quaran Verse research, Discourse formation.

1. Corresponding Author. M.Sc. in Industrial Management, Faculty of Industrial Management and Technology, University of Tehran, Tehran, Iran ali.eghbali@ut.ac.ir

2. Assistant Professor in Futures Studies Department, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran mahdiahmadian110@gmail.com

3. Researcher at Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran Bazrafshan.mr@gmail.com

ارزیابی آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم باهدف توسعه گفتمان آیت‌پژوهی

علی اقبالی^۱، مهدی احمدیان^۲، محمدرضا بذرافشان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

چکیده

تحقیق حاضر با پذیرش این واقعیت که در قرآن کریم آیات پدیداری تصریح‌شده وجود دارد، تلاش دارد مشخص کند چه دسته‌ها و گروه‌هایی از این آیات برای گفتمان‌سازی آیت‌پژوهی مؤثر هستند؛ به عبارت دقیق‌تر کدام دسته از آیات برای کدام نوع از مخاطبین مناسب و موردنیاز است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای احصای آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم استفاده شده است. سپس الگوی اولیه‌ای از آیات تصریح‌شده ایجاد شده و درنهایت روش‌های تقسیم برای آیات ارائه گردیده است. در گام بعد، مخاطبین آیات، براساس معیارهای تقسیم‌بندی مورد اشاره قرار گرفتند. این پژوهش نشان داد که ۴۷ آیه تصریح‌شده در قرآن کریم وجود دارد که براساس معیارهای لفظی مانند گروه‌های مخاطبین، ویژگی‌های گروه مخاطب از لحاظ فردی، جمعی، محیطی (ظرفی) و مصداقی و براساس معیارهای معنایی مانند آفاقی و انفسی، دائمی و مقطعی، گذشته، حال و آینده، دنیا و فراتر از دنیا و محیطی (ظرفی) و مصداقی و معیارهای منطقی مانند تعدد مصداق و مفهوم قابل تقسیم هستند. همچنین برای گروه‌های گوناگون جامعه ایمانی که ویژگی‌های ویژه خود را دارند، آیات بسیاری مختص آنها وجود دارد که باتوجه به تقسیمات لفظی مورد اشاره قرار گرفتند. این پژوهش آیات پدیداری تصریح‌نشده قرآن کریم براساس نظر علامه طباطبایی، آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم، معیارهای تقسیم‌بندی آیات، معیارهای گفتمان‌سازی آیات و درنهایت آیات مناسب گفتمان‌سازی را برای چهار گروه مخاطبان یعنی عموم مردم جامعه در جامعه غیرایمانی و ایمانی، متخصصین و حکمرانان ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، آینده‌پژوهی، آینده‌نگری، آیات پدیداری، آیت‌پژوهی، گفتمان‌سازی.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت صنعتی و فناوری، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) ali.eghbali.92@gmail.com

۲. استادیار گروه آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

m.ahmadian@ut.ac.ir

۳. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران bazrafshan.mr@gmail.com

مقدمه

موضوع تحقیق، ارزیابی آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم باهدف توسعه گفتمان آیت‌پژوهی است. در این فصل سعی شده است کلیات تحقیق مورد بررسی قرار بگیرد که به ترتیب شامل تعریف و بیان مسئله، اهمیت، ضرورت، خلاصه‌ای از پیشینه تحقیق، سؤالات تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیات، روش‌شناسی تحقیق، جنبه نوآوری تحقیق، قلمرو پژوهش، توضیحات کلمات کلیدی، مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق، زمان و هزینه‌ها و لوازم موردنیاز می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین وظایف مبلغین دینی رساندن دین به مردم است که برای انجام آن باید از وسایل و راهکارهای مختلفی بهره ببرند. یکی از راه‌هایی که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) خطاب به مبلغین به آن اشاره کرده‌اند، بیان احادیث و معارف اهل بیت بی‌واسطه است تا مردم با شنیدن بیانات مبلغین به این معارف ایمان بیاورند. از طرفی دیگر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) خطاب به مردم بیان کرده‌اند حرف‌ها را بشنوند و تأمل و تفکر کنند؛ در قرآن کریم نیز چیزی در حدود ۷۰ بار به تفکر توصیه شده است.

باتوجه به این دو مطلب برداشت می‌شود که وظیفه مبلغین ارائه مطالب و وظیفه مردم تفکر حول آن مطالب بیان شده است. حال این سؤالات پیش می‌آید: «چه مطالبی برای انتشار از سمت مبلغین برای همراهی و درک مردم بهتر است؟» یا «ارائه چه مطالبی برای هرگونه مخاطبی مناسب است تا بتواند اندکی فرد را ملتفت کند؟». وقتی با این سؤالات به سراغ مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع مسلمانان یعنی قرآن کریم می‌رویم، درمی‌یابیم که در قرآن کریم کلمه‌هایی وجود دارد که آنها را با عنوان آیت مورد اشاره قرار داده است. وقتی به آیات موجود در قرآن کریم می‌پردازیم درمی‌یابیم که دوگانه آیات غیرپدیداری و پدیداری وجود دارد که در مورد برخورد با آنها تعبیری مانند: «این آیاتی است برای مؤمنین و یا برای کسانی که می‌اندیشند و یا برای عقلاء است و...» به‌کار برده شده است. این آیات قابلیت درک برای عموم جامعه را دارند.

همچنین ویژگی‌هایی بیان شده است که یک گروه مخاطب را به‌صورت ویژه، جامعه هدف خود قرار می‌دهد.

این ویژگی‌های مثبت که در مورد آیات وجود دارد مبلغین را با انگیزه رساندن مفاهیم دین به مردم به این تلاش وامی‌دارد که بر روی آیاتی که تصریح‌شده در قرآن کریم هستند کار کنند و ضمن آگاهی پیدا کردن به ویژگی‌ها و شرایط آنها بتوانند آیات را برای ارائه، کاملاً شناسایی و برای عرضه به مخاطبان دسته‌بندی کنند. پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی و دسته‌بندی آیت پدیداری

تصریح‌شده در قرآن کریم است تا بتواند برای ارائه دین توسط مبلغین ارائه گردد.

مبانی نظری: روندپژوهی

قرآن

میان تمامی اسامی و صفات کتاب آسمانی، نام قرآن بیشتر از نام‌های دیگر این کتاب رواج یافته است. این نام را پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا صحابه بدان نداده‌اند؛ بلکه خداوند خود این کتاب آسمانی را قرآن نامید؛ چنان‌که در همان سال‌های نخستین نزول وحی فرمود: «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ» (رامیار، ۱۳۹۵، ص. ۱۸).

قرآن در اصطلاح علوم قرآن و تفسیر عبارت است از کلامی که بر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل و به تواتر از آن حضرت نقل شده است و ما متعبد بر تلاوت آن هستیم (زرقانی، ۱۴۱۶، ص. ۴۵) که فقها و اصولی‌ها بر آن اتفاق نظر دارند (حکیم، ۱۴۲۸، ص. ۱۰).

آیه پدیداری

مفهوم آیت یا آیه یکی از مفاهیم دارای اشارات متعدد در قرآن کریم است. تکرار فراوان آن، آیه را به یکی از واژگان محوری و کلیدی قرآن کریم تبدیل نموده است (پهلوان و دهقانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷).

فراوانی از موضوع تکرار، موقعیت‌های معنایی ترسیم‌شده با استفاده از این واژه نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند. متناسب با کاربردهای مختلف، محققین قرآنی و لغوی، معانی مختلفی برای این واژه مطرح نموده‌اند (پهلوان و دهقانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷).

واژه آیه از پرکاربردترین کلمات قرآن است که برای تعبیر از امور به‌ظاهر پراکنده و غیرمرتبطی مانند وحی الهی بر پیامبران، معجزات رسولان، پدیده‌های طبیعت، امداد خداوند به مؤمنان و معرفت‌های شهودی انبیاء به‌کار رفته است (موسوی اندرزی و آذرنوش، ۱۳۸۹، ص. ۱۸).

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی به‌صورت کلی بر روندپژوهی و سناریونویسی استوار است. روندپژوهی، پژوهشی به‌منظور استنباط، توصیف، تحلیل و جهت‌دهی روندها برای ساختن آینده مطلوب است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹). هدف اصلی روندپژوهی، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است (بوداچی، خلیلی و حیدری، ۱۳۹۸، ص. ۸۵). روندپژوهی به‌طور ویژه برای نظام‌های اجتماعی کاربرد دارند

و برای تحلیل سناریوها از اهمیت بالایی برخوردارند (گلیمن^۱، ۲۰۱۲، ص. ۸۰).

آیت‌پژوهی

فعالیت علمی و فکری خاصی که به پژوهش درباره آیات الهی می‌پردازد و از آنها برای فهم مقوله‌هایی فراتر از زندگی دنیا یا رویدادها و مقوله‌هایی مربوط به آینده و در نتیجه بهبود الگوی رفتاری در رویارویی با آینده‌ها، بهره می‌گیرد، این فعالیت فکری و علمی، «آیت‌پژوهی» نامیده می‌شود. آیت‌پژوهی، پژوهشی متکی بر آیات‌الله است که از این آیات برای فهم مقوله‌هایی فراتر از زندگی دنیا یا رویدادها و مقوله‌هایی مربوط به آینده و در نتیجه بهبود الگوی رفتاری در رویارویی با آینده‌ها، بهره می‌گیرد (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

گفتمان‌سازی

واژه «Discourse/Discours» در زبان‌های اروپایی، یک واژه عمومی است و کاربرد عام دارد. اما در چند دهه اخیر در فلسفه و علوم‌انسانی، کاربرد تخصصی هم پیدا کرده و تبدیل به یکی از مفاهیم گریزناپذیر در این حوزه‌ها شده است. «discourse» یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد و بنیادین در حوزه علوم‌انسانی جدید و فلسفه پسامدرن است و در زبان فارسی بیشتر با معادل «گفتمان» شناخته می‌شود. گفتمان یک پدیده اجتماعی است که به گفته پژوهشگران یک امر میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند ارزیابی ساختاری را با ویژگی‌های متعدد و گسترده اجتماعی- فرهنگی و اداری مرتبط سازد (تئون ون‌دایک، ۱۳۷۴، ص. ۲۱).

پیشینه تحقیق

گفتمان‌سازی حیثیت‌های مختلفی دارد و می‌توان با نگاه‌های متفاوت به آن نگاه کرد. یکی از این نگاه‌ها تقسیم گفتمان‌ها به گفتمان‌های دینی محض و غیردینی است که غیردینی ناشی از عقل است و دینی برگرفته از نصوص کتاب‌های مقدس و سیره معصومین (علیهم‌السلام) است. برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه‌ای، ابتدا باید به گفتمان‌سازی و تغییر باورها و دیدگاه‌های مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و وارد شدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، چنان‌که شیوه قرآن چنین است. قرآن در راستای گفتمان‌سازی در ارتباط با مبارزه با کم‌فروشی، به‌صورت تدریجی و برنامه‌ریزی‌شده پیش رفته است؛ در نتیجه، برای شکل‌گیری هر تغییر اساسی

در جامعه باید با برنامه و به‌صورت تدریجی جلو رفت و اقدامات سریع و بی‌برنامه، هیچ تأثیر عمیق و پایداری نمی‌تواند داشته باشد (میرزاجانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۸).

مراحل گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با کم‌فروشی شامل مراحل زیر است:

- مرحله توصیف؛ شامل: شناخت جامعه، بیان مذمت عمل و بیان واژگان جدید؛
- مرحله تفسیر؛ شامل: فرهنگ‌سازی و تبلیغ گفتمان جدید؛
- مرحله تبیین و رفتارسازی؛ شامل: بیان پیامدهای کم‌فروشی مانند کاهش سطح اعتماد.

برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع، بعد از برجسته‌سازی ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفتمان جدید پرداخت و تضعیف گفتمان رایج بدون ارائه راهکارهای جدید و واقع‌بینانه هیچ تأثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد. این از مهم‌ترین مراحل یک گفتمان‌سازی موفق است (میرزاجانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۸).

گفتمان در بستری فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. می‌توان گفت هر گفتمانی شیوه یا شیوه‌های خاصی برای بروز، شکوفایی و تولید دارد و جملگی گفتمان‌ها از شیوه واحدی برای تسلط و گسترده‌تر مفهوم تبعیت نمی‌کنند. اندیشمندان به عوامل متفاوت و بعضاً متشابهی در امر گفتمان‌سازی پرداخته‌اند، اما مرور آیات قرآن در امر گفتمان‌سازی، و آن هم گفتمان‌سازی مقاومت، الگوی جامع‌تری ارائه می‌دهد. از جمله عوامل و شرایطی که در قرآن در گفتمان‌سازی مقاومت موردنظر است، عامل بودن گفتمان‌سازان است. در لسان قرآن، عاملان بایستی به گفته‌ها و پندهای خود عامل باشند و با عمل خویش، دیگران را به پذیرش یک ارزش وادار کنند و به‌عنوان الگو، اعتماد دیگران را جلب و سرمشق عملی مناسبی باشند. توجه به عاملان و خواص در گفتمان‌سازی در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۹۰/۱۰/۱۴؛ ۲۱/۱۳۹۱/۹)، لاکلا و موفه (لاکلا و موفه ۱۹۸۵، ص. ۱۸) و بشیر (بشیر، ۱۳۹۱، ص. ۱۱) نیز موردتوجه قرار گرفته است. علاوه‌برآن، از آنجاکه مفاهیم مقاومت سازه‌گون و نیازمند تبیین هستند، لازم است از سوی هنجارفرستان تبیین و تشریح شوند؛ بنابراین، گفتمان‌سازی مقاومت نیازمند تبیین‌گری عاملان است. طبق آموزه‌های قرآنی، گفتمان مقاومت نیازمند ایده و مبنای فکری مستحکم و مستدل نظری است و بی‌توجهی به آن منجر به طرد و حاشیه‌رانی می‌شود که در اندیشه لاکلا نیز به‌نوعی به آن پرداخته شد.

اندیشه‌های قرآنی همسو با دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)؛ ۱۳۹۱/۹/۲۱)، بر نقش دانش و تخصص (قد جاعنی من العلم؛ سوره مریم، آیه ۴۳) به‌عنوان ابزاری قدرتمند در ایجاد گفتمان مقاومت تأکید دارند. پندپذیری مخاطب و مخاطب‌شناسی و بررسی میزان فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری او، از جمله عوامل دیگری است که در به‌بار نشستن گفتمان و به‌ویژه گفتمان مقاومت نقش ایفا می‌کند. دیدگاه لاکلا و موفه مبنی بر قابلیت اعتبار گفتمان و مورد پذیرش قرارگرفتن آن همسو با دیدگاه قرآنی است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که آیات قرآن چارچوب کامل‌تری برای گفتمان‌سازی، به‌ویژه گفتمان مقاومت ارائه می‌دهد. علاوه‌بر عواملی که به‌طور مستقیم در گفتمان‌سازی مقاومت اثرگذارند، عوامل بسترساز نیز در ایجاد گفتمان مقاومت مؤثر هستند. مهارت زبانی و استفاده از بیان نرم و روان (سوره طه، آیه ۴۴)، و فصاحت (سوره قصص، آیه ۳۴) در برساخت گفتمان مقاومت تأثیر به‌سزایی دارد. علاوه‌بر مهارت زبانی، سخن و گفتار محکم، پرمغز و غنی از معنا نیز مخاطب را جذب می‌کند و گفتمان مقاومت را زنده نگه می‌دارد.

برای اینکه مفاهیم فرهنگی، از جمله فرهنگ مقاومت، شکل بگیرند، لازم است به‌دلیل خاصیت اندیشه‌ای، به‌صورت منطقی و مستدل اثبات شوند (و جادلهم بالتی هی احسن، سوره نحل، آیه ۱۲۵). از دیگر بسترهای گفتمان‌سازی مقاومت، دعوت است؛ زیرا تا مخاطب از طریق تکنیک‌های کلامی جذب نشود، عملاً گفتمانی هم شکل نمی‌گیرد. مقابله گفتمانی از دیگر بسترها برای ایجاد گفتمان مقاومت است. این تکنیک توسط برخی اندیشمندان از جمله لاکلا و موفه نیز پیشنهاد شده است. هججه علیه گفتمان رقیب و بیان نقاط ضعف، آثار مخرب و مفسده‌های آن را به حاشیه می‌راند و ارزش گفتمان مقاومت را برجسته و تثبیت می‌سازد.

از دیگر عوامل زمینه‌ساز گفتمان مقاومت، مصمم‌سازی است. در شرایطی که هججه‌های فرهنگی ممکن است نظام باورها و ارزش‌های مقاومت را به چالش بکشد، با مصمم‌سازی و تقویت اراده، گفتمان مقاومت بیشتر تاب می‌آورد. طبق آموزه‌ها، از جمله بسترهای اساسی برای گفتمان مقاومت، ایمان است؛ زیرا ایمان موجب برتری می‌شود (سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۹).

علاوه‌بر عوامل و شرایطی که به‌طور مستقیم و یا در قالب بستر و زمینه در ایجاد گفتمان مقاومت دخیل هستند، برخی از عوامل نیز نقش تسهیلگر را ایفا می‌کنند. استفاده از اخبار موثق و مستند از جمله این عوامل است که خود اعتماد مخاطب و در نتیجه، پذیرش آن را در پی دارد. تمثیل از عواملی است که با مصورسازی مفاهیم، یادآوری بهتر آنها و نزدیک ساختن

مطالب و مفاهیم مقاومت، منجر به تولید و رواج گفتمان آن می‌شود. برای تسهیل در دستیابی به گفتمان مقاومت، معرفی الگو نیز توسط آیات قرآن بیان شده است. الگوها با توجه به حس‌گرا بودن انسان، و تمایل به درک محسوسات و ملموسات در برساخت گفتمان مقاومت مؤثرند. از دیگر عواملی که حکم پیشران را نیز دارد، انگیزه است. انگیزه مخاطبان را به گفتمان موردنظر متمایل می‌سازد. تشویق به اقدام از دیگر عوامل است که مفهوم مقاومت را به خواست عمومی بدل می‌سازد و به‌عنوان یک ارزش موردقبول سر زبان‌ها می‌اندازد. ساده‌سازی مفاهیم مقاومت، باعث می‌شود مخاطب دریافت و درک بهتری داشته باشد و بر مبنای آن به تفسیر و تحلیل دست یازد و به این ترتیب، دستیابی به گفتمان مقاومت هموار شود. تکرار مفاهیم، تذکر و یادآوری پندها و معانی نیز منجر می‌شود که انسان بیشتر ببیند، تفکر کند و به‌مرور در رفتار خود بروز دهد. اسلوب استفهام و ارائه گفتمان مقاومت در قالب پرسش و پاسخ، منجر به برانگیختن حس کنجکاوی و تلاش برای رسیدن به پاسخ مناسب است و مخاطبان را بیشتر به خود معطوف می‌دارد. روش خطابی که در قرآن به آن مکرر پرداخته شده است، با توجه به شخصیتی که به مخاطب می‌دهد، به نوعی اعلان محبت و رأفت و رابطه‌ای بی‌واسطه است که در شکل‌گیری گفتمان مقاومت نیز بسیار تأثیر دارد (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱).

پدیده مقاومت در آیات قرآن در مفاهیمی همچون: به‌پاخاستن، جهاد، ازجان‌گذشتگی، ایستادگی، شکیبایی، ثابت قدم، سست‌نشدن و وفای به عهد خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان آن را «خیزشی جهادگونه، مجاهدانه و متعهدانه تعریف کرد که همراه با ایستادگی و استحکام است.» مقاومت برخلاف معنی ظاهری و برداشتی که رنگ‌وبوی انفعالی دارد، توأم با حرکت، به‌پاخاستن و حتی جهاد است و به تغییر در محیط منجر می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱).

مقاومت با برخی کنش‌ها و واکنش‌ها خود را نشان می‌دهد. برخی از کنش‌ها جنبه اعتقادی دارند و با ایستادگی بر سر باورها و عقاید خود را نشان می‌دهند. روح مقاومت، صبوری و ایستادگی است. مقاومت انفعال نیست، بلکه با مبارزه، جهاد و گذشت از جان و مال و ایجاد ترس و رعب در دل دشمن و دفع شر خود را نشان می‌دهد. کسانی که مقاومت می‌کنند از استحکام روحی برخوردارند، تاب‌آورند، نشاط دارند و مشوق دیگران هستند. برای خیزش جهادگونه باید همبستگی و اتحاد بیشتری داشت، مجهز به صلاح دانش بود، از سکون پرهیز

کرد، از هجرت و جابه‌جایی برای انجام‌دادن تکلیف و توسعه‌گفتمان مقاومت استقبال کرد و با تمام توان در عرصه‌های مختلف حضور داشت. فرهنگ مقاومت خود را در دوری از صلح ذلت‌بار و عدم پیوند دوستی با دشمن نشان می‌دهد. گفتمان مقاومت همراه با انتظار است؛ انتظار شهادت. مقاومت همچنین آثار درونی چون آرامش و طمأنینه و آثار بیرونی چون امنیت، استواری، فروپاشی فتنه، پیروزی دنیوی و اخروی، جلب نصرت الهی، سعادت در دنیا و آخرت، شهادت و آموزش و رحمت را در پی دارد (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱).

گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با رشوه و آسیب‌های اجتماعی نشان داد که مهم‌ترین سبب‌های اجتماعی رشوه‌خواری، عدم اجرای عدالت و قانون، عدم توسعه اقتصادی، نارضایتی مردم و زیر سؤال رفتن حکومت و گسترش فعالیت‌های غیرقانونی است. برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه‌ای ابتدا باید به گفتمان‌سازی و تغییر باورها و دیدگاه‌های مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و واردشدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، همچنان‌که شیوه قرآن نیز چنین است. قرآن در راستای گفتمان‌سازی در ارتباط با مبارزه با رشوه و رشوه‌خواری، به‌صورت تدریجی و برنامه‌ریزی شده و گام‌به‌گام پیش رفته، در نتیجه، مراحل گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با رشوه و رشوه‌خواری شامل مراحل زیر است:

- مرحله توصیف: از طریق شناخت جامعه، بیان نکوش عمل، بیان واژگان جدید؛
- مرحله تفسیر: از طریق فرهنگ‌سازی و تبلیغ گفتمان جدید؛
- مرحله تبیین و رفتارسازی: از طریق بیان پیامدهای رشوه‌خواری مانند عدم اجرای عدالت.

برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع بعد از برجسته‌سازی ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفتمان جدید پرداخت و تضعیف گفتمان رایج بدون ارائه راهکارهای جدید و واقع‌بینانه هیچ تأثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد. این از مهم‌ترین راه‌حل‌های یک گفتمان‌سازی موفق است (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۷۰).

نتایج کلی حاصل از پژوهش گفتمان‌سازی قرآنی در جهت نظام‌سازی تمدنی به‌طور خلاصه عبارتند از: (سلیمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۸).

۱. قرآن کریم مهم‌ترین منبع تمدن‌سازی اسلامی است و بهتر از هر چیز دیگری اصول، اهداف، مسائل و ابعاد تمدن اسلامی را مشخص و بیان نموده است.
 ۲. روش قرآن کریم در فرایند تمدن‌سازی بیشتر از هر عامل دیگری مبتنی بر گفتمان‌سازی اسلامی است.
 ۳. قرآن کریم علاوه بر ارائه و معرفی معقول و منطقی عناصر فرهنگی موردنظر خود، نظام تمدن‌سازی اسلامی را از طریق غیریت‌سازی، طرد، نفی و حذف تدریجی ارزش‌ها و اصول حاکم بر گفتمان رقیب به انجام رسانده است.
 ۴. قرآن کریم در آیات مختلفی، شیوه گفتمانی نظام جاهلیت، ارزش‌ها، اخلاقیات، عادت‌ها و قوانین ناپسند آن را به چالش کشیده و نسبت به آنها شالوده‌شکنی نموده است.
 ۵. تمدن‌سازی در قرآن کریم، برنامه‌ای منظم، هدفمند، روشمند و عقلانی مبتنی بر آگاه‌سازی، حق انتخاب و کرامت انسانی است و هدفی جز نیل به سعادت مادی و معنوی انسان‌ها ندارد.
 ۶. نظام تمدن‌سازی اسلامی مشتمل بر تمامی عناصر ضروری (مادی و معنوی) برای ایجاد و خلق تمدن جدید در نظم گفتمان جاهلی است. از آن جمله می‌توان به مواردی مانند توجه به ابعاد وجودی انسان، تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی پیشرفته، نظام اقتصادی جدید، علم و دانش و تفکر منطقی اشاره کرد.
 ۷. بهره‌گیری از روش‌شناسی قرآن کریم در فرایند فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی در عصر کنونی و به‌ویژه جمهوری اسلامی (به باور نگارنده)، مناسب‌ترین شیوه برای تبلیغ و بسط نظام معنایی انقلاب اسلامی، تحقق اهداف کلان و آرمان‌های اصولی آن است (سلیمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۸).
- در پژوهش گفتمان‌سازی قرآنی به‌منظور تکریم شخصیت زنان، به بررسی شیوه گفتمان‌سازی و اقدامات قرآن و سنت به‌صورت مرحله‌به‌مرحله، پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت (صادقی نیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۳):
۱. برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه‌ای، ابتدا باید به گفتمان‌سازی و تغییر باور و دیدگاه مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و واردشدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، همچنان‌که شیوه قرآن و سنت

چنین بوده است.

۲. قرآن و سنت در راستای گفتمان‌سازی در ارتباط با تکریم شخصیت زنان، به صورت تدریجی و برنامه‌ریزی شده و گام‌به‌گام پیش رفتند؛ در نتیجه، برای شکل‌گیری هر تغییر اساسی در جامعه، باید با برنامه و به صورت تدریجی جلو رفت؛ چراکه اقدامات سریع و بی‌برنامه، هیچ تأثیر عمیق و پایداری نمی‌تواند داشته باشد.

۳. مراحل گفتمان‌سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان، شامل مراحل پنج‌گانه زیر است:

- مرحله اول: تشخیص و مسئله‌شناسی؛
- مرحله دوم: تبیین مسئله؛
- مرحله سوم: تبلیغ گفتمان جدید؛
- مرحله چهارم: تثبیت گفتمان جدید؛
- مرحله پنجم: تعمیق و باورسازی.

۴. اسلام پس از مرحله شناخت دقیق موضوع و عوامل و ریشه‌های آن، به تبیین مسئله و روشن‌تر کردن زوایای مختلف موضوع برای مخاطبان پرداخته و با استفاده از برخی ابزارهای گفتمانی مانند ایجاد سؤالات بدیع، جلب نظر مردم و توجه و تأکید بر عوامل شکل‌گیری دیدگاه غلط به داده‌سازی در ذهن مخاطبان در ارتباط با مسئله شخصیت و حقوق زنان پرداخته است.

۵. در گام بعدی و پس از تضعیف گفتمان رایج، به‌عنوان جایگزین به ارائه و تبلیغ گفتمان جدید اسلامی مبتنی بر تکریم شخصیت و جایگاه زنان پرداخته و از ابزارهایی مانند الگو توسط قصص قرآنی استفاده کرده است. همچنین با تأکید بر کرامت و ارزش والای دختران و همسران و مادران در کلام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به تبلیغ گفتمان جدید پرداخته است.

۶. در ادامه، دین اسلام، به تثبیت جایگاه گفتمان جدید در باور مردم پرداخته و با تکرار و تذکر مداوم و عملکرد سراسر احترام و توأم با کرامت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با زنان که به‌عنوان الگوی مسلمانان به‌شمار می‌رفتند، به این امر اهتمام ورزیده است.

۷. در مرحله نهایی هم برای تعمیق و باورسازی گفتمان جدید و همچنین برای وارد ساختن آن در زندگی عملی مردم، به وضع احکام و قوانینی در راستای احیای حقوق و شخصیت زنان پرداخته است.

۸. برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع، بعد از برجسته‌سازی

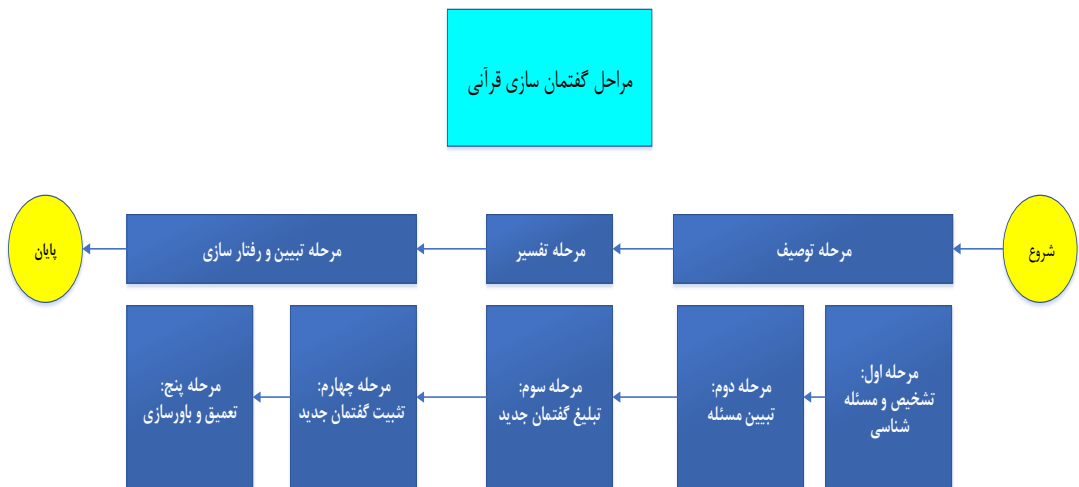
ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفت‌مان جدید پرداخت. این از مهم‌ترین مراحل یک گفت‌مان‌سازی موفق است؛ زیرا تنها انتقاد و تضعیف گفت‌مان رایج بدون ارائه راهکاری جدید و واقع‌بینانه، هیچ تأثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد.

۹. در نهایت پیشنهاد می‌شود، با به توجه الگوی حرکتی منظم و منسجم قرآن و سنت، به بررسی دلایل ضعف و افول این گفت‌مان در دوره‌های بعدی اسلامی پرداخته شود. همچنین تلاش برای نگارش الگوی گفت‌مان‌سازی در همین ارتباط برای انقلاب اسلامی می‌تواند برای حل بسیاری از مشکلات به‌خصوص مسائل مرتبط با زنان در جامعه، راهگشا باشد (رقیه صادقی نیری، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۳).

جمع‌بندی پیشینه

با بررسی نمونه‌های گفت‌مان‌سازی قرآنی، الگویی برای ارائه گفت‌مان‌های قرآنی ارائه می‌گردد که شامل سه مرحله اصلی ذیل است:

۱. مرحله توصیف: تشخیص و مسئله‌شناسی و تبیین مسئله؛
۲. مرحله تفسیر: تبلیغ گفت‌مان جدید؛
۳. مرحله تبیین و رفتارسازی: تثبیت گفت‌مان جدید و تعمیق و باورسازی.



شکل ۱. الگوی گفت‌مان‌سازی قرآنی

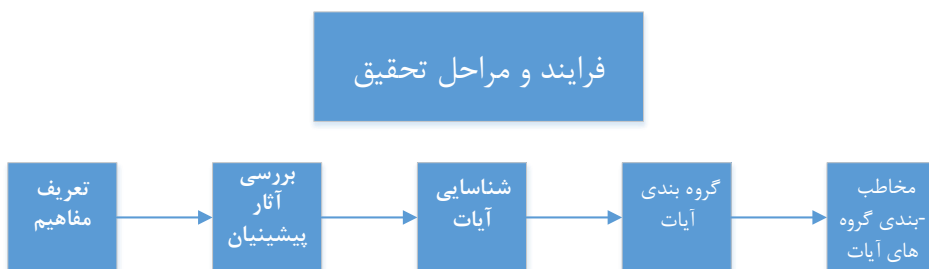
روش پژوهش

روشی که در این تحقیق مورداستفاده قرار می‌گیرد، روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای کیفی است که در پایین مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در روش تحقیق کیفی، راهبردها و شیوه‌های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی مطرح شده‌اند تا پژوهشگران را به مطالعه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی قادر سازند. نمونه‌های راهبردهای پژوهش کیفی عبارتند از: پژوهش در عمل (اقدام پژوهی)، پژوهش مطالعه موردی و قوم‌نگاری رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱۶).

روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌ها است. این روش در حداقل، خود داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده و ظریف هستند و تحلیل محتوای کیفی بایستی به‌عنوان یک روش اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته شود. تحلیل محتوای کیفی نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فرا بگیرند، زیرا این روش، مهارت‌های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می‌آورد (کلارک و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۸۶).

مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی: ۱. آشنایی با داده‌ها؛ ۲. ایجاد کدهای اولیه؛ ۳. جستجوی تم‌ها؛ ۴. بازبینی تم‌ها؛ ۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و ۶. تهیه گزارش (کلارک و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۸۷).



شکل ۲. فرایند و مراحل تحقیق

در این بخش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی ابتدا آیات پدیداری تصریح‌شده مشخص می‌شوند، سپس تقسیم‌بندی‌های امکان‌پذیر همراه بیان می‌شود. در قدم بعدی تقسیم‌بندی‌های موجود روی آیات اجرا می‌شود و در نهایت بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌سازی برای تقسیم‌بندی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در روش تحلیل محتوای کیفی ابتدا آیه‌هایی از قرآن کریم که در آن تصریح به پدیداری بود، احصاء و کدگذاری می‌شوند که در پیوست شماره یک تحت عنوان جدول داده‌های اولیه آمده است.

مرحله بعدی واحد تحلیل و شناسایی است. این مرحله مجموع دو مرحله است؛ مرحله تحلیل که کدگذاری را به مفهوم تبدیل می‌کند و مرحله شناسایی مقوله‌های اصلی و فرعی که مفاهیم را به مقوله‌های فرعی و اصلی تبدیل می‌کند. لذا در این مرحله در ابتدا به نام‌گذاری کدها پرداخته می‌شود که ۹۳ کد و مفهوم است سپس این مفاهیم تحت عنوان مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی را که ۴۷ مقوله هستند، می‌سازند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در چند سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین مرحله نوع نزول آیات است که زمان وقوع مصداقی آنها چه زمانی است؛ دومین مرحله مشخص کردن اینکه آیات کدامند؛ سومین مرحله تفسیر و توضیحی از آیاتی که نازل شده‌اند؛ مرحله چهارم مشخص کردن ویژگی‌های آیات و مرحله پنجم ارتباط ویژگی‌های آیات با الزامات گفتمان‌سازی است.

مرحله اول؛ در ابتدا باید بیان نمود که چیدمان آیات تصریح‌شده در آیه‌های قرآن کریم از ابتدای شروع خلقت تا قیامت را شامل می‌شود و همین وجود چنین پیوستگی، دری از زیباشناختی قرآن را بر روی فرد پژوهشگر در زمینه آیات می‌گشاید.

مرحله دوم؛ در جدول شماره (۱) آیات: ۱. خلقت آسمان‌ها و زمین؛ ۲. برپایی آسمان‌ها و زمین؛ ۳. احاطه به آسمان‌ها و زمین؛ ۴. پراکندن موجودات بین آسمان‌ها و زمین؛ ۵. (موجودات) داخل آسمان‌ها و زمین؛ ۶. زوج آفریدن موجودات؛ ۷. تغییر و تحولات (فانی و بی‌ارزش بودن دنیا)؛ ۸. گسترش زمین؛ ۹. اختلافات؛ ۱۰. تبدلات؛ ۱۱. خورشید؛ ۱۲. ماه؛ ۱۳. لیل؛ ۱۴. نهار؛ ۱۵. ستارگان؛ ۱۶. آب؛ ۱۷. ریاح؛ ۱۸. ابر؛ ۱۹. باران؛ ۲۰. توفان؛ ۲۱. رعد؛ ۲۲. رشد و نمو گیاهان؛ ۲۳. ثمرات درختان؛ ۲۴. پرندگان؛ ۲۵. آفرینش انسان؛ ۲۶. نسبت میان ما با دنیا و خدا؛ ۲۷. خوردن

و نوشیدن؛ ۲۸. کشتی‌رانی؛ ۲۹. انتخاب پیامبران؛ ۳۰. ناقه؛ ۳۱. داستان کشتی حضرت نوح و غرق کردن قومش؛ ۳۲. عذاب‌های قوم حضرت موسی؛ ۳۳. دادن خبر از غیب؛ ۳۴. معجزه ید بیضا؛ ۳۵. انجام فعالیت‌ها توسط فرشتگان؛ ۳۶. تولد حضرت عیسی؛ ۳۷. قرآن کریم؛ ۳۸. نابودکردن قوم‌ها با عذاب؛ ۳۹. اثرات و بقایای عذاب‌های الهی و نابودی قوم‌ها؛ ۴۰. داستان‌های نجات انبیا؛ ۴۱. حمایت‌های الهی از جبهه حق؛ ۴۲. شفای مریضی‌ها؛ ۴۳. حیا کردن؛ ۴۴. مرگ دائم؛ ۴۵. مرگ‌های موقت؛ ۴۶. نابودکردن نتایج و ۴۷. پخش روزی به‌عنوان آیت‌های پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم مشخص شده‌اند.

جدول ۱. جدول تحلیل و شناسایی آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم

کد	مقوله‌های فرعی	شماره	مقوله‌های اصلی
C63	خلقت آسمان‌ها و زمین	۱	خلقت آسمان‌ها و زمین
C65			
C83			
C44	قراردادن آسمان را سقفی محفوظ	۲	برپایی آسمان‌ها و زمین
C68	برپا بودن آسمان‌ها و زمین		
C27	برپا نگه‌داشتن آسمان‌ها بدون ستون		
C74	احاطه کردن آسمان‌ها و زمین	۳	احاطه به آسمان‌ها و زمین
C83	پراکنده کردن جنبندگان میان این دو	۴	پراکندن موجودات بین آسمان‌ها و زمین
C89	در زمین (موجودات داخل زمین)	۵	ظرف بودن آسمان‌ها و زمین برای (موجودات) داخل آن
C9	در خود آسمان و زمین (منظور موجودات درون است)		
C19			
C26			
C2			
C23			
C86			
C87	مسخر کردن موجودات داخل آسمان‌ها و زمین برای انسان‌ها		
C28	جفت قراردادن همه محصولات و میوه‌ها	۶	زوج آفریدن موجودات

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
تغییر و تحول (فانی و بی‌ارزش بودن دنیا)	۷	فانی و زودگذر بودن زندگی دنیا	C20
گسترش زمین	۸	گسترش زمین و قراردادن کوه‌های استوار و رودها در آن	C28
اختلافات	۹	اختلاف و گوناگونی زبان‌ها	C65
		اختلاف و گوناگونی رنگ‌های ما	C65
تبدلات	۱۰	آفرینش اولیه از خاک سپس جان‌بخشی و بشر بودن ما	C64
		در ندامت از گمراهی عده‌ای برای بقیه	C51
خورشید و ماه	۱۱، ۱۲	رام و مسخر کردن خورشید و ماه	C32
		مسخر کردن خورشید و ماه	C27
		شمس و قمر	C82
		شمس (هنگام طلوع و غروب)	C39
		فروزان قراردادن خورشید و تابان قراردادن ماه	C18
		قراردادن ماه و سال (به‌وسیله چرخش ماه)	C18
لیل و نهار	۱۳ و ۱۴	قراردادن شب برای خوابیدن و روز را روشن قراردادن	C59
		پوشاندن شب به‌وسیله روز	C28
		اختلاف شب و روز	C2
		رام و مسخر کردن شب و روز	C32
		نهار (نوربخشی) و لیل (برای آرامیدن)	C21
		نظمی که در استراحت شبانه و روزی جستن‌های روزانه وجود دارد	C66
		اختلاف شب و روز	C9
		لیل و نهار	C82
		لیل (هنگامی که محو می‌شود)	C37
		لیل (هنگامی که روز را از آن برمی‌کنیم؛ یعنی روز محو می‌شود)	C77
		نهار (برای کسب روزی حلال و داشتن شمار ماه و سال)	C37
		اختلاف شب و روز	C19
ستارگان	۱۵	رام و مسخر کردن ستارگان	C32

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
		ستارگان برای راهیابی	C12
آب	۱۶	روان بودن کشتی در آب	C71
			C2
		آب حیات‌بخش ارسالی از آسمان	C33
			C2
ریاح	۱۷	تصریف ریاح	C2
		تصریف ریاح و اثری که بر کشتی‌رانی دارد	C85
		تصریف ریاح و جابه‌جایی کشتی‌ها	C70
		تصریف ریاح برای کسب رزق و روزی	C70
ابر	۱۸	ابر مسخر بین آسمان و زمین	C2
باران	۱۹	باران مایه امید و از آسمان نازل کرده تا با آن زمین مرده را احیا کند	C67
		باران که با آن زمین مرده را احیا کند	C67
توفان	۲۰	توفان	C17
رعد	۲۱	رعد را مایه ترس قرار داده است	C67
رشد و نمو گیاهان	۲۲	رشد و نمو گیاهان	C20
		زنده کردن زمین بعد از مرگش	C92
		زنده کردن زمین و رویاندن دانه	C76
ثمرات درختان	۲۳	میوه‌های شیرین با رنگ‌های مختلف (که شفابخش است)	C35
		نوشابه‌های شیرین و رزق حلال از میوه‌های درخت خرما و انگور	C34
		تفاوت ثمرات درختان و کشتزارها که از یک بستر و آب تغذیه می‌شوند	C29
		پر ثمر بدون زمین پاک و کم‌ثمر و بی‌سود بودن زمین ناپاک	C15
پرندگان	۲۴	مسخر کردن پرندگان	C36

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
		نگهداشتن پرندگان در آسمان	C36
آفرینش انسان	۲۵	آفرینش اولیه از خاک سپس الان جان‌بخشی و بشر بودن ما	C64
		همه را یک تن (حضرت آدم) آفریدن	C13
نسبت میان ما با دنیا و خدا	۲۶	نسبت میان برده و مولا و رابطه عبد و مولا	C68
		فانی و زودگذر بودن زندگی دنیا	C20
خوردن و نوشیدن‌ها	۲۷	شراب و قمار (که در آن دو گناهی بزرگ همراه با سودهایی برای مردم)	C3
		خوردن خودشان و چراییدن دام‌هایشان	C42
		نوشابه‌های شیرین و رزق حلال از میوه‌های درخت خرما و انگور	C34
کشتی‌رانی	۲۸	وجود کشتی‌های کوه آسا در دریا	C84
		حمل مردم با کشتی	C78
		روان بودن کشتی‌ها در آب	C2
انتخاب پیامبران	۲۹	مبعوث کردن پیامبران بنی اسرائیل	C72
ناقه	۳۰		C38
		ناقه (حضرت صالح)	C24
			C16
داستان کشتی حضرت نوح و غرق کردن قومش	۳۱	غرق کردن قوم نوح	C49
		غرق کردن قوم نوح (و نجات حضرت نوح و همراهانش)	C52
		خیروبرکت دادن به جایگاه فرودآمدن کشتی حضرت نوح	C46
		داستان حضرت نوح و نجات یافتنشان	C60
عذاب‌های قوم حضرت موسی	۳۲	توفان	C17
		حوادث و بلاهای طبیعی مانند توفان و صاعقه	C20

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
		هجوم ملخ، شپش و قورباغه	C17
		آلوده شدن وسایل زندگی به خون	C17
دادن خبر از غیب	۳۳	خبر از غیب که در خانه چه می‌خورید و ذخیره می‌کنید	C7
معجزه ید بیضا	۳۴	دست در گریبان کردن و نورانی درآمدن دست حضرت موسی	C57
		دست در گریبان کردن و نورانی درآمدن دست حضرت موسی	C41
انجام فعالیت‌هایی توسط فرشتگان	۳۵	به دوش کشیدن تابوت مقدس توسط فرشتگان	C93
		خبر از غیب که در خانه چه می‌خورید و ذخیره می‌کنید	C7
تولد حضرت عیسی	۳۶	حضرت عیسی و مادرش (پاک نگه‌داشتن مادر حضرت عیسی)	C45
		حضرت عیسی و مادرش (نحوه تولدش بدون پدر)	C40
		حضرت عیسی و مادرش (غذاخوردن این مادر و فرزند و عدم خدا بودنشان)	C10
		حضرت عیسی و مادرش (نحوه تولدش)	C47
قرآن کریم	۳۷	قرآن کریم (تدبر در آیات و متذکر شدن)	C79
نابودکردن قوم‌ها با عذاب	۳۸	غرق کردن قوم حضرت نوح	C52
		باریدن سنگ از آسمان بر قوم حضرت ابراهیم	C90
		غرق کردن قوم حضرت موسی	C50
		آمدن عذاب و نابودکردن قوم حضرت صالح	C54
		باریدن بارانی از سنگ بر قوم حضرت لوط	C55
			C30
		هلاکت قوم هود با آمدن ابری سیاه و وزیدن بادهای بسیار شدید	C53
			C88
		نابودی قوم حضرت شعیب با ابری تیره و صاعقه‌زا	C56

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
		هلاک کردن امت‌های قبلی و جایگزینی خودشان	C43
			C73
		ابتدا نعمت دادن سپس به‌خاطر کفران عذاب کردن	C20
		بلعیدن زمین و یا ریزش‌های آسمانی	C74
		دادن عذاب از (داخل) آسمان‌ها و زمین	C11
		هلاک کردن امت‌های قبلی	C75
اثرات و بقایای عذاب‌های الهی و نابودی قوم‌ها	۳۹	بقایای شهرهای نابود شده از بلا، قوم حضرت صالح	C58
		بقایای شهرهای نابود شده از بلا، قوم حضرت لوط	C31
			C62
داستان‌های نجات انبیا	۴۰	نجات حضرت ابراهیم از آتش	C61
		داستان حضرت یوسف و برادرانش	C25
		نجات یافتن حضرت یونس	C22
حمایت‌های الهی از جبهه حق	۴۱	دادن غنیمت‌ها در جنگ و جلوگیری از تجاوز دشمنان	C91
		بزرگ‌نمایی قدرت جبهه حق	C6
		نعمت وحدت	C8
شفا مریضی‌ها	۴۲	شفای کور مادرزاد	C7
		شفای مرض پیسی	C7
احیا کردن	۴۳	احیای مجسمه گلی با نفس قدسی (حضرت عیسی)	C7
		زنده شدن مردگان (با دم یک گاو از معجزه‌های حضرت موسی)	C1
		زنده شدن الاغ حضرت ازی پیامبر	C4
		زنده کردن زمین بعد از مرگش	C92
		باران که با آن زمین مرده را احیا کند	C67

مقوله‌های اصلی	شماره	مقوله‌های فرعی	کد
		زنده کردن زمین و رویاندن دانه	C76
		زنده کردن مردگان	C7
		برخاستن از گور	C68
مرگ دائم	۴۴	قبض روح دائم (مرگ)	C80
مرگ‌های موقت	۴۵	قبض روح موقت (خواب/ مرگ‌هایی مثل کما و... و برگشت افراد)	C80
نابودکردن نتایج	۴۶	نابودی نتایج و زحمات	C5
		ایجاد جنگ بین بعضی با بعض دیگر	C11
بخش روزی	۴۷	میزان پخش رزق و روزی	C69
			C81
		انفاق	C3
		دادن غنیمت‌ها در جنگ و جلوگیری از تجاوز دشمنان	C91
		قراردادن خانواده و دادن رزق و روزی از طریق آنها به ناتوانان	C48
		دادن رزق به مؤمنان (که البته کافرین هم به‌خاطر مؤمنان در این دنیا رزق می‌گیرند)	C14

ارتباط ویژگی‌های آیات با الزامات گفتمان‌سازی

برای اینکه بتوان موردی را گفتمان‌سازی کرد، یکی از راه‌هایی که وجود دارد این است که ویژگی‌های آن پدیده را شناخت و براساس آن نوع مخاطب را مشخص نمود و مراحل گفتمان‌سازی را انجام داد.

آیات مشخص‌شده دارای ویژگی‌های مختلف لفظی و معنایی هستند. در گروه لفظی خداوند بعد از بیان آیت‌ها، داخل آیه‌ها مخاطبین را خود را مشخص کرده که می‌توان گروه‌هایی به‌نام گروه مؤمنین، قوم اهل تفکر، قوم عاقلان، شنوندگان اهل حق، گروه شاکرین، تقوا، یقین، اهل فهم و پژوهش، خردمندان (دانیان)، خائفین از عذاب، توبه‌کنندگان و کل عالم را نام برد. خداوند این تقسیم‌بندی را ادامه داده است و برای هر گروه حالت‌های مختلف را برشمرده است. برای نمونه باید بیان کرد گروه مؤمنین را چند گروه کرده و اهل ایمان را با الفاظی مثل *لَا يُؤْمِنُونَ* (گروهی که

ایمان نمی‌آورند)، مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (گروهی که اکثر آنها ایمان نمی‌آورند)، لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (گروهی که اگر اهل ایمان الان باشند)، لَقَوْمٌ يُؤْمِنُونَ (گروهی که ایمان می‌آورند) و لِلْمُؤْمِنِينَ (گروهی که ایمان آورده بودند) نام برده است.

تقسیم‌بندی دیگری در گروه لفظی وجود دارد که می‌توان به جمعی و فردی به‌کاربردن آیت‌ها اشاره کرد و اینکه کدام آیات با هم و به‌صورت یک جمع به‌کار برده شده‌اند. همچنین تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که در آن مشخص می‌کند که آیات به خود مصداق آیات اشاره شده است و یا به طرفی که آیات وجود دارد اشاره شده است. در گروه معنایی نیز تقسیم‌بندی‌هایی وجود دارد؛ از جمله تقسیم آیات براساس مربوط بودن به جامعه انسانی و غیر آن است که آفاقی و انفسی نام دارد. تقسیم‌بندی دیگری نیز مثل برهه اتفاق‌افتادن وجود دارد که می‌توان مقطعی و دائمی بودن دانست. همچنین این مقطعی بودن خود قابلیت تقسیم‌بندی به زمان‌های گذشته، حال و آینده را دارد.

در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان آیات را به دو نوع محدوده دنیا و فراتر از دنیا تقسیم کرد. در تقسیم‌بندی دیگری که در مورد معنایی می‌توان آن را تقسیم کرد، ظرف تحقق است که آیه خود مستقیماً مورد اشاره قرار گرفته است، یا طرفی که آیه در آن محقق شده است. آیه‌هایی که از نوع محیطی (ظرفی) هستند، به‌دلیل اینکه فرد با توجه به مشابتهای ذهنی که دارد در ابتدا درکش از نوع مصداقی سخت‌تر ولی وقتی فرد به آن ملتفت شود بهتر انس می‌گیرد؛ زیرا فرد وجه شبه خود با آن آیه را بهتر شناسایی می‌کند و ارتباط می‌گیرد.

جدول ۲. جدول تقسیم‌بندی آیات بر اساس معیارهای لفظی و معنایی

توضیحات	زیر مؤلفه‌ها	کتاب
	گروه‌های مخاطبین	تفاسیر
	ویژگی‌های مخاطبین	
	فردی و جمعی	
	محیطی و	
	گروه مؤمنین، قوم اهل تفکر، قوم عاقلان، شنوندگان اهل حق، گروه شاکرین، تقوا، یقین، اهل فهم و پژوهش، خردمندان (داناان)، خائفین از عذاب، توبه‌کنندگان، کل عالم	
	میزان باورپذیری و سطحی که از آن ویژگی که دارند را مورد اشاره قرار می‌دهد.	
	این تقسیم‌بندی نوع اشاره کردن به مفرد و یا جمع بودن آیات را اشاره می‌دهد.	
	این تقسیم‌بندی به مشخص کردن مصداق و یا محیطی که آیت در آن اتفاق می‌افتد اشاره	

	مصادقی	دارد.
سهولت	آفاقی و انفسی	آیات با توجه به اینکه به مجموعه‌های انسانی مربوط می‌شود و با خیر به آیات آفاقی و انفسی تقسیم می‌شود.
	دائمی و مقطعی	این تقسیم‌بندی آیات درباره زمان وقوع آیت است و آن را به مقطعی و دائمی بودن تقسیم می‌کند.
	زمان وقوع	خود تقسیم‌بندی مقطعی هم به زمان‌های گذشته، حال و آینده تقسیم می‌شود.
	دنیا/فراتر از دنیا	این تقسیم آیات را به محدوده دنیا و فراتر از دنیا تقسیم می‌کند.
	محیطی و مصادقی	این تقسیم‌بندی به مشخص کردن مصداق و یا محیطی که آیت در آن اتفاق می‌افتد اشاره دارد.

در این مرحله برای گفتمان‌سازی باید دو عرصه، یکی ویژگی‌های محقق و دیگری ویژگی‌های مخاطب مورد بررسی قرار بگیرند. در عرصه محقق و متکلم باید دو ویژگی سهولت پروژه و سهولت دسترسی مورد بررسی قرار بگیرند و برای شاخص‌ها باید دو حوزه گستره مخاطبین (عمومی و تخصصی) و سطح اثرگذاری (فردی، اجتماعی و حکمرانی) مورد بررسی قرار بگیرند. به‌منظور جمع‌آوری جدول شاخص‌های گفتمان‌سازی براساس دسته‌بندی آیات برای بررسی نوع مخاطب حدود ۱۵ مصاحبه از خبرگان عرصه آیت‌پژوهی انجام گرفته است.

جدول ۳. جدول شاخص گفتمان‌سازی - دسته‌بندی آیات مخاطب

شاخص‌های مخاطب			شاخص‌های پژوهشگر		سهولت	سهولت پژوهش
سطح اثرگذاری			گستره مخاطبین			
حکمرانی	اجتماعی	فردی	تخصصی	عمومی		
بیشترین تأثیرگذاری این نوع آیت‌ها ابتدا در نوع فردی مخاطب هستند، سپس با توجه به تأثیرگذاری که در فرد ایجاد می‌شود به تأثیرگذاری اجتماعی و نهایتاً به حکمرانی هم منتهی می‌شود.			معمولاً گستره مخاطبین این آیات به علت دسترس بودن بالا و سادگی آیات گستره مردم است.		سهولت دسترسی	سهولت پژوهش برای این گونه آیات بیشتر است؛ زیرا نیازی به بررسی سندی، تاریخی و پژوهش‌های تکمیلی نیست.

شاخص‌های مخاطب			شاخص‌های پژوهشگر		زمان پدیدارشدن مرجع آیه	
سطح اثرگذاری			سهولت دسترسی	سهولت پژوهش		دائمی
حکمرانی	اجتماعی	فردی	عمومی	تخصصی		
<p>بیشترین تأثیرگذاری این آیات معمولاً در لایه‌های حکمرانی است که بعداً این لایه خود را در لایه‌های پایین‌تر اجتماعی و نهایتاً در لایه‌های فردی نیز خود را نشان می‌دهد.</p>			<p>باتوجه به خاص بودن این آیات مخاطبین این آیات نوع خاصی از مردم هستند.</p>		<p>این گونه آیات دارای سختی بیشتری در پژوهش هستند؛ ولی تأثیرگذاری زیادی دارند؛ لذا برای اقوام مختلفی که دارای عقل و اهل پژوهش هستند این گونه آیات بیشتر توصیه می‌شود.</p>	
<p>این گونه آیات دائمی برای اثرگذاری فردی افراد مناسب هستند؛ زیرا فرد به‌خاطر کثرت برخورد به راحتی می‌تواند با آنها ارتباط بگیرد. همچنین این گونه آیات دائمی برای جامعه‌های غیرایمانی که تازه می‌خواهند ایمان بیاورند نیز بسیار مناسب هستند.</p>			<p>این آیات که مردم مستمراً با آنها برخورد می‌کنند و برایشان قابلیت درک بیشتری دارند؛ ولی این نکته هم وجود دارد؛ چون مدام برخورد دارند بدون التفات دادن متوجه آنها نمی‌شوند.</p>			

شاخص‌های مخاطب			شاخص‌های پژوهشگر		انواع مخاطبی	
سطح اثرگذاری			گستره مخاطبین	سهولت دسترسی		
حکمرانی	اجتماعی	فردی	عمومی	تخصصی		
این آیات مقطعی برای لایه حکمرانی بسیار مناسب هستند؛ زیرا اگر آیه بالاسری این‌گونه آیت‌ها را شناسایی کنند می‌توانند با تکرار شرایط آن آیت دوباره این آیه را به منصه ظهور بکشانند.			این آیات مقطعی برای مخاطبین خاص و تخصصی که بر روی این آیات کار می‌کنند مناسب هستند.	با توجه که این آیات در یک بازه خاصی هستند دسترسی آنها برای مخاطب کمی سخت‌تر است.	باتوجه به دائمی نبودن این آیت‌ها، نسبتاً پژوهش بیشتری برای این گروه از آیت‌ها نیاز است.	تخصصی
این‌گونه آیات برای هر دو نوع فردی و حکمرانی مناسب هستند. برای حکمرانی مناسب هستند؛ زیرا حکومت با بررسی آیات می‌تواند برای آن برنامه‌ریزی کند و برای فردی مناسب هستند زیرا خود فرد هم باتوجه به آیت می‌داند این موضوع در آینده برایش اتفاق می‌افتد.			نوع مخاطبین این آیات همان‌گونه که به صورت لفظی آماده است، برای مخاطبینی با نوع ویژگی خاص مثل اهل یقین بودن است.	دسترسی به این‌گونه آیات تقریباً برای عموم مردم محال است و فقط برای مخاطبین خاص است.	این‌گونه آیات از سختی بیشتری نسبت به دو گروه بعدی برخوردار هستند؛ زیرا پژوهشگران عادی نیز ممکن است نتوانند این آیات را درک کنند.	عمومی
این‌گونه آیات که مربوط به حال می‌شوند برای اثرگذاری فردی و نهایتاً اجتماعی افراد مناسب هستند؛ زیرا فرد به‌خاطر کثرت برخورد به راحتی می‌تواند با آنها ارتباط بگیرد. همچنین این‌گونه آیات دائمی برای جامعه‌های غیرایمانی که تازه می‌خواهند			این آیات برای عموم مردم مناسب هستند که به صورت مداوم با آنها در ارتباط هستند.	این آیات که مردم در حال حاضر با آنها برخورد می‌کنند برایشان قابل دسترسی بیشتری دارند؛ ولی این نکته	این‌گونه آیات برای عموم مردم مناسب هستند؛ زیرا خودشان می‌بینند و می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند.	فردی

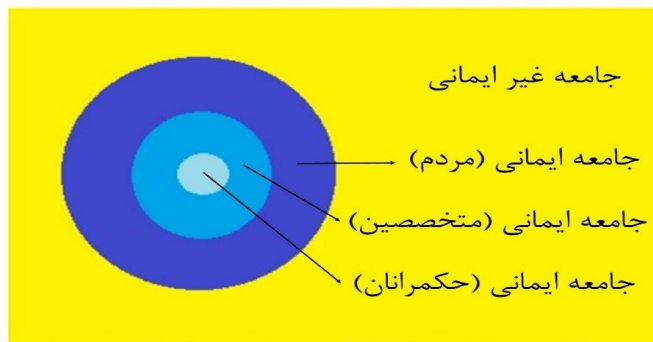
شاخص‌های مخاطب			شاخص‌های پژوهشگر				
سطح اثرگذاری		گستره مخاطبین		سهولت دسترسی			سهولت پژوهش
حکمرانی	اجتماعی	فردی	تخصصی	عمومی			
		ایمان بیاورند نیز بسیار مناسب هستند.		هم وجود دارد؛ چون مدام برخورد دارند بدون التفات دادن متوجه آنها نمی‌شوند.			
		این آیات مقطعی که مربوط به گذشته هستند برای لایه حکمرانی بسیار مناسب هستند؛ زیرا اگر آیه بالاسری این‌گونه آیت‌ها را شناسایی کنند می‌توانند با تکرار شرایط آن آیت دوباره این آیه را به منصفه ظهور بکشانند.		این‌گونه آیات برای عموم مردم سخت‌تر است و به تبع نیازمند فعالیت بیشتری نسبت به آیات حال دسترسی		این‌گونه آیت‌ها برای اهل تدبیر و اهل پژوهش مناسب هستند؛ زیرا نیاز به بررسی و پژوهش دارد.	
		سطح تأثیرگذاری این آیات معمولاً فردی است.		دسترسی به این آیات برای هر دو گروه مردم و متخصصین آسان است؛ لذا برای عامه مردم که نمی‌توانند پژوهش کنند این گروه از		پژوهش بر روی آیات مصداقی بسیار آسان‌تر از پژوهش بر روی آیات ظرفی است؛ زیرا در آیات ظرفی مخاطب باید کل ظرف را درک کند؛ لذا	

شاخص های مخاطب			شاخص های پژوهشگر		سهولت دسترسی	سهولت پژوهش		
سطح اثرگذاری			گستره مخاطبین					
حکمرانی	اجتماعی	فردی	تخصصی	عمومی				
					آیات توصیه می شود.	برای عموم مردم این گونه آیات پیشنهاد می شوند.		
					چون گزارش خلاصه ای از این آیات انجام گرفته است؛ لذا دسترسی به این آیات وجود ندارد و همین کار پژوهش را سخت می کند؛ لذا در این آیات دسترسی سخت تر است و به متخصصین پیشنهاد می شود.	این آیات به توجه به اینکه باید کل موضوع آیت را درک کنند، از پیچیدگی خاصی برخوردار هستند. که این کار با تلاوت تصویرپرداز همراه باشد که کار تخصصی و متخصصین است.	محتوی (ظرفی)	
			گستره مخاطبین در این آیات متخصصین هستند؛ زیرا نیازمند تحقیق و پژوهش و کار تخصصی است.		سطح اثرگذاری این آیات در اجتماع و حکمرانی بسیار بیشتر است.			

تحلیل جدول بر اساس معیارهای گفتمان سازی

باتوجه به اینکه جهان دارای ادیان گوناگون است، این پژوهش ناظر به جامعه جهانی، مخاطبان

را در مرحله اول به دو گروه جامعه ایمانی و جامعه غیرایمانی تقسیم کرده است. منظور از جامعه ایمانی جامعه‌ای است که مفاهیم دینی اسلام به آنها منتقل شده باشد. چون قرآن کریم در زمان رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل گردید و تقسیم به شیعه و سنی و گرایش‌های مختلف در اهل سنت مثل حنبلی، شافعی و...، بعد از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و عصر نزول قرآن کریم بود، تقسیم‌بندی گرایش‌های مذهبی در این تقسیم‌بندی نمی‌گنجد و در مرحله دوم جامعه ایمانی خود به سه سطح تقسیم شده است. مرحله عموم مردم، متخصصین و حکمرانان که البته تقسیم‌بندی‌های مختلف دیگری هم قابل فرض است؛ ولی باتوجه به اینکه کار روی آیت به چه هدفی صورت می‌گیرد این تقسیم‌بندی به صورت عموم مردم، متخصصین آن پدیده و حکمرانان صورت گرفت.



شکل ۳. جامعه جهانی براساس تقسیم‌بندی کاربرد آیات

نوع مناسب آیات برای گفت‌وگو برای

۱. عموم مردم جامعه در جامعه غیرایمانی

با توجه به اینکه آیات آفاقی نیاز به مقدمات، دسترسی خاص و پژوهش‌های ویژه ندارد، این آیات برای جامعه‌ای که ایمانی نیست و مقدمات این آیات مطرح نشده است بسیار مناسب هستند. آیات دائمی که فقط مربوط به مقطع خاصی نمی‌شوند، برای جامعه غیرایمانی مناسب هستند؛ زیرا به صورت مداوم در حال تکرار است و فرد هر زمان که به آن التفات پیدا کند می‌تواند متوجه آیت شود. در درجه دوم آیات مقطعی نوع زمان حال برای این‌گونه جامعه مناسب هستند؛ زیرا افراد حاضر با این موضوعات بهتر ارتباط می‌گیرند و با ایجاد حس همسانی (یک اصطلاح مثل همدردی است) بقیه را بیشتر همراه می‌کنند.

همچنین از بین مصداقی بودن و محیطی بودن، با توجه به اینکه محیطی بودن نیاز به درک مقدمات و درک بیشتر دارد، نوع موردنیاز این گروه آیات مصداقی است. با توجه تحلیل ارائه‌شده گروه آیات مناسب این مخاطبین به ترتیب زیر است:

۱. آیات آفاقی، دائمی، مصداقی؛

۲. آیات آفاقی، مقطعی نوع حال، مصداقی.

۲. عموم مردم جامعه در جامعه ایمانی

با توجه به اینکه آیات انفسی مقدماتی دارند، این آیات برای جامعه ایمانی بسیار مناسب هستند؛ زیرا این مقدمات برای جامعه کم‌کم مطرح شده است. همچنین سهولت پژوهش و سهولت دسترسی در این جامعه برای مخاطب بیشتر است؛ زیرا در این جامعه افراد قبلی نیز در این موضوع گام برداشته‌اند و تولیدات آنها نیز در دسترس افراد وجود دارد. همچنین از بین مصداقی بودن و محیطی بودن، با توجه به اینکه محیطی بودن نیاز به درک مقدمات و درک بیشتر دارد، نوع موردنیاز این گروه آیات مصداقی است.

با توجه تحلیل ارائه شده گروه آیات مناسب این مخاطبین به ترتیب زیر است:

۱. آیات انفسی، دائمی یا مقطعی حال، مصداقی؛

۲. آیات انفسی، مقطعی، گذشته، مصداقی.

۳. متخصصین علمی جامعه ایمانی

با توجه به اینکه این گروه متخصصین اهل تدبر و پژوهش هستند، آیات مربوط به آیات انفسی که مربوط به گذشته هستند توصیه می‌شوند؛ چون در جامعه ایمانی بودند نیاز به گذراندن مقدمات ایمانی برای درک آیات انفسی ندارند. از طرفی به‌خاطر تخصصی که دارند سطح آیات آفاقی نسبتاً برای آنها پایین به‌نظر می‌رسد؛ لذا بهترین گروه برای این دسته آیات انفسی است و از بین مقطع‌های زمانی مقطع حال در دسترس همگان است. ولی این گروه با توجه به تخصصی که دارند مقطع گذشته برایشان بهتر است؛ زیرا از راه تدبر و پژوهش که راهشان است به این آیات می‌رسند. در مورد محیطی و مصداقی بودن این آیات برای متخصصین علمی جامعه هم پیشنهاد آیات محیطی می‌شود؛ زیرا این آیات با توجه به اینکه نیاز به کار پژوهشی بیشتر و در نتیجه ارائه مفاهیم بیشتر و سنگین‌تری می‌دهد؛ لذا آیات محیطی (ظرفی) مناسب متخصصین بوده و از بین آیات محیطی که این گروه مخاطب با آن برخورد دارند، با توجه به تخصصشان نوع آیات محیطی در پهنه و آیات محیطی مجرای توصیه می‌شود و هیچ‌کدام اولویتی بر دیگری ندارد.

با توجه به تحلیل ارائه شده گروه آیات مناسب این مخاطبین به ترتیب زیر است:

۱. آیات انفسی، مقطع گذشته، محیطی (ظرفی)، در پهنه و مجرای؛

۲. آیات انفسی، مقطع حال، محیطی (ظرفی)، در پهنه و مجرای.

۴. مسئولین جامعه ایمانی برای حکمرانی

این دسته از مخاطبین که به دنبال ارائه الگویی برای حکمرانی و اداره جامعه هستند، باید از الگوهای برای حکمرانی استفاده کنند که در گذشته تکرار شده و در آینده هم تکرار بشوند. چیزی که در پژوهش‌های گذشته به آن تصریح شده است این است که آیات تکرارپذیر هستند؛ ولی نکته‌ای که اینجا باعث تمایز می‌شود این است که آیا همه آیات می‌توانند برای حکمرانی مناسب باشند؟ که در این صورت آیات آفاقی در درجه بعدی قرار می‌گیرند و آیات انفسی باید در اولویت قرار بگیرند. در بین این گروه از سه مقطع گذشته، حال و آینده بهترین مقطع زمانی برای بررسی حکمرانان، آنهایی است که مربوط به آینده است. زیرا باید برای آینده حکومت برنامه‌ریزی و تدبیر کنند و بعد از مقطع زمانی آینده برای حکمرانان، مقطع زمانی گذشته است که بررسی محتوای آیت بتواند الگویی برای تکرار آیت ایجاد کند. در مورد آیات محیطی و مصداقی هم باید گفته شود که آیات مصداقی به دلیل اینکه نمی‌توانند آن تصویر و الگو را بسازند برای تطبیق به جامعه و حکمرانی مناسب نمی‌باشند. لذا پیشنهاد برای این قبیل از مخاطبان، آیات محیطی (ظرفی) است و از بین آیات محیطی با توجه به اینکه مخاطب باید بتواند آن را برای آیات جامعه به کار ببندد نوع آیات محیطی مجرای پیشنهاد می‌شود.

با توجه تحلیل ارائه شده گروه آیات مناسب این مخاطبین به ترتیب زیر است:

۱. آیات انفسی، مقطعی آینده، محیطی (ظرفی)، مجرای؛

۲. آیات انفسی، مقطعی گذشته، محیطی (ظرفی)، مجرای.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای گفت‌مان‌سازی آیات می‌توان به ویژگی‌های لغوی خود آیات و کلماتی که کنار آنها آمده پرداخت. که از جمله این ویژگی‌ها، ویژگی‌های لفظی و معنایی است.

بر این اساس آیات با توجه به گروه‌ها و ویژگی‌های مخاطبین، فردی و جمعی، محیطی و مصداقی، آفاقی و انفسی، دائمی و مقطعی بودن و زمان وقوع، دنیایی و فراتر از دنیا و محیطی و مصداقی بودن مورد تقسیم قرار می‌گیرند.

سپس خبرگان با بررسی مؤلفه‌هایی که تأثیر بر گفت‌مان‌سازی دارند؛ مانند شاخص‌های

پژوهشگر که شامل سهولت پژوهش و سهولت دسترسی می‌شود و شاخص‌های مخاطب که شامل گستره مخاطبین عمومی و تخصصی و سطح اثرگذاری فردی، اجتماعی و حکمرانی می‌شود، رابطه ویژگی‌های آیات پدیداری تصریح شده و این مؤلفه‌ها را مشخص می‌کنند. در نهایت جمع‌بندی از آیات براساس نوع مخاطبین مشخص می‌گردد.

جدول ۴. جدول دسته‌بندی آیات مناسب گفتمان‌سازی برای مخاطبین

عموم مردم جامعه در جامعه ایمانی	عموم مردم جامعه در جامعه غیرایمانی
آیات انفسی، دائمی یا مقطعی حال، مصداقی آیات انفسی، مقطعی، گذشته، مصداقی	آیات آفاقی، دائمی، مصداقی، آیات آفاقی، مقطعی نوع حال، مصداقی
حکمرانان در جامعه ایمانی	متخصصین علمی جامعه ایمانی
آیات انفسی، مقطعی آینده، محیطی، مجرایی آیات انفسی، مقطعی گذشته، محیطی، مجرایی	آیات انفسی، مقطع گذشته، محیطی، در پهنه و مجرایی آیات انفسی، مقطعی حال، محیطی، در پهنه و مجرایی

پیشنهادها

برای اینکه بتوان این مسیر پژوهشی را ادامه داد موارد ذیل جهت پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

۱. تبیین دینی آیات پدیداری تصریح شده قرآن کریم در منابع اسلامی چیست؟
۲. تبیین هستی‌شناسانه آیات پدیداری تصریح شده قرآن کریم در علوم روز چیست؟
۳. الگوی تکرارشدن آیات پدیداری تصریح شده در مورد مصداقی قوم کافرین چه مواردی است؟
۴. ذوالآیه آیات پدیداری تصریح شده قرآن کریم در چیست؟

همچنین تمام موارد موجود در جدول شماره (۶) که در پیوست شماره (۲) آمده است می‌تواند به‌عنوان موضوع پژوهشی تحت عنوان بررسی پدیدارشناسانه آیه مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
- احمدیان، مهدی؛ پدرام، عبدالرحیم و زالی، سلمان (۱۳۹۴). طراحی الگوی اولویت‌گذاری پابرجا در صنایع راهبردی. فصلنامه بهبود مدیریت، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- احمدیان، مهدی؛ ذوالفقارزاده، محمدمهدی و علی‌اصغر پورعزت (۱۳۹۵). تحلیلی انتقادی و راهبردی بر پیش‌فرض‌های مدون دانش آینده‌پژوهی. فصلنامه راهبرد، ۲۶ (۸۴).
- بشیر، حسن (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان دریاچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، چاپ چهارم.
- بوداقتی، جمال؛ خلیلی، محسن و حیدری، اکبر (۱۴۰۰). روندپژوهی تاریخی و آینده‌فدرالیسم عراق. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۷ (۱)، ۸۴-۱۱۵.
- پهلوان، منصور و دهقانی، مهدیه (۱۳۹۴). گونه‌گون آیه در قرآن. فصلنامه سراج منیر، ۶ (۱۸).
- تون ای، وندیک (۱۳۷۴). تحلیل و گفتمان خبر. ترجمه حسن نورایی بیدخت، رسانه، ۶ (۳).
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱ (۲).
- رامیار، محمود (۱۳۹۵). تاریخ قرآن. مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۶ق). مناهل العرفان فی علوم قرآن. بیروت دارالفکر، چاپ اول ج ۱، ناشر: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (بدون تاریخ). مناهل العرفان فی علوم القرآن. ج ۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم و زمزلی، فواز احمد (۱۴۱۵ق، ۱۹۹۵م). مناهل العرفان فی علوم القرآن. ج ۲، بیروت - لبنان: دارالکتب العربی.
- سلیمان‌پور، علی و اکبری، امیر (۱۳۹۴). بررسی نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن کریم (با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان). دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۱۲۸.
- سلیمانی، مجید و وفا، جعفر (۱۳۹۸). الگوی گفتمان‌سازی مقاومت از منظر قرآن. دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشکده علوم‌انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ۹ (۲۰)، ۶۶-۳۱.
- صادقی نبوی، رقیه و سادات میری اقدم، فاطمه (۱۳۹۸). شیوه‌های گفتمان‌سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان. دوفصلنامه تفسیر پژوهی، ۶ (۱۱)، ۱-۱۶۰.
- موسوی اندرزلی، نرجس و آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۹). مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام: تبارشناسی و معناشناسی. نشریه‌ی جمعیه‌ی علمیة الایرانیة للغة العربیة و آداب‌ها، ۶ (۱۷)، ۱۰۵-۶۳.

- میرزاجانی بیجارسی، معصومه؛ صادقی نیری، رقیه و عبدالرحیمی، علیرضا (۱۳۹۸). گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با رشوه و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن. سلامت/اجتماعی، ۶ (۳)، ۳۷۰-۳۵۷.
- نصیرپور، غلامرضا و حکیمی، علی (۱۴۰۰). الزامات سامانه‌های موشکی زمین‌به‌زمین کوتاه‌برد نراجا در مقابله با تهدیدات منطق‌های آینده. دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران.

(ب) منابع انگلیسی

- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-10.
- Clarke, V. & Braun, V. (2013) Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Laclau, E and Mouffe, C, *Recasting marxism in James martin (2002): Antonio Gramsci, critical Assesment of leading Political philosophers (2002) Voutledge. P 140.*
- Laclau, E, Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso. P 111*
- Gelman, Richard (2012). Pulp revascularization in an immature necrotic tooth: a case report, *National Library of Medicine*, 2012 Nov-Dec;34(7):496-9.

(ج) وبسایت‌ها

- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۹۰). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده. برگرفته از <https://www.leader.ir/fa/speech/9000>
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۹۱). دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بین‌المللی اساتید دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی با رهبر انقلاب. برگرفته از <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=21739>

پیوست ۱:

در این پیوست در جدول شماره ۵ محتواهای اولیه برای فرایند شناسایی و کدگذاری آیات آمده است، این محتوا به‌عنوان منبع اولیه می‌تواند برای بررسی‌های دیگر مورد استفاده قرار بگیرد. لذا به‌عنوان یک پیوست در خارج از مقاله آمده است.

جدول ۵. جدول داده‌های اولیه روش تحلیل محتوای کیفی

کد	آیه
C1	﴿البقره ۷۳﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۗ كَذَّبَ لِكَ يَحْيَى اللّٰهُ الْمَوْتَى ۗ وَبَرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
C2	﴿البقره ۱۶۴﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
C3	﴿البقره ۲۱۹﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۗ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْمَعْفَى ۗ كَذَّبَ لِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ
C4	﴿البقره ۲۵۹﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَتَىٰ يَحْيَىٰ هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
C5	﴿البقره ۲۶۶﴾ أَبُودْ أَحَدِكُمْ أَنَّ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَابٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَّبَ لِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ
C6	﴿ال عمران ۱۳﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۗ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ ۗ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ
C7	﴿ال عمران ۴۹﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
C8	﴿ال عمران ۱۰۳﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
C9	﴿ال عمران ۱۹۰﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ
C10	﴿المائدة ۷۵﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۗ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ انظُرْ كَيْفَ تَبَيَّنُ

		لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَتَىٰ يُؤْفَكُونَ
C11	﴿الانعام ۶۵﴾	قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ
C12	﴿الانعام ۹۷﴾	وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
C13	﴿الانعام ۹۸﴾	وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ
C14	﴿الأعراف ۳۲﴾	قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۗ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
C15	﴿الأعراف ۵۸﴾	وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ وَالْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ
C16	﴿اعراف ۷۳﴾	وَإِلَىٰ ۙ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۗ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۗ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ
C17	﴿اعراف ۱۳۳﴾	فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْمَلَّ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ
C18	﴿يونس ۵﴾	هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
C19	﴿يونس ۶﴾	إِن فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ
C20	﴿يونس ۲۴﴾	إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
C21	﴿يونس ۶۷﴾	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِن فِي ذَٰلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ
C22	﴿يونس ۹۲﴾	فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لِنَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً ۗ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ
C23	﴿يونس ۱۰۱﴾	قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتِ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ
C24	﴿هود ۶۴﴾	وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ
C25	﴿يوسف ۷﴾	لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَسَلِّطِينَ
C26	﴿يوسف ۱۰۵﴾	وَكَأَيُّنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

C27	﴿الرعد ۲﴾	اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلْقَاءَ رَبِّكُمْ تَوْفَنُونَ
C28	﴿الرعد ۳﴾	وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ۗ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ مِثْلَيْنِ ۗ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
C29	﴿الرعد ۴﴾	وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَصُنُوفٌ غَيْرُ صُنُوفٍ ۗ يَسْقَىٰ إِيَّاهَا مِنْ عَيْنٍ وَاحِدَةٍ ۗ وَنُفُضِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْمَلُونَ
C30	﴿الحجر ۷۴ و ۷۵﴾	فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ
C31	﴿حجر ۷۶ و ۷۷﴾	وَإِنهَا لِبَسِيبٍ مُّقِيمٍ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ
C32	﴿النحل ۱۲﴾	وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْمَلُونَ
C33	﴿نحل ۶۵﴾	وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ
C34	﴿نحل ۶۷﴾	وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْمَلُونَ
C35	﴿نحل ۶۹﴾	ثُمَّ كَلَّمَ كَلِمًا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۗ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
C36	﴿النحل ۷۹﴾	أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
C37	﴿الإسراء ۱۲﴾	وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۗ فَمَحْوَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَا تَفْصِيلًا
C38	﴿الإسراء ۵۹﴾	وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ ۗ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا ۗ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا
C39	﴿الكهف ۱۷﴾	وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ۗ ذَٰلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ ۗ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًا مُرْشِدًا
C40	﴿مريم ۲۱﴾	قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْنٍ ۗ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا ۗ وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا
C41	﴿طه ۲۲﴾	وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكِ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ۗ
C42	﴿طه ۵۴﴾	كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ ۗ

C43	﴿طه ۱۲۸﴾	أَتْلَمَ يَهْدِي لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ ۝
C44	﴿الانبيا ۳۲﴾	وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفًّا مَّحْفُوظًا ۗ وَهُمْ عَنْ آيَاتِنَا مُعْرِضُونَ
C45	﴿الانبيا ۹۱﴾	وَأَلْتِي أَحْصَيْتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابِّهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ
C46	﴿المؤمنون ۲۹ و ۳۰﴾	وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ
C47	﴿المؤمنون ۵۰﴾	وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ
C48	﴿النور ۶۱﴾	لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۚ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ ۚ كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
C49	﴿فرقان ۳۷﴾	وَقَوْمِ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۗ وَاعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
C50	﴿الشعراء ۶۷﴾	إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C51	﴿الشعراء ۱۰۳﴾	إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C52	﴿الشعراء ۱۲۱﴾	إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C53	﴿الشعراء ۱۳۹﴾	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C54	﴿الشعراء ۱۵۸﴾	فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C55	﴿الشعراء ۱۷۴﴾	إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C56	﴿الشعراء ۱۹۰﴾	إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۗ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
C57	﴿النمل ۱۲﴾	وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ
C58	﴿النمل ۵۲﴾	فَتَلَكَّ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
C59	﴿النمل ۸۶﴾	أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
C60	﴿العنكبوت ۱۵﴾	فَاتَّجِنَّا وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ
C61	﴿العنكبوت ۲۴﴾	فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

C62	﴿العنکبوت ۳۵﴾	وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
C63	﴿العنکبوت ۴۴﴾	خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ
C64	﴿الروم ۲۰﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ
C65	﴿الروم ۲۲﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتِ إِذَا فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ
C66	﴿الروم ۲۳﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ
C67	﴿الروم ۲۴﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ يَرْيَكُمُ الْهَرَقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
C68	﴿الروم ۲۵﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۗ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَهُ مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ
C68	﴿الروم ۲۸﴾	ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ ۗ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۗ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
C69	﴿الروم ۳۷﴾	أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
C70	﴿الروم ۴۶﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
C71	﴿لقمان ۳۱﴾	أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ نَبْعَةً مِنَ اللَّهِ لِيَرِيكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
C72	﴿سجده ۲۴﴾	وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ۗ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَوْقُونَ
C73	﴿السجدة ۲۶﴾	أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ ۗ أَفَلَا يَسْمَعُونَ
C74	﴿سبا ۹﴾	أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ نَشَأَ نُحَسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْفِطُ عَلَيْهِمْ كَسَفًا مِنَ السَّمَاءِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ
C75	﴿سبا ۱۹﴾	فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَجَادِيثَ وَمَرْقَنًا كُلَّ مَرْمَقٍ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
C76	﴿يس ۳۳﴾	وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ
C77	﴿يس ۳۷﴾	وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ
C78	﴿يس ۴۱﴾	وَآيَةٌ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ
C79	﴿ص ۲۹﴾	كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ
C80	﴿الزمر ۴۲﴾	اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۗ فِيمِمْسِكَ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ

		الْآخِرَىٰ ۙ إِلَىٰ ۙ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
C81	﴿الزمر ۵۲﴾	أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
C82	﴿فصلت ۳۷﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ
C83	﴿الشورى ۲۹﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ
C84	﴿الشورى ۳۲﴾	وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ
C85	﴿الشورى ۳۳﴾	إِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنُ الرِّيحَ فَيَظْلِلُنَّ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ۙ ظَهْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
C86	﴿الجاثية ۳﴾	إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ
C87	﴿الجاثية ۱۳﴾	وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
C88	﴿الأحقاف ۲۷﴾	وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيَةِ ۙ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
C89	﴿الذاريات ۲۰﴾	وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ
C90	﴿الذاريات ۳۷﴾	وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
C91	﴿فتح ۲۰﴾	وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ ۙ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلَتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا
C92	﴿الحديد ۱۷﴾	اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
C93	﴿البقرة ۲۴۸﴾	وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ ۙ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

پیوست ۲:

یکی از مهم‌ترین خروجی‌های پژوهش مذکور به جز ارائه پیشنهادهایی برای گفت‌وگو سازی آیات، شناسایی و احصای آیات پدیداری تصریح‌شده در کل قرآن کریم است؛ لذا با توجه به اهمیت موضوع، فهرستی از آیات پدیداری تصریح‌شده در قرآن کریم برای دستیابی بهتر به عنوان یک پیوست در خارج از مقاله آمده است.

جدول ۶. آیات همراه با ویژگی معنایی آنها

انفسی و یا آفاقی	دائمی و یا مقطعی	زمان و ظرف تحقق	دسترس پذیری	نوع آیت
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	نابودکردن قوم‌ها با عذاب
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	اثرات و بقایای عذاب‌های الهی و نابودی قوم‌ها
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	حمایت‌های الهی از جبهه حق
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	شفای مریضی‌ها
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	احیاکردن
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	داستان‌های نجات انبیا
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	عذاب‌های قوم حضرت موسی
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	ارتباط با عالم بالا
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	داستان کشتی حضرت نوح
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	معجزه ید بیضا
انفسی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	تولد حضرت عیسی
انفسی	مقطعی	حال	دسترس پذیر عمومی	توفان
انفسی	مقطعی	حال	دسترس پذیر محدود	احیاکردن
انفسی	مقطعی	آینده	دسترس پذیر عمومی	توفان
انفسی	مقطعی	آینده	دسترس پذیر محدود	احیاکردن
انفسی	دائمی	دنپایی	دسترس پذیر عمومی	قرآن کریم
انفسی	دائمی	دنپایی	دسترس پذیر عمومی	اختلافات

انفسی و یا آفاقی	دائمی و یا مقطعی	زمان و ظرف تحقق	دسترس پذیری	نوع آیت
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	تبدلات
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	حقیقت آفرینش ما
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	خوردن و نوشیدن‌ها
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	احیاکردن
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	مرگ دائم و موقت
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	نابودکردن نتایج
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	کشتی‌رانی
انفسی	دائمی	دنیاپی	دسترس پذیر عمومی	پخش روزی
انفسی	دائمی	فراتر از دنیا	دسترس پذیر عمومی	فانی بودن دنیا
آفاقی	مقطعی	گذشته	دسترسی عمومی	خلقت آسمان‌ها و زمین
آفاقی	مقطعی	گذشته	دسترسی عمومی	پراکندن موجودات بین آسمان‌ها و زمین
آفاقی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	تغییر و تحولات زمین
آفاقی	مقطعی	گذشته	دسترس پذیر محدود	ناقه
آفاقی	دائمی	فراتر از دنیا	دسترس پذیر محدود	برپایی آسمان‌ها و زمین
آفاقی	دائمی	فراتر از دنیا	دسترس پذیر محدود	احاطه به آسمان‌ها و زمین
آفاقی	دائمی	فراتر از دنیا	دسترس پذیر محدود	بی‌ارزشی دنیا
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	(موجودات) داخل آسمانها و زمین
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	ثمرات درختان پاک
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	پرنده‌گان
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	ستارگان
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	خورشید و ماه
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	لیل و نهار
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	ریاح
آفاقی	دائمی	دنیاپی	دسترسی عمومی	ابر

انفسی و یا آفاقی	دائمی و یا مقطعی	زمان و ظرف تحقق	دسترس‌پذیری	نوع آیت
آفاقی	دائمی	دنیایی	دسترس عمومی	آب
آفاقی	دائمی	دنیایی	دسترس عمومی	باران
آفاقی	دائمی	دنیایی	دسترس عمومی	رعد
آفاقی	دائمی	دنیایی	دسترس عمومی	عذاب کردن خدا

Economic and Social Outlook of Qatar

Soroosh Saadi Fahandaj¹, Yaghoub Ghalandari²

Received: 15-09-2022

Accepted: 19-02-2023

Abstract

Qatar, a small country on the Persian Gulf, has leveraged its oil and gas revenues over the past decades to achieve development and position itself as one of the major emerging economies globally. This development trajectory was disrupted in recent years by events such as the COVID-19 pandemic and conflicts with Saudi Arabia. However, with the restoration of relations with Saudi Arabia and other Arab countries, Qatar is now pursuing its economic and social development path more robustly than before. This study aims to analyze Qatar's economic and social status post-2019 using qualitative research methods and information gathered from up-to-date online sources to answer its central question: "What trajectory will Qatar's future economic and political developments follow?" Based on the findings, Qatar is expected to increase its revenues in the coming years through plans to expand the North Gas Field (South Pars) and boost liquefied natural gas (LNG) sales, enabling more extensive investments in its non-oil sectors. On the social front, migration to Qatar is projected to remain high and stable, prompting the government to maintain its policies on censorship and monitoring of social issues. In some areas, such as user-generated content on social media, oversight is expected to increase.

Key Words: Qatar, Development, Oil, Gas, Persian Gulf.

1. M.Sc. in Political Sciences, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran sorooshsaadi@ut.ac.ir

2 . Corresponding Author. PhD in Political Sciences, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran yakub65@gmail.com

چشم انداز اقتصادی و اجتماعی قطر

سروش فهندژ سعدی^۱، یعقوب قلندری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

چکیده

قطر کشوری کوچک در حاشیه خلیج فارس است که طی دهه‌های گذشته با تکیه بر درآمدهای نفت و گازی خود توانسته مسیر توسعه و پیشرفت را طی کند و خود را در جایگاه اقتصادهای نوظهور بزرگ در جهان قرار دهد. این روند توسعه طی چند سال اخیر با حوادثی مانند همه‌گیری کووید ۱۹ و اختلافات با عربستان، دست‌خوش تغییراتی شد؛ اما با برقراری مجدد روابط با عربستان و سایر کشورهای عربی، با قدرت بیشتری به دنبال ادامه مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی خود در قیاس با گذشته می‌باشد. پژوهش حاضر در تلاش است با مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور قطر بعد از سال ۲۰۱۹، با روش پژوهش کیفی و گردآوری اطلاعات از منابع به‌روز اینترنتی به سؤال اصلی خود، «تحولات آتی اقتصادی و سیاسی قطر چه روندی را طی خواهد کرد؟»، پاسخ دهد. در این راستا مطابق با مطالعات صورت‌گرفته، قطر طی سالیان آینده با توجه به برنامه‌ریزی‌های خود مبنی بر توسعه میدان گازی شمال (پارس جنوبی) و افزایش فروش گاز مایع، درآمدهای خود را بیشتر و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تری بر بخش‌های غیرنفتی اقتصاد خود خواهد کرد. در بخش اجتماعی نیز مهاجرت‌ها به قطر همچنان مانند گذشته زیاد و با روند ثابتی ادامه‌دار خواهد بود که این موضوع باعث می‌شود سیاست دولت در سانسور و نظارت بر موضوعات اجتماعی تغییری نکند و در برخی موارد مانند مطالب ارسالی کاربران در فضای مجازی نظارت را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها: قطر، توسعه، نفت، گاز، خلیج فارس.

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

sorooshaadi1995@gmail.com

۲. دکتری علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

yakub65@gmail.com

مقدمه

تاریخ امروز قطر ریشه در سال ۱۷۶۶ با مهاجرت خانواده‌هایی از کویت به شبه‌جزیره، به‌ویژه خاندان خلیفه دارد. اسکان آن‌ها در شهر جدید الزباره که در زمان خود به یک شهر کوچک تجاری و استخراج مروارید تبدیل شد، صورت گرفت. در سال ۱۷۸۳، خاندان خلیفه رهبری فتح بحرین را برعهده داشتند و در طول قرن بیستم خانواده حاکم بر بحرین باقی ماندند. پس از خروج خاندان خلیفه از قطر، این کشور توسط تعدادی از شیوخ محلی اداره می‌شد که مشهورترین آن‌ها «رحمت بن جابر الجلاهمه» بود که عمدتاً به دلیل جنگ دریایی با خاندان خلیفه و یاران آن‌ها مشهور شده بود. در سال ۱۸۶۷ هنگامی که اختلاف بین خلیفه بحرینی که همچنان ادعای مالکیت بر شهر الزباره را داشت و ساکنان قطر به یک درگیری بزرگ تبدیل شد و در جریان آن دوحه عملاً ویران گردید، قطر و شبه‌جزیره آن مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت. تا قبل از این حمله، انگلستان قطر را وابسته به بحرین می‌دانست. سپس در سال ۱۸۶۸ با «محمد بن ثانی» معاهده جداگانه‌ای امضا کرد و مسیر استقلال آینده قطر و حکومت سلسله ثانی را تعیین کرد که تا زمان امضای این معاهده تنها یکی از چندین خاندان مهم در شبه‌جزیره بود (بریتانیکا، ۲۰۲۲). نیروهای امپراتوری عثمانی که استان الحصای عربستان سعودی در نزدیکی مرزهای قطر قرار داشت را فتح کرده بودند، در سال ۱۸۷۱ به دعوت پسر حاکم قطر، این کشور را اشغال کردند و سپس به دنبال بازپس‌گیری الحصاء توسط سعودی‌ها در سال ۱۹۱۳، این کشور را ترک کردند. در سال ۱۹۱۶، بریتانیا پیمانی را با رهبران قطر امضا کرد که شبیه توافقات قبلی با سایر کشورهای خلیج فارس بود و در ازای حمایت، کنترل سیاست خارجی را به انگلستان می‌داد. مانند سایر شیخ‌نشین‌های همسایه، امارات عربی متحده و بحرین، قطر در ۳ سپتامبر ۱۹۷۱ استقلال خود را اعلام کرد. قراردادهای قبلی با انگلستان با «معاهده دوستی» جایگزین شد. در همان ماه قطر به عضویت اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد درآمد. در سال ۱۹۸۱ امیرنشین قطر به پنج همسایه عرب خلیج فارس خود در تأسیس شورای همکاری خلیج فارس پیوست؛ اتحادی که برای ارتقای همکاری اقتصادی و تقویت امنیت داخلی و دفاع خارجی «در برابر تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی ایران و جنگ ایران و عراق» تشکیل شد (همان).

حال با توجه به نقش برجسته‌ای که کشور قطر در منطقه بازی می‌کند، مقاله حاضر درصدد است به بررسی وضعیت کنونی کشور قطر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی بپردازد و بتواند ذیل

مطالعات خود، تحولات آینده را نیز مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه و ادبیات

با توجه به ماهیت پژوهش کنونی و بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی قطر در زمان حال و همچنین به‌روز بودن منابع مورد استفاده، پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مذکور و مرتبط با پژوهش کنونی به رشته تحریر درنیامده است؛ هرچند تعدادی پژوهش وجود دارد که بر توسعه اقتصادی و انسانی قطر تمرکز کرده و مطالعاتی را صورت داده است که به شرح زیر می‌باشد:

قطر و اقتصاد دانش بنیان: الگویی نوین برای توسعه‌یافتگی دولت در فصلنامه دولت‌پژوهی سال ۱۴۰۰، شماره ۳۲ توسط سمیه حمیدی و احسان مزدخواه به‌رشته تحریر درآمده است. نویسنده بر این باور است که گسترده‌سازی الگوهای اقتصادی از الزامات راهبردی برای کشورهای دارای اقتصاد سیاسی تک‌بعدی است. اساساً گسترده‌سازی محصولات اقتصادی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا تهدیدات را به فرصت تبدیل نمایند و متغیر اقتصاد را در پرتو تولید قدرت به‌کار گیرند. به‌همین منظور، یکی از کشورهایی که تنوع‌بخشی در اقتصاد را در چارچوب الگوی اقتصاد دانش‌بنیان به‌کار برده، قطر است. پژوهش مذکور سعی در پاسخ دادن به این پرسش را دارد که «الگوی نوین قطر به‌منظور ساخت یک دولت توسعه‌گرای انطباق‌محور در نظام بین‌الملل چگونه است؟». فرضیه تحقیق بر این اساس است که کشور قطر با تأکید بر الگوی اقتصاد دانش‌بنیان، رویکرد تنوع‌سازی اقتصادی و الگوی دیپلماسی نیچ‌ای را برای ساخت دولت توسعه‌گرا در پیش گرفته است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قطر با رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان اکوسیستم توسعه‌گرایی جدیدی را برای تولید قدرت و ثروت به‌طور هم‌زمان در پیش گرفته است.

توسعه و توسعه انسانی در قطر (۱۳۹۱) توسط رضا شیرزادی در نشریه مطالعات سیاسی به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور، در ابتدا مفاهیم توسعه و توسعه انسانی از جمله سیر تحول مفهوم توسعه و چگونگی طرح نظریه توسعه انسانی و نحوه رتبه‌بندی کشورها به‌وسیله شاخص - های حوزه مذکور بیان شده است. متعاقب آن ویژگی‌های عمومی، تحولات سیاسی، روندهای جاری اقتصادی و شاخص و وضعیت توسعه انسانی کشور قطر مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش پژوهش

روش تحقیق مقاله حاضر مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع به‌روز اینترنتی می‌باشد.

چهار چوب نظری پژوهش

باتوجه به ماهیت موضوع تحقیق حاضر و ارتباط آن با نظریات توسعه، نویسندگان تلاش می‌نمایند از نظریه مدرنیزاسیون ساختاری به سؤالات خود پاسخ دهند. نظریه مدرنیزاسیون به مجموعه‌ای از نظریه‌ها اشاره دارد که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در رابطه با درک مسائل توسعه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد سیاست‌هایی که به انتقال اقتصادی و اجتماعی در کشورهای فقیرتر کمک می‌کند، برجسته شد. مؤلفه‌های مختلف نظریه مدرنیزاسیون از ابتدا مورد انتقاد قرار گرفتند، اما تأثیر آنها در سیاست‌گذاری برای مدت زمان قابل توجهی دوام آورد و همچنان در بسیاری از مواقع کاربردی هستند (Ynalvez, 2015, p. 22). مجموعه نظریه‌هایی که سعی در تفسیر فرایند مدرنیزاسیون در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ داشتند، به‌هیچ‌وجه مجموعه‌ای منسجم از ایده‌ها نبودند؛ بلکه طیف وسیعی از نظریه‌ها را تشکیل می‌دادند که از گستره پهناوری از رشته‌های علوم اجتماعی و همچنین کشورها و دانشگاه‌ها پدید آمدند. نظریه مدرنیزاسیون ترجیح می‌دهد برای تحلیل، خود را بر یک یا دو عنصر اصلی متمرکز کند. جوامع را می‌توان با «وارد کردن» سرمایه فنی، سازماندهی آن و انتقال علم و فناوری به کشورهای در حال توسعه، به سرعت به سمت به‌روزشدن سوق داد. تئوری مدرنیزاسیون معتقد است که هرچه جوامع از نظر اقتصادی به‌روزتر، ثروتمندتر و تحصیل‌کرده‌تر می‌شوند، نهادهای اجتماعی آنها نیز به‌شکل قابل توجهی دچار تغییراتی می‌شوند. نظریه‌پردازان مدرنیزاسیون معمولاً سنت‌ها را مانع توسعه اقتصادی می‌دانستند. به گفته سیمور مارتین لپست، شرایط اقتصادی به‌شدت توسط ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در آن جامعه تعیین می‌شود. از دیگر مباحث مطروحه در نظریه مدرنیزاسیون می‌توان به بهبود استانداردهای زندگی، زیرساخت‌های فیزیکی، آموزش و فرصت‌های اقتصادی اشاره کرد (Lipset, 1972, p. 41).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مقاله کنونی همانطور که اشاره شد، بر دو بعد بررسی اقتصادی و اجتماعی کشور قطر استوار می‌باشد که ذیل آن مطالب دسته‌بندی خواهند شد.

وضعیت اقتصادی

تولید ناخالص داخلی

کشور قطر یکی از کشورهای عربی غرب آسیاست که مانند سایر امیرنشینان منطقه با تکیه بر درآمدهای نفتی و گازی خود طی سالیان اخیر توانسته با طرح‌ریزی برنامه‌های اقتصادی دقیق و

مدون، خود را به جمع کشورهای توانمند اقتصادی برساند. این پیشرفت‌های اقتصادی تأثیرات شگرفی بر اعداد و ارقام کلان اقتصادی این کشور در قیاس با گذشته داشته است. حال در بخش پیش رو، نگارنده تلاش دارد آخرین وضعیت اقتصادی کشور قطر را مورد مطالعه قرار دهد. تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصاد کلان یک کشور به حساب می‌آید. تولید ناخالص داخلی قطر در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۳ نسبت به سه‌ماهه قبل ۳/۹۰ درصد کاهش داشته است. براساس داده‌های رسمی بانک جهانی، ارزش تولید ناخالص داخلی قطر در سال ۲۰۲۲، ۲۳۷/۳۰ میلیارد دلار بوده است. ارزش تولید ناخالص داخلی قطر ۰/۱۱ درصد از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد. پایه سرانه تولید ناخالص داخلی (اسمی)^۱ در قطر آخرین بار در سال ۲۰۲۲ برابر با ۵۰۵ درصد از میانگین جهانی می‌باشد. پایه سرانه تولید ناخالص داخلی اسمی از تقسیم تولید ناخالص داخلی کشور بر کل جمعیت در همان سال به دست می‌آید (بانک جهانی، ۲۰۲۳).

همچنین براساس داده‌ها، درآمد عمومی دولت قطر ۶۸/۶۰۰/۰۰۰ میلیون ریال قطر در مارس ۲۰۲۳ گزارش شده است که این رقم نسبت به رقم سال قبل ۶۵/۱۰۰/۰۰۰ میلیون ریال قطر در دسامبر ۲۰۲۲ افزایش داشته است (سیک، ۲۰۲۳).

نفت و گاز و فراورده‌های آن همچنان یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب درآمد دولت قطر می‌باشد. شرکت نفت و گاز قطر موسوم به «قطر انرژی» سود خالص ۱۵۴/۶ میلیارد ریال قطر (۴۲/۴۷ میلیارد دلار) را برای سال ۲۰۲۲ گزارش کرد که عمده این افزایش درآمد حاصل تقاضا برای گاز طبیعی مایع در پی جنگ روسیه و اوکراین می‌باشد که عدد ۵۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. قطر بزرگ‌ترین صادرکننده گاز مایع در جهان است و رقابت دول اروپایی برای دریافت آن از زمان شروع جنگ اوکراین افزایش یافته است که آن هم به دلیل نیاز اروپا به مقادیر زیادی گاز برای جایگزینی خط لوله روسیه که تقریباً ۴۰ درصد از واردات آن را تشکیل می‌داد، می‌باشد. درآمد قطر انرژی از ۱۲۰/۳ میلیارد ریال قطر در سال ۲۰۲۱ به تقریباً ۱۸۹ میلیارد ریال در ۱۲ ماه منتهی به ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲ رسید (رویترز، ۲۰۲۳). همچنین در سال ۲۰۲۱، حدود ۰/۳ درصد کشاورزی، ۶۰ درصد بخش صنعت و ۴۴/۷۵ درصد بخش خدمات از منابع تولید ناخالص داخلی بوده‌اند

1. GDP Per Capita

(استاتیستا، ۲۰۲۲).

موازنه تجاری

موازنه تجاری قطر با کاهش ۴۳/۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۱۹/۶ میلیارد ریال قطر در جولای ۲۰۲۳ از ۳۴/۸ میلیارد ریال قطر در ماه مشابه سال قبل رسیده است. صادرات ۳۴/۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته و به ۲۹/۱ میلیارد ریال قطر رسیده است که عمدتاً به دلیل کاهش فروش منابع انرژی فسیلی و سایر هیدروکربن‌های گازی (۴۴/۴- درصد)، نفت و روغن‌های نفتی از مواد معدنی قیری (خام) (۱۰/۶- درصد) می‌باشد. در میان شرکای اصلی تجاری قطر، صادرات، به‌ویژه به چین (۲۰/۷٪)، کره جنوبی (۱۴/۲٪) و هند (۹/۶٪) رشد داشته است. در همین حال، واردات با کاهش ۱/۶ درصدی نسبت به سال گذشته به ۹/۴ میلیارد ریال قطر رسیده و خرید خودرو و سایر وسایل نقلیه (۹/۳-٪) و دستگاه‌های مربوطه برای خطوط تلفن و قطعات آن (۱۳/۴-٪) کاهش یافت. بیشترین سهم واردات قطر از چین (۱۶/۷٪ از کل)، ایالات متحده (۱۴/۳٪) و آلمان (۶/۷٪) بوده است (تریدینگ اکونومیکس، ۲۰۲۳).

نرخ بیکاری و تورم کشور قطر

نرخ بیکاری در قطر در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۳ بدون تغییر در ۰/۱۰ درصد که در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۲ نیز همین رقم بود، باقی مانده است (استاتیستا، ۲۰۲۳).
نرخ تورم سالانه در قطر از ۲/۵ درصد در ژوئن ۲۰۲۳ به ۳/۱ درصد در جولای همان سال افزایش یافته، که بالاترین سطح از آوریل تاکنون می‌باشد. بیشترین افزایش قیمت‌ها مربوط به ارتباطات (۱۵/۹ درصد)، فرهنگی و تفریحی (۶/۸ درصد)، مسکن و آب و برق (۴/۵ درصد) و آموزش (۴/۱ درصد) بوده است. تورم مواد غذایی نیز به ۱/۵ درصد رسیده است. در مقابل، هزینه‌ها برای رستوران‌ها و هتل‌ها (۴/۷-٪) کاهش یافت که نشان‌دهنده تقاضای کمتر در طول تعطیلات تابستانی است. همچنین ۰/۳٪ برای هزینه پوشاک و کفش کاهش یافت. علاوه بر این، نرخ اصلی تورم، بدون اقلام نوسانی، ۲/۸ درصد نسبت به سال قبل و ۰/۶ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته است. براساس الگوهای کلان جهانی و انتظارات تحلیلگران، انتظار می‌رود نرخ تورم در قطر تا پایان سه‌ماهه جاری به ۲/۷۰ درصد برسد. طبق الگوهای اقتصادسنجی، نرخ تورم قطر در بلندمدت در حدود ۳/۵۰ درصد در سال ۲۰۲۴ و ۳ درصد در سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود (تریدینگ اکونومیکس، ۲۰۲۳).

ذخایر ارزی دولت قطر

ذخایر ارزی، دارایی‌های خارجی است که توسط بانک مرکزی یک کشور نگهداری یا کنترل می‌شود. ذخایر می‌تواند از طلا یا یک ارز خاص تا اوراق قرضه تشکیل شده باشد. ذخیره‌های ارزی برای پشتیبانی بدهی‌های بانک‌های مرکزی، مانند پول محلی چاپ‌شده و ذخیره‌های بانکی نزد بانک مرکزی، از سوی دولت یا نهادهای ملی مورد استفاده قرار می‌گیرند. کاربرد دیگر آنان تأثیر بر نرخ مبادلاتی خارجی یا بین‌المللی ارز و ایجاد اعتماد در بازارهای مالی است. ذخایر ارزی در قطر از ۲۴۰۷۴۲/۲۰ میلیون ریال قطر در ژوئن ۲۰۲۳ به ۲۴۱/۵۷۲ میلیون ریال قطر در جولای افزایش یافت (تریدینگ اکونومیکس، ۲۰۲۳).

وضعیت توسعه‌یافتگی کشور قطر اعم از اقتصادی و انسانی

راهبرد کلی توسعه اقتصادی قطر مبتنی بر سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل از صادرات گازونفت در طرح‌های توسعه اقتصادی کشور بوده است؛ به‌نحوی که قطر در افق سال‌های ۲۰۳۰ با اتکا بر این سرمایه‌گذاری‌ها بتواند ساختار و الگوی جدیدی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور فراهم آورد که توسعه بهینه اقتصادی قطر را بدون نیاز به درآمدهای نفتی تأمین نماید. در واقع قطر در نظر دارد که جامعه جدیدی را در آینده شکل داده و ایجاد نماید که توسعه آن بر پایه توسعه علمی- تکنولوژی، فرهنگی و ارتباط جمعی باشد. از مهم‌ترین پایه‌های توسعه مذکور شرایط عمرانی کشور می‌باشد. قطر طی چند سال گذشته با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت توانست ساختار شهری کشور را مدرن‌سازی کند و وضعیت زیرساخت‌های مواصلاتی خود را تاحدی بهبود بخشد که اکنون یکی از پیشگامان این حوزه در جهان باشد. در این بخش از مقاله به وضعیت جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، مترو و فرودگاه‌های قطر پرداخته خواهد شد.

وضعیت مواصلاتی کشور قطر

راه‌آهن

شرکت دولتی «قطر ریل» تقریباً تمام خطوط راه‌آهن کشور از جمله مترو دوحه و تراموا لوسیل را در اختیار دارد و اداره می‌کند. «قطر ریل» در پروژه راه‌آهن خلیج فارس، پروژه‌ای به طول ۲/۱۷۷ کیلومتر که خدمات ریلی مسافری و باری بین بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده را ارائه می‌دهد، مشارکت دارد. اگرچه محاصره اقتصادی عربستان سعودی علیه قطر در زمان تنش گذشته، آینده راه‌آهن خلیج فارس را تهدید می‌کرد، احیای روابط دیپلماتیک بین قطر و عربستان سعودی در ژانویه ۲۰۲۱ نویدبخش آینده راه‌آهن منطقه است. راه‌آهن

خلیج فارس قرار است در سال ۲۰۲۳ تکمیل شود (آرکادیس، ۲۰۲۲). شبکه راه‌آهن قطر از پنج خط اصلی تشکیل شده است:

- خط باربری از بندر مسیعد به رأس لفان؛
- خط مختلط (مسافری و باربری) از دوحه به دخان؛
- خط مختلط از دوحه به الشمال؛
- خط مختلط از دوحه به عربستان سعودی؛
- خط مسافری با سرعت بالا از دوحه به بحرین (قطر ریل کورپوریشن، ۲۰۲۳).

مترو دوحه

مترو دوحه در پایتخت قطر در قالب یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های حمل‌ونقل ریلی در جهان طراحی شده است. فاز یک مترو در سال ۲۰۱۹ برای آماده‌سازی کشور به‌منظور برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ به بهره‌برداری رسید. انتظار می‌رود شبکه حمل‌ونقل سریع جدید، یک سیستم حمل‌ونقل عمومی کارآمد و قابل‌اعتماد را فراهم کند و درعین حال توسعه آینده را در منطقه «دوحه بزرگ» رقم بزند. سیستم حمل‌ونقل ریلی به‌عنوان بخشی از راهبرد ۱۳۰ میلیاردیوروی متنوع‌سازی و نوسازی دولت قطر که شامل سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی است، در حال ساخت است. هدف این راهبرد کاهش وابستگی قطر به صادرات گاز طبیعی است. این پروژه بخشی از یک شبکه راه‌آهن بزرگ‌تر است که شامل پنج سیستم راه‌آهن به‌روز و انعطاف‌پذیر است که در سراسر خلیج فارس یکپارچه شده‌اند. شبکه بزرگ‌تر شامل توسعه سیستم‌های حمل‌ونقل ریلی مسافر و کالا، همراه با اتصال سریع ریلی به فرودگاه بین‌المللی، براساس مطالعه امکان‌سنجی شورای همکاری خلیج فارس است. این موضوع شامل توسعه یک سیستم راه‌آهن مترو در قطر می‌شود که علاوه بر خطوط مسافری، حمل‌ونقل کالا نیز انجام می‌دهد و نهایتاً این امیرنشین را به سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس متصل می‌کند (ریل وی تکنولوژی، ۲۰۱۹).

خطوط اصلی و مهم مترو دوحه نیز به این شرح می‌باشد: خط قرمز که خط ساحلی نیز نامیده می‌شود، از الوکره در جنوب تا لوسیل در شمال از طریق فرودگاه بین‌المللی حمد ادامه دارد. این خط به طول ۴۰ کیلومتر، ۱۸ ایستگاه را پوشش می‌دهد، از جمله ایستگاه لقطیفیه که به مسافران اجازه می‌دهد تا به خدمات ترام لوسیل منتقل شوند. خط سبز یا خط آموزش، ۲۲ کیلومتر امتداد دارد و از الرفاع تا المنصوره امتداد دارد. این خط ۱۱ ایستگاه از جمله مشیرب، بیمارستان حمد،

کتابخانه ملی قطر و شهر آموزش را پوشش می‌دهد. خط تاریخی یا خط طلا، رأس بوعبود و العزیزیه را به هم متصل می‌کند. در طول مسیر ۱۴ کیلومتری ۱۱ ایستگاه وجود دارد. خط آبی یا خط شهر، یک خط نیم‌دایره‌ای به طول ۱۷/۵ کیلومتر خواهد بود که مناطق خلیج غربی و فرودگاه شهر شمالی را در امتداد جاده حلقه اصلی سی‌وچهار ایستگاه را به هم متصل می‌کند. این خط تا سال ۲۰۲۶ افتتاح خواهد شد (اکپدیکا، ۲۰۲۳).

فرودگاه‌های قطر

سازمان هوایی کشور بر ایمنی خطوط هوایی در قطر نظارت دارد. از آنجایی که این کشور کوچک‌تر از برخی از همسایگان خود است، تنها یک فرودگاه بین‌المللی را در خود جای داده است. علاوه بر این، تنها خط هوایی بین‌المللی آن، «قطر ایرویز»، قطر را تبدیل به ششمین کشور بزرگ در میان خطوط هوایی بین‌المللی در جهان کرده است. «قطر ایرویز» در سال ۲۰۲۰ بیش از ۳۲ میلیون مسافر را جابه‌جا کرده است. فرودگاه بین‌المللی «حمد» نیز در سال ۲۰۱۴ افتتاح و جایگزین فرودگاه بین‌المللی دوحه شد. این فرودگاه که در فاصله ۲۰ کیلومتری جاده از مرکز شهر دوحه قرار دارد، میزبان تعداد زیادی از خطوط هوایی بین‌المللی با پرواز به مقاصد مختلف در سراسر جهان است. به‌عنوان یک فرودگاه بین‌المللی شلوغ، امکانات زیادی از جمله صرافی، هتل، نمازخانه، خدمات ملاقات و استقبال و غیره را در خود جای داده است (ورلد دیتا، ۲۰۲۱).

رتبه اقتصادی قطر در جهان

رتبه قطر در سالنامه رقابت جهانی ۲۰۲۳ که هر ساله توسط مؤسسه بین‌المللی توسعه مدیریت در سوئیس منتشر می‌شود، از رتبه ۱۸ به رتبه ۱۲ از بین ۶۴ کشور که بیشتر آن‌ها توسعه‌یافته هستند، ارتقا یافت. این رتبه‌بندی براساس آمار ملی ارائه‌شده به مؤسسه توسعه مدیریت و همچنین نتیجه بررسی نمونه‌ای از تجار و کارآفرینان است که دیدگاه‌های خود را در مورد فضای رقابتی اقتصاد قطر ارائه کرده‌اند. حوزه‌هایی که قطر در آن رتبه بالایی در این گزارش کسب کرده است، شامل: عملکرد اقتصادی (رتبه ۵)، کارایی دولت (رتبه ۴)، کارایی تجاری (رتبه ۱۲)، و بهبود رتبه خود در زیرساخت‌ها (رتبه ۳۳) می‌باشد. رتبه قطر به‌طور مثبت تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله عملکرد اقتصادی قوی قرار گرفته است که نشان‌دهنده نرخ پایین بیکاری قطر، اشتغال جوانان، رشد جمعیت، مالیات بر درآمد شخصی جمع‌آوری‌شده، نرخ مالیات بر مصرف و امنیت سایبری است که در آن قطر در رتبه اول جهان قرار گرفت (زایا، ۲۰۲۳).

بنابراین قطر در حال حاضر در رتبه ۵۲ از اقتصادهای بزرگ قرار دارد. با در نظر گرفتن برابری

قدرت خرید، قطر در فهرست ثروتمندترین کشورهای جهان در جایگاه پنجم قرار دارد. امتیاز آزادی اقتصادی قطر ۶۸/۶ است که اقتصاد این کشور را در رتبه ۳۶ در شاخص سال ۲۰۲۳ قرار می‌دهد (هریتیچ، ۲۰۲۳). امتیاز آن ۰/۹ امتیاز بهتر از سال گذشته است. قطر از میان ۱۴ کشور در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا رتبه سوم را دارد و امتیاز کلی آن بالاتر از میانگین جهانی و منطقه‌ای است. قطر در تلاش است تا فضای کارآفرینی خود را بهبود بخشد و پایگاه اقتصادی خود را گسترش دهد. پایه‌های آزادی اقتصادی نسبتاً محکم است و سیستم نظارتی انعطاف‌پذیر می‌باشد. همچنین رژیم تجارت باز و وضعیت روبه‌رشد این کشور به‌عنوان یک مرکز مالی منطقه‌ای، رشد بخش خصوصی را در خارج از صنایع نفت و گاز تشویق کرده است (ورلد دیتا، ۲۰۲۳).

نفت و گاز، ستون فقرات اقتصاد قطر را تشکیل می‌دهند. دولت قطر تلاش می‌کند منابع خود را متنوع کند تا وابستگی این کشور به این منابع طبیعی کاهش یابد. قطر ذخایر عظیم گاز طبیعی دارد و میدان شمال (پارس جنوبی) آن یکی از بزرگ‌ترین میادین گازی در جهان است. ذخایر نفتی این کشور نیز در خشکی در امتداد ساحل غربی یافت می‌شوند. براساس گزارش مجله نفت و گاز، قطر ۱۱ درصد از ذخایر گاز طبیعی اثبات‌شده جهان و تقریباً ۳۰ درصد از ذخایر خاورمیانه را در اختیار دارد. ذخایر عظیم گاز طبیعی قطر عمدتاً در میدان عظیم گاز شمال در قطر و پارس جنوبی در ایران در خلیج فارس قرار دارد. در سال ۲۰۲۱، قطر ششمین تولیدکننده گاز طبیعی خشک جهان، دومین صادرکننده گاز طبیعی مایع و سومین دارنده ذخایر گاز طبیعی بوده است. قطر بیش از ۷۰ درصد از صادرات گاز طبیعی مایع خود را به آسیا و ۲۵ درصد به اروپا در سال ۲۰۲۲ ارسال کرد. تقاضای بالای برق در آسیا منجر به تقاضای بالای گاز طبیعی در این قاره شده است (ایا، ۲۰۲۳).

قطر در حال برنامه‌ریزی برای گسترش حضور خود در بازار جهانی ال‌ان‌جی است؛ قطر، یکی از قدیمی‌ترین اعضای اوپک، در ژانویه ۲۰۱۹ این سازمان را ترک کرد و گفت که این کشور می‌خواهد منابع خود را از نفت به گاز طبیعی تغییر دهد. تولید نفت خام قطر بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، ۱۸ درصد کاهش یافت. تولید نفت خام در قطر از آن زمان تاکنون نسبتاً ثابت مانده است و حدود ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز بوده است (همان). در بحث تولید برق نیز قطر طی چند سال گذشته پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و توانسته ظرفیت تولید خود را افزایش دهد. تولید برق در قطر در ژوئن ۲۰۲۳ به ۵/۴۷۵ گیگاوات ساعت رسید، در حالی که در ماه قبل از آن ۴/۹۰۵

گیگاوات ساعت بوده است. داده‌های موجود مرتبط با تولید برق در قطر که به‌طور ماهانه به‌روز می‌شود، ۳/۷۶۰ گیگاوات ساعت از ژانویه ۲۰۱۴ تا ژوئن ۲۰۲۳ را به‌صورت میانگین به‌عنوان عدد تولید برق قطر عنوان کرده است. این داده‌ها در آگوست ۲۰۲۲ به بالاترین حد خود یعنی ۶/۳۴۹ گیگاوات ساعت و در فوریه ۲۰۱۴ به پایین‌ترین حد خود یعنی ۱/۸۶۶ گیگاوات ساعت رسیده است (سیک، ۲۰۲۳).

کشور قطر همچنین در بحث تولیدات صنعتی و معدنی دارای ظرفیت نسبتاً بالایی است و در قیاس با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تولیدات بیشتری را روانه بازار می‌کند. قطر در سال ۲۰۱۹ تولیدکننده عمده آلومینیوم (اولیه)، آمونیاک، نفت خام، آهن احیاشده مستقیم، هلیوم، گاز طبیعی، گوگرد و اوره بوده است. قطر ۶۲۷/۰۰۰ تن آلومینیوم در سال ۲۰۱۹ تولید کرد که روند افزایشی ۱/۸ درصد در مقایسه با ۶۱۶/۰۰۰ تن تولیدشده در سال ۲۰۱۸ را تجربه کرده است. مجتمع این شرکت که متشکل از یک کارخانه ذوب آلومینیوم، کارخانه ریخته‌گری، کارخانه آند کربن و نیروگاه می‌باشد، از ظرفیت تولید ۶۴۰/۰۰۰ متریک تن آلومینیوم و ظرفیت تولید ۳۰۰/۰۰۰ تن آلیاژهای ریخته‌گری در سال برخوردار است. کارخانه کربن، ظرفیت تولید ۳۳۵/۰۰۰ تن آند در سال را دارد. شرکت نورسک هیدرو گزارش داد که کارخانه ذوب این شرکت که در مسعید واقع شده است، ۱/۰۹۲ کارمند دارد و جزو کم‌هزینه‌ترین کارخانه‌های ذوب آلومینیوم در جهان به‌شمار می‌رود (سزنیاک، ۲۰۱۹، ص ۲).

وضعیت توسعه انسانی کشور قطر

وضعیت سیستم بهداشت و آموزش

قطر یکی از معدود کشورهای جهان است که خدمات درمانی همگانی (تقریباً) رایگان را به همه شهروندان خود ارائه می‌دهد. سیستم مراقبت‌های بهداشتی آن شامل مراقبت‌های پزشکی دولتی و خصوصی است و کیفیت درمان برای شهروندان و مهاجران به‌طور یکسان بسیار بالا است. این کشور همچنین دارای طیف گسترده‌ای از گزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی خصوصی است که در کنار سیستم عمومی عمل می‌کنند. همه ارائه‌دهندگان مراقبت‌های پزشکی، اعم از دولتی و خصوصی، باید در وزارت حرفه‌های مراقبت‌های بهداشتی ثبت‌نام کنند. این بخش، بخشی از وزارت بهداشت عمومی است که بر سیستم مراقبت‌های بهداشتی در قطر نظارت می‌کند. طبق گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۰، قطر ۲۱/۹ میلیارد درهم (۶ میلیارد دلار) برای مراقبت‌های بهداشتی هزینه کرده است. این بسیار کمتر از میانگین ۱۷/۴ میلیارد دلاری شورای همکاری خلیج‌فارس در

سال ۲۰۲۲ و همچنین میانگین ۱۶/۱ میلیارد دلاری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۱ (یا ۱۴/۶ میلیارد یورو) است. از کل هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، ۷۹/۱٪ (۴/۸ میلیارد دلار) از سوی دولت تأمین شده است. درحالی‌که برخی از خدمات مراقبت‌های بهداشتی عمومی رایگان هستند، سایر مسیرهای درمانی دارای یارانه‌ای تخصیصی از سمت دولت می‌باشند که پرداخت اندکی پول از سمت بیمار الزامی است (اکسپدیکا، ۲۰۲۳).

همچنین بحث دسترسی به آب سالم همواره یکی از موضوعاتی است که ذیل بهداشت عمومی یک کشور تعریف می‌شود. دسترسی به آب تمیز در سال ۲۰۲۰، ۹۶/۱۸ درصد بوده است که افزایشی نسبت به سال ۲۰۱۹ نداشته است (مکرو ترندز، ۲۰۲۰). بحث سواد و آموزش یکی از اصلی‌ترین معیارهای توسعه انسانی است. قطر طی سالیان گذشته با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در بخش آموزش از ابتدایی تا مدارج عالی توانسته خود را در منطقه به‌عنوان یک کشور باسواد و علمی مطرح سازد. در سال ۲۰۱۷ (آخرین آمار موجود)، نرخ باسوادی قطر حدود ۹۳/۴۶ درصد بوده است (استاتیستا، ۲۰۲۳).

گردشگری در قطر

گردشگری در قطر از زمانی که این کشور نفت‌خیز میزبان جام جهانی فوتبال در اواخر سال ۲۰۲۲ شد، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. بسیاری از گردشگران از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای مانند بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده هستند. برخی از آن‌ها شهروند شورای همکاری خلیج‌فارس هستند، درحالی‌که برخی دیگر از گردشگران از میان کارگران مستقر در یکی از کشورهای عضو اتحادیه می‌باشند. هجوم جدید گردشگران نشان می‌دهد که دوحه، پایتخت قطر به‌طور فزاینده‌ای با مراکز گردشگری سنتی‌تر مانند دبی و منامه، پایتخت‌های امارات عربی متحده و بحرین، یا ریاض به‌عنوان یک هاب جشنواره ورزشی و سرگرمی در عربستان سعودی رقابت می‌کند. در سال ۲۰۲۳، منابع رسمی افزایش ۳۴۷ درصدی را نسبت به سال ۲۰۲۲ در تعداد ورودی‌های خارجی پیش‌بینی کرده‌اند. این رشد تاحدی به مجموعه‌ای از جشنواره‌های تازه سازمان‌دهی شده و تحولات گردشگری، از جمله سرزمین عجایب زمستانی لوسیل در هشت مایلی شمال دوحه نسبت داده می‌شود (مدیا لاین، ۲۰۲۳).

همچنین کشور قطر چندین پروژه بزرگ توریستی از جمله مجموعه شهر لوسیل را راه‌اندازی کرده است. این پروژه‌های توسعه گردشگری، دارای جزایر، بلوارها و مجموعه‌ای از فعالیت‌های

توریستی هستند. توسعه جدید دیگر، پروژه مشایرب در مرکز شهر دوحه است؛ یک مجتمع فرهنگی و تجاری با سیستم‌های تهویه مطبوع در فضای باز و مسیرهای پیاده‌روی دیدنی. طراحان پروژه‌های مذکور مناطق دیگری را متناسب با علایق خاص توریستی از جمله فعالیت‌های فرهنگی، تاریخ، زیست‌بوم دریایی، محیط‌های طبیعی و ورزش طراحی کرده‌اند. حمل‌ونقل عمومی نیز یک امتیاز محسوب می‌شود. دوحه اکنون توسط یک متروی جدید که در سال ۲۰۱۹ افتتاح شد و شبکه گسترده‌ای از اتوبوس‌های عمومی خدمات‌رسانی می‌کند. ورزش در برنامه‌های گردشگری کشور نقش برجسته‌ای دارد. جام جهانی ۲۰۲۲ یک نقطه عطف مهم بود و دوحه اکنون در تلاش است تا رویدادهای بین‌المللی مشابه دیگری را سازمان‌دهی کند. این‌ها شامل جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳، که میزبان ۲۴ تیم فوتبال خواهد بود و قطر در آن به‌عنوان مدافع عنوان قهرمانی حضور خواهد داشت، و گرندپریکس، مسابقه پریننده فرمول یک می‌باشند (همان).

در میان آثار تاریخی ثبت‌شده در جهان، شهر «الزبارة» یکی از مهم‌ترین نقاط گردشگری قطر است. الزبارة بزرگ‌ترین سایت میراث باستان‌شناسی قطر است. این شهر در سال ۲۰۱۳ به‌عنوان میراث جهانی یونسکو معرفی شد و بهترین نمونه حفظ‌شده از یک شهر تجاری و ماهیگیری مروراید قرن هجدهم تا نوزدهم در منطقه خلیج‌فارس است. برخلاف معاصران خود، تاحد زیادی دست‌نخورده باقی‌مانده و زیر سایه شهرهای مدرن وسیع منطقه گم نشده است. این سایت که تقریباً در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی دوحه قرار دارد، ۲/۵ کیلومتر از قلعه الزبارة تا ساحل امتداد دارد. این شهر که در اواسط قرن هجدهم تأسیس شد، به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سکونتگاه کشور تبدیل گردید. موفقیت آن توجه دیگر قدرت‌های خلیج‌فارس را به خود جلب کرد و پس از چندین حمله، شهر در سال ۱۸۱۱ به آتش کشیده شد. در دهه‌های اول قرن بیستم، این شهر متروکه گردید. امروزه این محوطه با مساحت ۶۰ هکتار با بقایای خانه‌ها، مساجد، ساختمان‌های مستحکم بزرگ و بازار پوشیده شده است (سایت موزه های قطر).

جمعیت‌شناسی قطر

جمعیت همواره یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت یک دولت می‌باشد که علاوه بر موضوعات نظامی - امنیتی، نقش اصلی در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور بازی می‌کند. همچنین اگر کشور مذکور، دارای جمعیت گسترده‌ای از مهاجرین خارجی باشد، موضوعات اجتماعی و فرهنگی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۸۰، قطر کشوری دارای ۰/۲ میلیون نفر جمعیت بود که آن را به یکی از کوچک‌ترین کشورهای جهان تبدیل می‌کرد؛ اما امروزه همه‌چیز

به سرعت تغییر کرده است که عمدتاً به دلیل انفجار در مهاجرت‌های صورت گرفته به قطر است. براساس آخرین داده‌های سایت «ورلدومتر» که از آخرین داده‌های سازمان ملل متحد اخذ شده است، جمعیت فعلی قطر تا روز جمعه، یک سپتامبر ۲۰۲۳، ۲/۷۱۹/۸۸۹ نفر است. جمعیت قطر در اواسط سال میلادی ۲۰۲۳، ۲/۷۱۶/۳۹۱ نفر برآورد شده است. جمعیت قطر معادل ۰/۰۳ درصد از کل جمعیت جهان است و رتبه ۱۴۳ را در فهرست کشورها براساس جمعیت دارد. تراکم جمعیت در قطر ۲۳۴ در هر کیلومتر مربع (۶۰۶ نفر در هر مایل مربع) است؛ ۱۰۰ درصد جمعیت شهرنشین هستند (۲/۷۱۶/۳۹۱ نفر در سال ۲۰۲۳) و دیگر مفهومی به نام «روستایی» معنا ندارد. همچنین میانگین سنی در قطر ۳۳/۸ سال است (ورلدومتر، ۲۰۲۳).

دوحه، پایتخت قطر بیشترین جمعیت را در خود جای داده است که تعداد آن ۳۴۴/۹۳۹ نفر می‌باشد؛ الریان با ۲۷۲/۴۶۵ نفر در جایگاه دوم قرار دارد. ام صلال، الوکره و الخور در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

همچنین مطابق با داده‌های سازمان ملل، جمعیت قطر طی دهه‌های آینده تغییرات چشمگیری نخواهد داشت. بر این اساس تا سال ۲۰۵۰، جمعیت قطر ۳/۳۵۸/۰۰۰ نفر تخمین زده شده است و رتبه ۱۳۸ را میان کشورهای جهان خواهد داشت. همچنین تا پایان قرن میلادی ۴/۴۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت خواهد داشت (ورلد پایپولیشن ریویو، ۲۰۲۳). امید به زندگی در قطر برای هر دو جنس ۸۱/۷ سال می‌باشد که به صورت تفکیکی برای مردان ۸۰/۸ و زنان ۸۳/۳ سال است (ورلدومتر، ۲۰۲۳). مرگ‌ومیر نوزادان در قطر ۴/۸ به ازای هر ۱۰۰۰ تولد می‌باشد و مرگ کودکان زیر ۵ سال نیز ۵/۸ به ازای هر ۱۰۰۰ تولد است (استاتیستا، ۲۰۲۳).

با توجه به آنچه بیان شد، مهاجرین نقش مهمی در تعداد جمعیت کشور قطر بازی می‌کنند. آمارها نشان می‌دهند که ساکنان غیرقطری با ۸۸/۴ درصد جمعیت اکثریت قاطع می‌باشند و قطری‌ها تنها ۱۱/۶ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، اکثر جمعیت قطر را مردان تشکیل می‌دهند، در حال حاضر درصد مردان ۷۴/۹۱٪ و زنان ۲۵/۰۹٪ می‌باشد (همان). اکثریت عظیم کارگران مهاجر در خلیج فارس دارای شغلی هستند که یک ویزای یک، دو یا حتی سه‌ساله دارند. آن‌ها عمدتاً مردانی از کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا، اعراب شمال آفریقا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا هستند که خانواده‌های خود را در کشور متبوع ترک کرده‌اند. باین‌حال، برخی از کارگران دختر و زن هستند که عمدتاً در خدمات خانگی و همچنین به‌عنوان

کارگران نیمه‌ماهر و ماهر در بیمارستان‌ها، رستوران‌ها، ادارات دولتی، آژانس‌های امنیتی و غیره مشغول به کار هستند (مایگرتنس ریویوجیز، ۲۰۲۳).

مذهب و دین از دیگر مسائل مهم جمعیت‌شناسی است؛ چراکه بسیاری از موضوعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تکیه بر ریشه‌های مذهبی دارند. قطر نیز مانند سایر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا دارای جمعیت قاطع مسلمان است. اسلام دین رسمی است و قطری‌ها عمدتاً مسلمانان سنی هستند. یک اقلیت کوچک تشیع نیز در قطر وجود دارد. خاندان حاکم بر قطر، آل ثانی، به همان تفسیر وهابی از اسلام مانند حاکمان عربستان سعودی پایبند هستند، هرچند نه به شدت سعودی‌ها. برای مثال زنان در قطر آزادی بیشتری نسبت به عربستان دارند. جمعیت غیرقطری آرایش مذهبی متنوع‌تری دارند و مسلمانان، مسیحیان و هندوها بزرگ‌ترین گروه‌های مذهبی را تشکیل می‌دهند. پراکندگی مذهبی جمعیت ساکن در قطر تقریباً شامل ۶۷٪ مسلمان، مسیحی با ۱۳٪، هندو با ۱۳٪، بودایی با ۳٪، مذهب عامیانه کمتر از ۱٪، یهودیت کمتر از ۱٪، سایر ادیان ۷٪ و بدون وابستگی به هیچ دینی می‌باشد (ورلد پاپولیشن ریویو، ۲۰۲۳).

هویت ملی در قطر

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، مهاجرین بخش اعظم جمعیت قطر را تشکیل می‌دهند و این موضوع باعث شده تا قطری‌ها همواره با شک و تردید به آینده هویت ملی خود بنگرند؛ از طرفی دولت قطر با آغوش باز به سمت جهانی‌شدن رفته است که نتیجه آن نیز ترس نسل‌های قدیمی‌تر قطری در مورد ادامه‌دار بودن سنت‌ها و فرهنگ‌های قطری میان نسل‌های جدیدتر شده است. برای دهه‌ها، پادشاهی‌های عرب خلیج فارس ثروت حاصل از درآمدهای نفتی خود را در راه‌هایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا منابع مشروعیت سیاسی داخلی خود را متنوع و تقویت کنند. قطر نیز از این قاعده مستثنا نیست. ایجاد حس ملی‌گرایی و هویت ملی، جدا از توزیع ثروت، راهبرد اصلی مشروعیت دولت قطر برای دهه‌ها بوده است. به‌ویژه، قطر (همسو با پادشاهی‌های همسایه‌اش) از موزه‌ها برای تبلیغ روایت‌های رسمی دولتی از هویت و میراث ملی استفاده کرده است. چارچوب تحلیلی رایج برای درک سیاست در پادشاهی‌های عربی غنی از منابع فسیلی در خلیج فارس، نظریه رانتی است که بر کنترل دولت بر ثروت منابع طبیعی و توزیع بعدی این ثروت به شهروندانش تمرکز دارد. توزیع ثروت همراه با سایر مکانیسم‌های کنترل اقتصادی، اگر نه وفاداری کامل، هم به رضایت اقتصادی و هم ثبات سیاسی متعاقب آن منجر شود.

محققان نشان می‌دهند که نابرابری در فرایند تخصیص پول میان آحاد جامعه یک دولت رانتیر (چه واقعی و چه درک‌شده توسط افراد)، باعث ایجاد نارضایتی از این مزایای توزیع‌شده توسط دولت می‌شود. نتیجه این تجدیدنظرها در چارچوب رانتی ساده است؛ پادشاهی‌های عرب خلیج فارس نمی‌توانند برای تضمین مشروعیت سیاسی خود تنها بر موضوعات اقتصادی تکیه کنند. در قطر، روایاتی که بیشتر جنبه ملت‌سازی دارند و توسط دولت ساخته می‌شوند، بیش از اهمیت دادن دولت به نابرابری‌های ذاتی و اثرات بی‌ثبات‌کننده سیستم توزیع مالی اثر دارد؛ در واقع این روایات می‌توانند به هویت ملی و یکپارچگی کشور قطر کمک کنند نه پول‌پاشی دولتی. هدف این روایت‌ها هموارسازی شکاف‌های جمعیتی در جامعه قطر است. حتی باوجود اینکه حضور خارجی‌ها به‌عنوان بخش مهمی از توسعه اقتصادی و ملی قطر توسط چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ به رسمیت شناخته شده است، این عدم تعادل جمعیتی بین شهروندان قطری و ساکنان خارج از کشور باعث نگرانی شدید جامعه قطری می‌شود. احساس اقلیت بودن در کشور خود منجر به تعهد مشترک دولت و جامعه برای حفظ و تجلیل از فرهنگ، میراث، تاریخ و هویت قطر می‌شود. با این حال، تعریف «فرهنگ، میراث، تاریخ و هویت قطری» برای خود قطری‌ها یک تعریف مبهم خواهد بود. با وجود ثروت رانتی، جامعه قطر دارای تمایزات برجسته‌ای براساس میراث فرهنگی و منشأ جغرافیایی است. قطری‌ها خود را با سه گذشته فرهنگی مرتبط با سبک زندگی اجدادشان تعریف می‌کنند: زندگی عشایری در صحرا (بدوی، یا بدو)، زندگی ساکن در ساحل (حار)، و ترکیبی از این دو که با حرکت فصلی مشخص شده است (نیمه بادیه‌نشین) (الحمادی، ۲۰۲۲، ص. ۴۴).

وضعیت ارتباطات و رسانه در کشور قطر

سابقه رسانه‌های جمعی در قالب متون چاپی در قطر به قبل از استقلال این کشور بازمی‌گردد. اولین روزنامه‌ای که در قطر منتشر شد، روزنامه «الجریده الرسمیه» در سال ۱۹۶۱ بود؛ زمانی که این کشور هنوز تحت‌الحمایه بریتانیا بود. این نشریه در درجه اول یک وظیفه اداری داشت و جزئیات اطلاعیه‌های رسمی و قوانین تازه وضع‌شده را در اختیار عموم قرار می‌داد. در سال ۱۹۶۸، پخش رادیویی عمومی به زبان عربی آغاز شد و سپس زبان‌های فرانسوی، اردو و انگلیسی طی ۲۰ سال بعد از آن اضافه گردید. در سال ۱۹۷۰، تلویزیون قطر برای اولین بار برنامه پخش کرد و استقلال این کشور در سال بعد، نویددهنده تولد فضای مدرن رسانه‌های جمعی در قطر بود. اینترنت در سال ۱۹۹۶ در قطر معرفی شد؛ اگرچه در ابتدا کند بود، اما از آن زمان دسترسی تقریباً در همه‌جا وجود دارد و کل کشور قطر تحت پوشش است. در سال ۱۹۹۷، شیخ حمد کمپانی تلویزیونی

عمومی قطر را برای نظارت بر شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی دولتی این کشور تأسیس کرد. فضای رسانه‌ای قرن بیست‌ویکم قطر تا حد زیادی تحت سلطه رشد الجزیره بوده است؛ الجزیره که پس از تضمین دسترسی بی‌رقیب به مناطق جنگی در افغانستان و عراق، خود را به‌عنوان یک رسانه بین‌المللی بزرگ تثبیت کرد، یک‌هفته‌ای عرصه رسانه‌ای و قدرت نرم قطر شد. این کانال در سال ۲۰۰۶ درحالی‌که به گسترش خود ادامه می‌داد، یک سرویس انگلیسی‌زبان تأسیس کرد و توانست خود را در جهان پیش‌ازپیش مطرح سازد. هرچند محبوبیت الجزیره به‌دلیل «گزارش‌های جانب‌دارانه» در جریان انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ و فشارهای رقابتی اعمال‌شده توسط شبکه خبری «العربیه» عربستان سعودی کاهش یافت (فنک، ۲۰۲۱).

براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۶ که توسط دانشگاه نورث وسترن قطر انجام شد، تلویزیون محبوب‌ترین رسانه در این کشور است، به‌طوری‌که ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۰۰۰ ساکن قطر در مجموع مصاحبه شدند که ۵۰۴ نفر از آن‌ها قطری هستند) اظهار داشتند که تلویزیون تماشا می‌کنند. در میان این پاسخ‌دهندگان، تنها ۴۰ درصد گفتند که برنامه‌های ساخت قطر را تماشا می‌کنند. همچنین برنامه‌های تولیدشده سایر کشورهای غرب آسیا، هند و غرب به‌دلیل جمعیت قابل‌توجه مهاجران این کشور، محبوب هستند. در همین راستا طبق نظرسنجی دانشگاه نورث وسترن قطر، ۶۰ درصد از شهروندان قطری در سال ۲۰۱۶ به برنامه‌های رادیویی گوش داده‌اند که نشان می‌دهد این رسانه همچنان محبوب است. هیچ ایستگاه رادیویی خصوصی در قطر وجود ندارد و رادیو قطر زیر چتر سرویس پخش دولتی، مجموعه‌ای از رسانه‌ها را اداره می‌کند که محتوایی را به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و اردو ارائه می‌کند. نهادهای ناظر حقوق بشری خاطرنشان می‌کنند که برنامه‌های رادیویی محلی اغلب در مقایسه با رسانه‌های قطری ملی یا بین‌المللی انتقاد بیشتری از خدمات و عملیات دولتی دارند. نهایتاً تنها ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان قطری در نظرسنجی دانشگاه نورث وسترن قطر نشان دادند که در سال ۲۰۱۶ روزنامه می‌خوانند (همان).

محیط رسانه‌ای داخلی همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد، با این حال مقامات قطری اکنون منابع قابل‌توجهی را به فیلتر کردن و نظارت بر اینترنت در میان محبوبیت فزاینده رسانه‌های اجتماعی و انتشار برخط اختصاص می‌دهند. قطر فقط یک ارائه‌دهنده اینترنت دارد که دولتی است و دولت انتقادات سیاسی، احساسات ضداسلامی و مطالب مستهجن را سانسور می‌کند. محیط رسانه‌های

داخلی قطر همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند، با این حال مقامات قطری اکنون منابع قابل توجهی را به فیلتر کردن و نظارت بر اینترنت در میان محبوبیت فزاینده رسانه‌های اجتماعی و محیط‌های برخط بین مردم اختصاص می‌دهند. قطر فقط یک ارائه‌دهنده اینترنت دارد که دولتی است و دولت انتقادات سیاسی، احساسات ضداسلامی و مطالب مستهجن را سانسور می‌کند. اگرچه آزادی بیان تحت حاکمان مختلف از زمان استقلال قطر در نوسان بوده است، اما این کشور طبق آخرین آمار رتبه ۱۱۹ را در فهرست جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۲۲ گزارشگران بدون مرز دارد (دوحه نیوز، ۲۰۲۲).

قانون اساسی قطر در حوزه امنیت سایبر که در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد، آزادی بیان را با توجه به شرایطی که توسط قوانین موجود کشور تعریف شده است، تضمین می‌کند. در واقع، ضمانت قانون اساسی معنای کمی دارد؛ زیرا قوانین موجود قطر مجازات‌های سختی را برای جرائم روزنامه‌نگاری مشخص می‌نماید. قانون مطبوعات و نشریات سال ۱۹۷۹ برای افترا و انتشار محتوایی که موجب توهین به اخلاق عمومی شود، مجازات زندان تعیین کرده است. قانون مجازات قطر در سال ۲۰۰۴ بیان می‌کند که افترا می‌تواند تا دو سال حبس داشته باشد. مقامات قطری در سال ۲۰۱۱ پیش‌نویس قانون مطبوعاتی جدیدی را تهیه کردند که وعده حذف بسیاری از محدودیت‌های روزنامه‌نگاری اعمال‌شده توسط قوانین قبلی را داده بود، اما نسخه نهایی آن هنوز تصویب نشده است. در نهایت، قانون جرائم سایبری سال ۲۰۱۴ جریمه و مجازات‌های زندان را برای اعمالی مانند توزیع اخبار نادرست، نقض ارزش‌های اجتماعی یا به‌خطر انداختن امنیت دولت مشخص می‌کند. اضافه شدن قوانین جزایی سایبری قطر که در سال ۲۰۲۰ تصویب شد، برای پخش، انتشار یا بازنشر شایعات، اظهارات یا اخبار دروغ یا مغرضانه و یا تبلیغات تحریک‌آمیز سیاسی در داخل کشور، مجازات تا پنج سال حبس و جریمه نقدی تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال قطری (۲۷/۰۰۰ دلار) را در نظر گرفته است (رویترز، ۲۰۲۰).

براساس آمارهای موجود، در ژانویه ۲۰۲۳، ۲/۶۸ میلیون کاربر اینترنت در قطر با ضریب نفوذ اینترنت^۱ (تعداد جمعیت یک کشور یا منطقه که از اینترنت بهره می‌برند) که در ابتدای سال جاری ۹۹ درصد بود، تشکیل شده است. یک درصد افرادی که در ابتدای سال ۲۰۲۳ آفلاین بودند، ۲۷/۱ هزار نفر از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند. در گزارش‌ها آمده است که ۹۷/۸ درصد از کل پایگاه

1. The Internet Penetration Rate

کاربران اینترنت کشور قطر حداقل از یک پلتفرم رسانه اجتماعی در ژانویه ۲۰۲۳ استفاده کرده است. پلتفرم‌های اجتماعی برخطی که افراد ساکن قطر بیشترین بازدید را از آن‌ها داشته‌اند شامل یوتیوب با ۲/۶۲ میلیون کاربر، تیک‌تاک با ۲/۱۴ میلیون کاربر، فیس‌بوک با ۱/۹۵ میلیون کاربر، اینستاگرام با ۱/۴۰ میلیون کاربر، لینکدین با ۱/۲۰ میلیون کاربر، اکس (تویتر سابق) ۱/۰۵ میلیون کاربر و اسنپ چت با ۹۷۵ هزار کاربر می‌شوند (زایا، ۲۰۲۳).

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، قطر دارای زیرساخت‌های اینترنتی توسعه‌یافته و پیشرفته‌ای است که دسترسی ساکنان و کاربران را به خدمات اینترنت پرسرعت فراهم می‌کند. سرعت اینترنت موجود برای مشتریان خانگی می‌تواند متفاوت باشد، از طرح‌های پایه با سرعت حدود ۱۰ مگابیت در ثانیه تا طرح‌های سطح بالاتر با سرعت‌های ۱۰۰ مگابیت در ثانیه تا یک گیگابیت بر ثانیه. قیمت‌گذاری این طرح‌ها به سرعت انتخابی و سایر خدمات ارائه‌شده بستگی دارد. برای مشاغل در قطر، ارائه‌دهندگان اینترنت برنامه‌های اختصاصی اینترنتی را ارائه می‌دهند که برای پاسخگویی به نیازهای عملیات تجاری طراحی شده‌اند. برنامه‌های اینترنتی تجاری در قطر ممکن است سرعت‌هایی را از ۵۰ مگابیت در ثانیه ارائه دهند که بسته به نیاز سازمان می‌تواند تا چند صد مگابیت در ثانیه یا حتی یک گیگابیت در ثانیه برسد. قطر به دلیل داشتن زیرساخت شبکه فیبر نوری گسترده، به کشوری با سرعت اینترنت بالا شناخته می‌شود. اتصالات فیبر نوری دسترسی به اینترنت پرسرعت را فراهم می‌کنند و می‌توانند سرعتی تا چندین گیگابیت بر ثانیه ارائه دهند که در مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، برتری دارد (اکسپت، ۲۰۲۳). توسعه ارتباطات از راه دور و اینترنتی در قطر تقریباً برابر با ایالات متحده است. تحت کد کشور +۹۷۴، ۴/۳۴ میلیون اتصال اینترنتی در سال ۲۰۲۱ وجود داشته است. در این میان ۳/۸۸ میلیون تلفن همراه فعال متصل به اینترنت نیز وجود داشته که به‌طور متوسط ۱/۴ تلفن همراه برای هر نفر در قطر موجود می‌باشد. در ایالات متحده این رقم برای هر نفر ۱/۱ تلفن همراه است (ورلد دیتا، ۲۰۲۲).

همان‌طور که در قسمت قبلی ذکر شد، دولت قطر به فیلترینگ و اعمال محدودیت‌های گسترده بر رسانه‌های جمعی اعم از رسانه‌های اجتماعی و برخط اهتمام می‌ورزد اما مطابق با آمارهایی که منتشرشده، خود مردم قطر در قیاس با مردم سایر کشورهای عربی منطقه، تمایل چندانی به انتقاد از دولت و سیاست‌های آن ندارند و عملاً در بسیاری از موضوعات حامی دولت نیز هستند. براساس یک نظرسنجی جدید از رسانه‌ها، کمتر از یک نفر از هر پنج قطری فکر می‌کند مردم باید بتوانند

به‌صورت برخط از دولت انتقاد کنند. با این اوصاف، قطری‌ها در بین هم‌تایان عرب خود کمترین علاقه را به تغییرات در قوانین کنونی سایبری کشور خود دارند. شهروندان قطری کمترین علاقه را دارند که مردم باید آزادانه از دولت در اینترنت انتقاد کنند. با این حال، تنها ۳۹ درصد از قطری‌ها خواستار مقررات سختگیرانه‌تر اینترنت شدند و تنها یک‌چهارم از آن‌ها در سال ۲۰۱۷ طرفدار کنترل شدیدتر بر محتوای سیاسی برخط بودند. در همین حال، وقتی در مورد نظارت برخط از آن‌ها پرسیده شد، تنها ۱۲ درصد از قطری‌ها گفتند که نگران جاسوسی دولت هستند. یک‌سوم (۳۲ درصد) از مهاجران در قطر نیز همین را گفتند. ۲۱ درصد قطری‌ها ابراز داشتند که نگران جاسوسی شرکت‌های خصوصی از آن‌ها به‌صورت برخط هستند، اما این ارقام در مقایسه با برخی از هم‌تایان منطقه‌ای آن‌ها هنوز پایین است (مدیوم، ۲۰۱۷).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در طول پژوهش حاضر نشان داده شد، کشور قطر با سرمایه‌گذاری‌هایی که در بخش‌های مختلف کرده است، طی چند سال آتی درآمدهای خود را افزایش خواهد داد که این درآمدهای به‌دست‌آمده را ذیل نظریه مدرنیزاسیون وارد چرخه توسعه و پیشرفت می‌کند. همچنین قطری‌ها بحث توسعه میدان گازی پارس جنوبی یا شمال را سال‌هاست پیگیری می‌کنند و طبق برنامه تا سال ۲۰۲۵ این پروژه به اتمام می‌رسد که نتیجه آن افزایش تولید گاز مایع می‌باشد و متعاقب آن فروش بیشتر محصولات نفتی و گازی را برای قطری‌ها به‌دنبال خواهد داشت. این افزایش درآمد نفتی می‌تواند در کنار سایر درآمدهای غیرنفتی که دولت قطر روی آن‌ها حساب باز کرده است، منجر به تسریع روند توسعه و پیشرفت این کشور بشود. این توسعه طبیعتاً بسیاری از کشورهای دنیا را متقاعد می‌کند که به‌سمت دوحه سوق پیدا کنند و بتواند نقش بیشتری در معادلات اقتصادی-اجتماعی بین‌الملل ایفا نماید. این موضوع منجر به حضور بیشتر اقتصاد جهانی برای قطر خواهد شد.

توسعه فزاینده قطر در حوزه‌های مختلف می‌تواند به افزایش رقابت میان قطر و امارات منجر شود و نهایتاً در بسیاری از سیاست‌های منطقه‌ای میان این دو کشور واگرایی رخ دهد. همچنین در بحث معادن و ذخایر انرژی می‌بایست به این نکته اشاره کرد که قطر طی چند سال گذشته برنامه‌های توسعه‌ای زیادی همراه با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت به حوزه مذکور اختصاص داده است. از جمله می‌توان به افزایش تولید گاز مایع و استخراج بیشتر از میدان گازی پارس جنوبی یا

شمال اشاره کرد. شرکت بزرگ فرانسوی «توتال انرژی» حدود ۱/۵ میلیارد دلار در توسعه برنامه‌ریزی شده ظرفیت استخراج و تولید گاز طبیعی مایع قطر سرمایه‌گذاری خواهد کرد؛ پروژه‌ای که افزایش صادرات گاز را به اروپا در پی خواهد داشت که نتیجه آن اهمیت یافتن بیشتر قطر برای اروپا می‌باشد.

با روندی که افزایش مهاجرت به قطر تاکنون طی کرده است و همچنین رشد اقتصادی بیشتر در آینده و بیشتر شدن تعداد مهاجرین، قطر به تدریج به یک کشور بزرگ مهاجرپذیر تبدیل می‌شود که هم چالش‌هایی برای دولت و مردم و هم فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کند. از چالش‌هایی که دولت قطر با آن مواجه است، از بین رفتن سنت‌ها و فرهنگ کشور است که مهاجران در آن نقش اصلی بازی می‌کنند.

پیشنهادهای

موقعیت جغرافیایی کشور قطر نقش مهمی در تقویت روابط اقتصادی آن با کشورهای مختلف جهان دارد و در عین حال به توسعه سیستم تجارت خارجی این کشور کمک می‌کند. خط ساحلی این کشور به طول ۵۶۳ کیلومتر در سواحل غربی خلیج فارس، زیرساخت‌های حمل و نقل شبکه جاده‌ای و فرودگاه و بندر توسعه‌یافته نشان می‌دهد که دولت قطر برای پیشرفت در سطح منطقه و جهان برنامه دارد تا نهایتاً بتواند به پیوندی بین شرق و غرب، آسیا و اروپا تبدیل گردد. همچنین دولت قطر برنامه دارد کشور را به مقصدی برای گردشگری علمی و رویدادهای مهم از جمله مجمع اقتصادی قطر تبدیل کند که به ارتقای اقتصاد ملی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری نیز کمک شایانی شود. همچنین جغرافیای قطر به لطف بنادر دریایی، فرودگاه‌ها و دیگر مراکز لجستیکی، نقش مهمی در تقویت و توسعه ارتباطات تجاری آن ایفا می‌کند. به علاوه، این مزیت جغرافیایی به واسطه خطوط حمل و نقل دریایی از طریق بندر حمد که پنجره راهبردی ناوبری دریایی جهانی و دروازه قطر برای تجارت بین‌المللی محسوب می‌شود، دسترسی آسان به کشورهای مختلف جهان را فراهم می‌کند. همچنین نقش مهم فرودگاه بین‌المللی حمد که دارای رتبه پنج ستاره است و ناوگان به‌روز متعلق به «قطر ایرویز» که به پیوند قطر با جهان کمک کرده و نقش مهمی در تسریع انتقال صادرات قطر به مقاصد مختلف بین‌المللی ایفا کرده است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به حسن هم‌جواری و رابطه نزدیک با قطر می‌تواند در پیشرفت‌های قطر ذی‌نفع باشد. تمام این موارد می‌تواند طی برنامه‌ریزی و اتخاذ دیپلماسی صحیح

و اجرایی به نفع ج.ا.ایران نیز باشد. از آنجایی که ایران و قطر روابط حسنه‌ای دارند و به نوعی اتحاد راهبردی میان آن‌ها برقرار می‌باشد، فرصت‌های زیادی در قطر نیز برای بهره‌گیری ایرانیان وجود دارد. برای مثال انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه در حوزه‌های مختلف، راه‌اندازی خطوط تولیدی در قطر، متصل شدن به راه‌آهن سراسری خاورمیانه با کمک و سرمایه‌گذاری طرف قطری؛ این راه‌آهن می‌تواند از استان‌های غربی به‌ویژه خوزستان، کشور را به کویت، بحرین (در صورت افزایش روابط سیاسی)، قطر و سپس عربستان متصل کند. خطوط راه‌آهن مذکور کل منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را طبق پیشنهادات موجود کنونی، به اروپا متصل می‌کند. همچنین با توجه به رقابتی که میان قطر با امارات و عربستان وجود دارد، حتی در صورت برقراری روابط نزدیک‌تر میان آن‌ها، می‌تواند منجر به افزایش توان بازیگری سایر کشورها میان این سه کشور شود. برای مثال قطر پایگاه ایمن‌تری نسبت به امارات برای حضور نیروهای آمریکایی می‌باشد و در نتیجه قراردادهای تسلیحاتی بهتر و بیشتری ممکن است میان آمریکایی‌ها و قطری‌ها منعقد شود؛ این موضوع باعث نزدیک‌تر شدن امارات به چین، روسیه و ایران خواهد شد که نتیجه نهایی ایجاد موازنه قوا در منطقه می‌باشد که همین موضوع می‌تواند مانع تشکیل یک اتحاد مستحکم عربی در منطقه باشد. همچنین ایران و قطر می‌توانند قرارداد تسلیحاتی منعقد کنند و ایران صادرکننده تجهیزات بومی خود به دوحه باشد. همکاری در ساخت و راه‌اندازی خطوط تولیدی پتروشیمی و مواد شیمیایی، انعقاد قراردادهای مبارزه با کم‌آبی و تولید انرژی‌های پاک و معضلات زیست‌محیطی از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند دستور کار دیپلماسی کشور با قطر باشد. همچنین افزایش همکاری‌ها در میدان پارس جنوبی و انتقال گاز ایران از طریق قطر به اروپا می‌تواند راه مناسبی جهت گسترش عایدی‌های نفت و گازی ایران باشد.

فهرست منابع

الف) منابع انگلیسی

- Lipset, S. M., & Ladd Jr, E. C. (1972). The politics of American sociologists. *American Journal of Sociology*, 78 (1), 67-104.
- Mitchell, J. S., & Al-Hammadi, M. I. (2022). Nationalism and identity in Qatar after 2017: the narrative of the new National Museum. In *Reflecting on the GCC Crisis* (pp. 42-63). Routledge.
- Szczesniak, Philip A. "THE MINERAL INDUSTRIES OF." *Minerals Yearbook* (2019).
- Ynalvez, M. A., & Shrum, W. M. (2015). Science and development. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences: Second Edition*, 150.

ب) وبسایت‌ها

- <https://www.britannica.com/place/Qatar/History>
- <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=QA>
- <https://tradingeconomics.com/qatar/gdp-per-capita>
- <https://tradingeconomics.com/qatar/balance-of-trade>
- <https://www.ceicdata.com/en/qatar/general-government-revenue-and-expenditure/general-government-revenue>
- <https://www.reuters.com/business/energy/qatar-energy-reports-58-jump-annual-profit-2022-4247-billion-2023-07-18/>
- <https://www.statista.com/statistics/808890/unemployment-rate-in-qatar/>
- <https://www.statista.com/statistics/379940/qatar-gdp-distribution-across-economic-sectors/>
- <https://tradingeconomics.com/qatar/foreign-exchange-reserves>
- <https://www.arcadis.com/en/projects/middle-east/qatar/>
- <https://corp.qr.com.qa/English/Projects/Pages/LongDistance.aspx>
- <https://www.railway-technology.com/projects/doha-metro/>
- <https://www.expatica.com/qa/living/transportation/public-transport-in-qatar-74662/>
- <https://www.worldldata.info/asia/qatar/airports.php>
- <https://airportcodes.io/en/country/qatar/>
- <https://www.macrotrends.net/countries/QAT/qatar/clean-water-access-statistics>
- <https://www.statista.com/statistics/822622/qatar-healthcare-expenditures/>
- <https://www.statista.com/statistics/572829/literacy-rate-in-qatar/>

- <https://www.zawya.com/en/economy/gcc/qatar-among-top-countries-in-economic-performance-i1qh75kh>
- <https://www.heritage.org/index/country/Qatar>
- <https://www.worlddata.info/asia/qatar/economy.php>
- <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=57300>
- <https://www.worldometers.info/world-population/qatar-population/>
- <https://worldpopulationreview.com/countries/qatar-population>
- <https://www.statista.com/statistics/807127/infant-mortality-in-qatar/>
- <https://themedialine.org/life-lines/qatars-tourism-industry-thrives-post-world-cup-a-347-increase-in-arrivals-expected/>
- <https://qm.org.qa/en/visit/heritage-sites/al-zubarah/>
- <https://www.expatica.com/qa/healthcare/healthcare-basics/the-healthcare-system-in-qatar-71485/>
- <https://fanack.com/qatar/media-in-qatar/>
- <https://dohanews.co/qatar-goes-up-in-global-press-freedom-index-but-serious-concerns-remain/>
- <https://www.reuters.com/article/us-qatar-security-idUSKBN1ZJ210>
- <https://www.zawya.com/en/life/leisure-and-travel/nearly-97-of-qatar-is-on-social-media-report-jf1xrpvq>
- <https://www.expats.com/en/guide/middle-east/qatar/12093-internet-in-qatar.html>
- <https://www.statista.com/statistics/501067/number-of-mobile-cellular-subscriptions-in-qatar/>

Future Trends of the European Union in the Post-Ukraine Era

Muhaddeseh Heydari¹, Soheil Mohammadzadeh²

Received: 23-12-2022

Accepted: 06-04-2023

Abstract

The Ukraine crisis is one of the most significant conflicts in the international system and can be seen as a key variable in shaping the new global order. Given the crisis's occurrence in Europe, the European Union (EU) is undoubtedly the actor most impacted after Russia and Ukraine. This crisis has not only presented the EU with serious challenges in areas such as energy, food, and human resources but has also altered the trajectory of its future and its long-standing goal of achieving independence from the United States. This article seeks to answer the question: "Based on current evidence, what trends will the European Union face in the future?" According to the findings, nine major trends, including the intensification of food and energy crises, an increase in migration, heightened focus on investment in gas and renewable energy, and efforts to maximize military power, are projected to persist within the EU until 2035. The methodology employed in this article is trend analysis, using up-to-date documents and interviews to gather data.

Keywords: European Union, Ukraine crisis, Neoliberalism, Interdependence, Trend.

1. Corresponding Author. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran mohaddese.heidari@yahoo.com

2. M.Sc. in International Relations, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran soheilmohammadzadeh6@gmail.com

روندهای پیش روی اتحادیه اروپا در فضای پسا اوکراین

محدثه حیدری^۱، سهیل محمدزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲

چکیده

بحران اوکراین یکی از مهم‌ترین منازعات در سطح نظام بین‌الملل است و می‌توان از این بحران به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده در چینش نظم نوین جهانی یاد کرد. با توجه به وقوع بحران در جغرافیای اروپا به‌طور قطع کنشگری که بیشترین سطح از اثرپذیری را پس از روسیه و اوکراین داشته است، اتحادیه اروپا است. این بحران نه تنها در شرایط کنونی اتحادیه اروپا را در ابعاد مختلف از جمله انرژی، غذا و منابع انسانی، با چالش‌های جدی مواجه ساخته است، بلکه آینده این اتحادیه و هدف استقلال آن از آمریکا را که سال‌ها به دنبال تحققش بود نیز با تغییراتی مواجه ساخته است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که «براساس شواهد کنونی اتحادیه اروپا در آینده با چه روندهایی مواجه خواهد شد؟». براساس یافته‌ها، روند از جمله تشدید بحران غذا و انرژی، افزایش میزان مهاجرت، افزایش توجه به سرمایه‌گذاری در حوزه گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش تلاش برای پیشینه‌سازی قدرت نظامی و... مهم‌ترین روندهای آینده اتحادیه اروپا هستند که برآورد می‌شود تا ۲۰۳۵ پابرجا باشند. روش مورد استفاده در این مقاله روندپژوهی است و در راستای جمع‌آوری داده‌ها از اسناد به‌روز موجود و مصاحبه بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، بحران اوکراین، نئولیبرالیسم، وابستگی متقابل، روند.

۱. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

mohaddese.heidari@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

soheilmohamadzadeh6@gmail.com

مقدمه

پس از تحولات سال‌های اخیر در عرصه جهانی و منطقه‌ای، بحث در مورد چشم‌اندازها و مسیر آینده همگرایی اتحادیه اروپا به موضوعی داغ در میان اندیشمندان تبدیل شده است. در حالی که در آغاز هزاره، مسیر اروپا به سوی اتحادیه اقتصادی و سیاسی یک روند غیرقابل مقاومت و برگشت‌ناپذیر تلقی می‌شد که سطوح بی‌سابقه‌ای از صلح و رفاه را به همراه خواهد آورد، امروزه به نظر می‌رسد پروژه اروپا در معرض خطر قرار دارد. مشکلات طولانی‌مدت در منطقه یورو، هجوم مهاجران و پناهندگان و خروج بریتانیا از اتحادیه، نقایص، ناسازگاری و آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا را آشکار کرده است. برخی از تحلیلگران همچنان پیش‌بینی می‌کنند که منطقه یورو یا حتی کل اتحادیه اروپا در حال فروپاشی است. چارلز کوپچان^۱ با صراحت اظهار می‌دارد: «اتحادیه اروپا در حال مرگ است» (کوپچان، ۲۰۱۰). جان گیلینگام^۲، مورخ، اتحادیه اروپا را «موجودی از بین‌رفته» می‌نامد (گیلینگام، ۲۰۱۸). نایل فرگوسن^۳ می‌نویسد که شکاف به جای ترکیب، ماهیت اتحادیه اروپا را در سال‌های آینده تعریف خواهد کرد (فرگوسن، ۲۰۱۸).

رهبران اتحادیه اروپا نیز از آینده اتحادیه اروپا ابراز نگرانی کرده‌اند. در بیانیه رم (۲۰۱۷) که توسط ۲۷ رهبر کشورهای عضو اتحادیه اروپا (به‌جز بریتانیا) امضاء شد، این موضوع تصدیق شد که اتحادیه اروپا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای هم در سطح جهانی و هم در سطح داخلی، مثل درگیری‌های منطقه‌ای، تروریسم، فشارهای مهاجرت در حال رشد، حمایت‌گرایی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی» روبه‌رو است (Reuters, 2017). با این حال برخی از ناظران طرفدار همگرایی، در مورد چشم‌انداز آینده اتحادیه اروپا همچنان خوش‌بین هستند، با این استدلال که پیش‌بینی‌های فروپاشی اتحادیه اروپا مبتنی بر ارزیابی‌های بسیار ضعیفی است که از واقعیت‌ها دور است. اندرو موراوچیک^۴ آن را «ابرقدرت نامرئی^۵» جهان می‌نامد (موراوچیک، ۲۰۱۷). گای ورهوفشتات^۶، اروپای فدرال به سبک آمریکایی را «هم منطقی و هم اجتناب‌ناپذیر» می‌داند (ورهوفشتات، ۲۰۱۷). یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر اروپا تلاش رهبران اروپایی برای افزایش

-
1. Charles Kupchan
 2. John Gillingham
 3. Niall Ferguson
 4. Andrew Moravcsik
 5. invisible superpower
 6. Guy Verhofstadt

استقلال از آمریکا در زمانی بود که با اعمال فشارهای دولت ترامپ، نیاز به افزایش استقلال اتحادیه از آمریکا بیش از هر زمان دیگری احساس شد. انعقاد قرارداد نورداستریم ۲ بین آلمان و روسیه و تلاش برای ایجاد ارتش مستقل اروپایی زنگ خطر را برای مقامات آمریکایی به صدا درآورد. در نتیجه به طور هم‌زمان طرح آمریکا برای تحقق سه هدف تضعیف رقیب نظامی (روسیه)، تضعیف رقیب اقتصادی (چین) و جلوگیری از تحقق هدف استقلال متحد دیرینه (اتحادیه اروپا) به طور هم‌زمان کلید خورد و بازی اوکراین به‌عنوان یک تله راهبردی برای روسیه آغاز شد. در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ ارتش روسیه به فرمان ولادیمیر پوتین تهاجم گسترده‌ای را تحت عنوان عملیات ویژه از غرب، شمال و جنوب به اوکراین آغاز کرد. پس از این تهاجم، بسیاری از مردم اوکراین به سمت مرزهای همسایگان غربی اوکراین به‌ویژه لهستان گریختند. وقوع بحران اوکراین چالش‌های بزرگی را در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی متوجه اروپا و جهان ساخته است؛ به‌گونه‌ای که از دیدگاه برخی از کارشناسان، با وقوع این بحران جهان در آستانه آغاز جنگ جهانی سوم قرار گرفته و در شرایط حداقلی نظم جهانی^۱ مدنظر آمریکا را با تحولات جدی مواجه ساخته است. برخی از محققان نتیجه تغییرات به‌وجودآمده را افول نظم لیبرال آمریکایی و آغاز عصری تفسیر می‌کنند که در آن کشورهایی که خود را صاحب قدرت می‌دانند در پی ارائه الگویی جدید از نظم برپایه چندجانبه‌گرایی هستند. از دیدگاه برخی از کارشناسان، نظم دوقطبی با محوریت چین و روسیه به‌همراه یک بلوک اوراسیایی از یک‌سو و غرب در سوی دیگر شکل خواهد گرفت. آنچه روشن است این مسئله است که در هندسه نظم جدید، روندهای حاکم نیز تغییر خواهد یافت و شاهد ظهور اشکال جدیدی از الگوهای حکمرانی و تغییرات مهمی در چرخه‌های کلان جهانی از جمله جهانی‌سازی خواهیم بود. اتحادیه اروپا نیز همچون سایر کنشگران در فضای پسااوکراین ناچار به‌مواجهه با روندهای مهمی خواهد بود که مدیریت یا سوءمدیریت این روندها می‌تواند در تعیین سرنوشت اتحادیه اروپا نقش بارزی ایفا کند. این مقاله با استفاده از نظریه نئولیبرالیسم و روش روندپژوهی در پی پاسخ به این پرسش است که «روندهای پیش روی اتحادیه اروپا چه مواردی هستند؟».

مبانی نظری: وابستگی متقابل و نهادگرایی نئولیبرال

تجارت آزاد و رفع موانع تجاری در مرکز تئوری وابستگی متقابل مدرن است. به‌عنوان مثال، ظهور همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در اروپا از این باور الهام گرفت که با ایجاد منافع مشترک در همکاری‌های تجاری و اقتصادی میان اعضای همان منطقه جغرافیایی، احتمال درگیری بین دولت‌ها کاهش می‌یابد. این امر کشورهایمانند فرانسه و آلمان را که به‌طور سنتی اختلافات نظامی خود را حل می‌کردند، تشویق می‌کند تا برای منافع متقابل خود در یک چارچوب اقتصادی و سیاسی مورد توافق مشترک همکاری کنند و دولت‌ها در صلح و سعادت یکدیگر سهیم باشند. اتحادیه اروپا بهترین نمونه از ادغام اقتصادی است که باعث ایجاد همکاری اقتصادی و سیاسی نزدیک‌تر در منطقه‌ای شده است که از لحاظ تاریخی درگیر اختلافات ملی هستند.

همان‌طور که «میتزانی» استدلال کرد، در ابتدا همکاری بین دولت‌ها در زمینه‌های فنی حاصل می‌شود، اما پس از موفقیت می‌تواند به سایر مناطق عملکردی «جایی که دولت‌ها می‌توانند مزایای متقابل را به‌دست آورند» نیز تسری یابد (میتزانی، ۱۹۴۸، ص ص. ۳۵۰-۶۳).

لیبرالیسم و پیش‌رانی‌های اتحادیه اروپا

همان‌طور که ذکر شد لیبرال‌ها بر نقش نیرومندی که وابستگی متقابل در ساختار انگیزه‌های دولت‌ها و شکل دادن به رفتار آن‌ها دارد، تأکید می‌کنند. جریان کالاها، سرمایه، مواد اولیه و مردم به‌نفع همه کشورهای درگیر است. وابستگی متقابل همچنین می‌تواند برخی از تأثیرات آنا‌رشی را کاهش دهد. وابستگی متقابل انگیزه‌های دولت‌ها را برای حل مشکلات مشترک و تحقق منافع مشترک از طریق همکاری افزایش می‌دهد (میلنر، ۲۰۰۹). بسیاری از لیبرال‌ها همچنین بر نقشی که نهادهای بین‌المللی ایفا می‌کنند، تأکید می‌کنند. نهادها می‌توانند بر عدم قطعیت در مورد ترجیحات و اهداف دولتی که اغلب تلاش برای همکاری را تضعیف می‌کند، غلبه کنند (کوهن و مارتین، ۱۹۹۲). اما در زمان صحبت کردن در مورد آینده اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین نماد همگرایی منطقه‌ای در اقتصاد سیاسی جهانی، شاهد نوعی واگرایی بین نظریه‌پردازان لیبرال هستیم. برخی رویکرد خوش‌بینانه‌ای به آینده اتحادیه اروپا دارند، برای مثال لیبرال‌های خوش‌بین سه دلیل را برای این موضوع شناسایی می‌کنند که به تقویت و بقای احتمالی پروژه اروپا اشاره دارد: سطح بالایی از وابستگی اقتصادی، شبکه‌ای متراکم از نهادها و تعهد مشترک به اصول دموکراتیک در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا. این عناصر به‌هم‌پیوسته و متقابل تقویت می‌شوند و هرگونه

شکاف در اتحادیه را هم پرهزینه و هم دشوار می‌کند. برخی دیگر روند واگرایی و حتی فروپاشی را برای آینده اتحادیه اروپا مطرح می‌سازند. مانند لیبرال‌های بدبین که به‌عنوان یک سنت فکری در دو سطح وجود دارند. نخست، این سنتی است که براساس آنچه جودیت شکلار^۱ (لیبرالیسم ترس) نامیده است، پایه‌گذاری شده است. شکلار (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که «عمیق‌ترین پایه لیبرالیسم در ابتدا با این باور که اولین مدافعان تساهل، محصول شرایط وحشت هستند تولد پیدا کرد، این ظلم یک شر مطلق و توهین به خدا یا بشریت است». دوم، لیبرالیسم بدبینانه نشان‌دهنده نقد خود لیبرالیسم است. درک آماندا اندرسون (۲۰۱۶) برای توصیف این وضعیت از اصطلاح «لیبرالیسم تیره» استفاده می‌کند.

استدلال آن‌ها نیز براساس تأثیرات همگرایی و ادغام اقتصادی ساختار نهادی اتحادیه اروپا و پویایی سیاسی داخلی در کشورهای عضو است. این طیف از اندیشمندان مدعی هستند که نه تنها همگرایی و ادغام، نوعی درمان برای بسیاری از مشکلات اروپا نبوده بلکه خود مجموعه‌ای از چالش‌ها و مشکلات را ایجاد کرده است. استدلال این طیف از نظریه‌پردازان نشان می‌دهد مشکلاتی که در حال حاضر اتحادیه اروپا با آن روبه‌رو است و ممکن است منجر به شکاف‌های شدیدتر و طولانی‌مدت و حتی به تجزیه اتحادیه منجر شود، بر حول سه محور اساسی است که عبارت‌اند از: عوامل منفی خارجی ناشی از ادغام اقتصادی، پیچیدگی نهادی اتحادیه اروپا که خطرات و آسیب‌پذیری‌های نظام‌مند را در سراسر بلوک تولید و گسترش می‌دهد و کسری مشروعیت و دموکراتیک اتحادیه اروپا که به ظهور احزاب سیاسی پوپولیست و ضد اتحادیه اروپا مانند حزب اجتماع ملی در فرانسه، کمک کرده است. آن‌ها بر مبنای این استدلال‌ات اتحادیه اروپا را منبع مشکل می‌دانند تا راه‌حل مشکلات ملی.

روش پژوهش: روندپژوهی

در این پژوهش از روش روندپژوهی استفاده شده است. هدف اصلی روندپژوهی، تجویزهای آینده‌ساز است. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده در دیده‌بانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به حجم انبوه داده‌ها نظم، معنا و جهت می‌دهد (سلمانی و احمدیان، ۱۴۰۱).

برون‌یابی روند

در این مرحله گردآوری داده‌های تاریخی و مطابقت آن‌ها بر یک منحنی که تا آینده ادامه دارد، انجام می‌شود، تا روندهای مورد نظر استخراج شوند. این نکته شایان ذکر است که از روش گردآوری و مطالعه اسناد و کتابخانه‌ای و طوفان فکری در راستای استخراج روندها بهره گرفته شده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

تبیین روندهای بالادستی

در این مرحله پیشران‌ها از روندهای بالادستی استخراج می‌شوند. منظور از پیشران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ یعنی عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

استنباط روندهای اصلی از رویدادها و آمارهای سیستم

در این مرحله با استفاده از روش کدگذاری کیفی، داده‌های به‌دست‌آمده در گفتگوهای خبرگانی یا اسناد مقوله‌بندی و دسته‌بندی شده است (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

تحلیل کیفی روندها

در این مرحله فرض بر این است که حوادث مختلف آینده به صورت ناگهانی رخ نخواهند داد و از هم‌اکنون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی آن‌ها وجود دارد. لذا در این روش روند تغییرات را با شناخت عوامل مؤثر بر پارامتری که می‌خواهیم آینده آن را پیش‌بینی کنیم مورد بررسی قرار می‌دهیم (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

تحلیل پابرجایی روندها

در این مرحله بررسی می‌شود که روندها و کلان‌روندها تا چه زمانی پابرجا هستند (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

بررسی پیامدهای روندها

در این مرحله بررسی می‌شود که پیامدهای این روندها و کلان‌روندها چیست (اخوان کاظمی و محسنی، ۱۴۰۱).

یافته‌های پژوهشی

براساس مطالعات صورت‌گرفته و خروجی به‌دست‌آمده از جلسات طوفان فکری، از جمله مهم‌ترین روندهایی که اتحادیه اروپا در فضای پسابحران اوکراین با آن‌ها بعضاً مواجه شده و در صورت ادامه روند بحران در سطوح گسترده‌تری مواجه خواهد شد موارد زیر هستند:

تشدید بحران مواد غذایی در اروپا

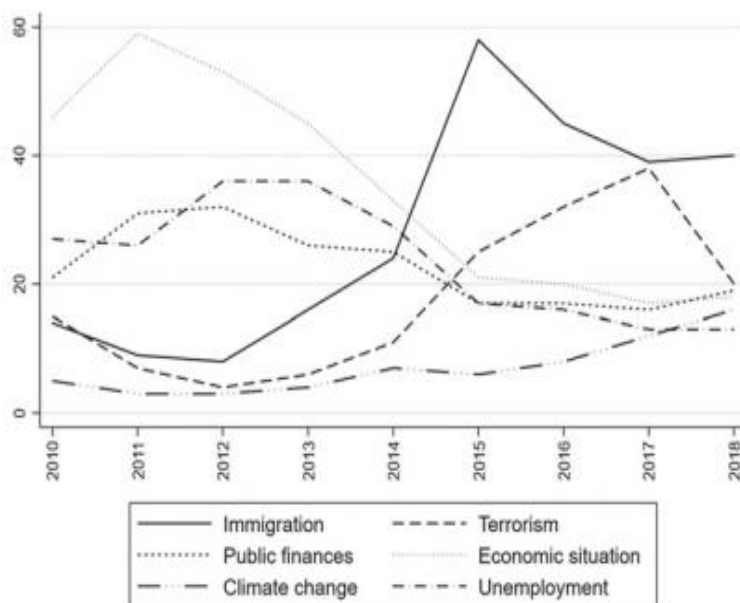
در صورت تشدید و تداوم بحران اوکراین، تشدید بحران در حوزه غذا یکی از روندهای مهم پیش روی اتحادیه اروپا است. روسیه و اوکراین با دارا بودن عمده خاک سیاه دنیا، بیشترین میزان کشت صنعتی را دارا بوده که تا پیش از جنگ، عمده نیازهای غذایی اروپا و سایر نقاط جهان را تأمین می‌کردند. با ادامه جنگ و عدم کشت و تحریم روسیه، این منبع غذایی از دسترس اروپا و جهان خارج خواهد شد. ضمن اینکه سایر کشورهای صادرکننده مواد غذایی نیز اقدام به قطع یا کاهش صادرات خواهند کرد. مشکل اساسی پیش رو کمبود و افزایش شدید قیمت مواد اولیه و انرژی است که حتی پیش از حمله روسیه به اوکراین و به دلیل کرونا، منجر به افزایش هزینه‌های حمل و نقل و انرژی شده بود و بحران اوکراین این روند را تشدید خواهد کرد. روند افزایش قیمت‌ها بر مردم کشورهای فقیرتر تأثیر بیشتری هم از بعد قیمت و هم تأمین آن خواهد گذاشت. البته از دیدگاه برخی از متخصصان، با توجه به اینکه در سال‌های اخیر برداشت جهانی غلات در بالاترین سطح خود بوده است، لذا بحران اوکراین نمی‌تواند تأثیر عمیقی بر امنیت غذایی جهان به‌جای بگذارد و به‌طور متوسط پنج درصد نوسان در بازار را منجر خواهد شد. لذا مشکل عمده‌ای که اتحادیه اروپا با آن مواجه خواهد شد، کمبود غذا نیست، زیرا ذخایر غذای دنیا بیش از حد نیاز کنونی جمعیت جهان است. اما مشکل آثار روانی و محدودیت دسترسی ناشی از محدودیت کشورها برای صادرات است که باعث نگرانی خواهد شد. اختلال در زنجیره تأمین مهم‌ترین مشکل پیش‌روست که باید سازمان جهانی غذا تدابیری برای جلوگیری از این اختلال بیندیشد (European, 2022).

افزایش میزان مهاجرت به اتحادیه اروپا

در رابطه با مسئله پناهجویان این نکته لازم به‌ذکر است که در شرایطی که اروپا هنوز نتوانسته موج پناهجویان ناشی از جنگ سوریه، افغانستان و کشورهای آفریقایی را مدیریت کند، موج پناهجویان اوکراینی آغازکننده بحران جدی‌تری در حوزه مهاجرت خواهد بود (OPORA, 2023). در نتیجه جنگ، چند میلیون اوکراینی برای حمایت موقت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا درخواست داده‌اند. سایر مهاجرت‌ها به اتحادیه اروپا نیز روبه‌افزایش است. هم تعداد درخواست‌های پناهندگی ارسال شده در اتحادیه اروپا و هم مهاجرت غیرقانونی به اتحادیه اروپا در حال افزایش است. در حال حاضر فشار مهاجرت در مسیر مدیترانه مرکزی از تونس و لیبی به ایتالیا متمرکز شده است (Ministry of the Interior Finnish, 2023). از دیدگاه متخصصان در کنار

کاهش جمعیت، عامل دیگری که به لحاظ نیروی انسانی برای اتحادیه اروپا از یک سو بحران‌آفرین و از سوی دیگر فرصت‌ساز خواهد شد، افزایش مهاجرت‌ها به اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۵۰ است. زیرا درحالی‌که در دهه ۲۰۵۰ چین، ژاپن و روسیه، به ترتیب ۳۸، ۲۰ و ۱۵ میلیون نفر کاهش جمعیت خواهند داشت، هند با ۴۰۰ میلیون نفر افزایش جمعیت مواجه خواهد شد و به‌طور هم‌زمان جمعیت آفریقا یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد داشت که این مسئله اتحادیه را با یک شوک مهاجرتی بزرگی مواجه خواهد ساخت. در بین جمعیت مهاجرین، چند میلیون نفر پناهنده آب‌وهوایی از آفریقا و خاورمیانه خواهند بود که تعداد جمعیت آفریقایی در فرانسه را در سال‌های آتی، ۱۳ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد افزایش خواهد داد (Durson, 2019, p. 5).

همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است، در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ مسئله مهاجرت مهم‌ترین مسئله در بعد اجتماعی بوده که توانسته اتحادیه را با چالش مواجه سازد.



(Lorenz, 2021, p. 60)

سرمایه‌گذاری در گاز و انرژی‌های نو

«اکسون موبایل» تخمین می‌زند تا سال ۲۰۳۵ تقاضای گاز طبیعی تقریباً به ۶۰۰ میلیارد مترمکعب برسد و «اداره اطلاعات انرژی آمریکا» (EIA) حتی رقم بالاتر ۷۱۶ میلیارد مترمکعب را

برای تقاضای گاز تا سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی می‌کند. پیش‌بینی‌های مربوط به تقاضای آینده گاز طبیعی باتوجه‌به عوامل مختلفی از جمله: نوآوری فناوری‌ها، مثلاً در فناوری «کاربرد و ذخیره کربن جداسازی‌شده» (CCUS) و اثربخشی قوانین اتحادیه اروپا، مثلاً چگونگی ایفای نقش «طرح تجارت آلاینده‌ها» (ETS) مطرح می‌شوند. همچنین تقاضا، تحت تأثیر پیش‌بینی‌های رشد اقتصادی و جهت‌گیری‌های سیاسی درباره نیروی هسته‌ای و محیط‌زیست و تغییرات قیمت کالاها نیز است. در همه موقعیت‌ها، کاهش شدید تولید بومی گاز، به معنی افزایش تقاضای واردات گاز طبیعی تا سال ۲۰۵۰ خواهد بود. این افزایش تقاضا به دلیل گرما، حمل‌ونقل و تولید نیرو اتفاق می‌افتد. قبل از جنگ اوکراین قریب به ۴۰۰ میلیارد مترمکعب خط لوله در سال، از طریق نقاط ورودی که بیشتر در شمال قرار دارند به اتحادیه اروپا متصل می‌شد. از این رقم، تقریباً ۳۰ درصد گاز از روسیه و از طریق خطوط لوله و تحت تعهدات بلندمدت در موافقت‌نامه‌های بین‌دولتی، تأمین می‌شد. برای تحقق تقاضای روبه‌رشد گاز در اتحادیه اروپا و یافتن گزینه‌هایی برای جایگزینی عرضه‌های روسیه، سه خط لوله دیگر در دهه ۲۰۰۰ شامل: نابوکو از منطقه دریای خزر، سوئ استریم از روسیه به حوزه بالکان و خط لوله فرآدریاتیک از آذربایجان مطرح شدند. فقط پروژه آخر ساخته شده است و خط لوله سوئ استریم با تورک استریم جایگزین شده است که از زیر دریای سیاه، روسیه را با ترکیه مرتبط می‌سازد.

۱۰ اولویت جدید کمیسیون اتحادیه اروپا، همچنان بر راهبرد متنوع‌سازی گاز طبیعی با اجرای «کریدور جنوبی»، توسعه منابع در مدیترانه شرقی و ارتقای سطح گاز طبیعی مایع و دسترسی به ذخیره گاز تمرکز دارد. گذشته از پروژه‌های کشورهای ثالث، پروژه‌های زیرساختی گاز همچنان از سوی اتحادیه اروپا تأمین سرمایه می‌شود که شامل تقویت شبکه انتقال بین لیتوانی و لتونی، بین بلغارستان، رومانی و اتریش، بین فنلاند و استونی، بین لهستان و دانمارک است و ظرفیت‌های جدید و افزایشی واردات گاز طبیعی مایع در لهستان، لیتوانی، کرواسی و اسپانیا را نیز در برمی‌گیرد (Mete, 2020, p. 295).

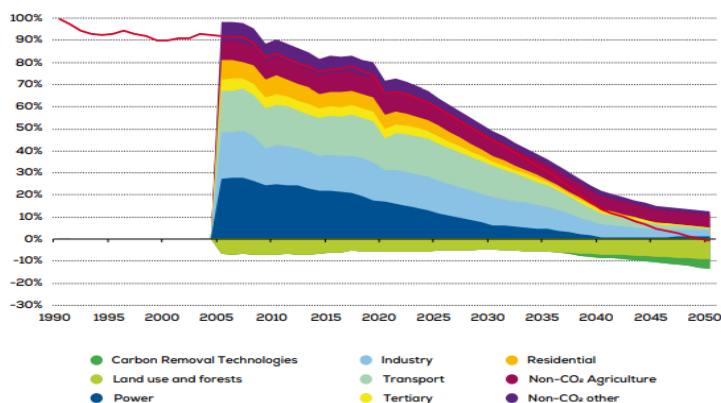
همان‌طور که ذکر شد در پنج تا ۱۰ سال آینده شاهد افزایش مصرف گاز و همین‌طور انرژی تجدیدپذیر خواهیم بود و بیشتر نیروهای تجدیدپذیر جدید (بادی و خورشیدی) و فناوری باتری در مقیاس تجاری به کار خواهند رفت. سیاست داخلی انرژی اتحادیه اروپا در نظر دارد کاهش کربن، افزایش بهره‌وری انرژی و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه ترمینال‌های اضافی

واردات گاز مایع طبیعی و گاز تجدیدپذیر را مورد توجه قرار دهد. در حال حاضر توربین‌های گاز، بهترین فناوری برای پشتیبانی از استفاده متناوب از انرژی باد و خورشید هستند؛ بنابراین از دیدگاه سران اتحادیه، احتمالاً گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر، شرکای آینده برای انتقال به یک اقتصاد کم‌کربن هستند تا قدرت و توسعه اقتصادی را به کشورهای درحال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بیاورند (Mete, 2020, p. 256). مطابق با اهداف کربن‌زدایی، اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۵۰ در تلاش است تا اقتصاد کربن صفر خالص را ایجاد کند؛ هرچند هنوز همه کشورهای عضو، قرارداد مربوط به آن را امضاء نکرده‌اند و امتناع لهستان، مجارستان و جمهوری چک از تعهد نسبت به بی‌طرفی آب‌وهوایی تا سال ۲۰۵۰ که با طرفداری آلمان از آن‌ها نیز همراه است یکی از موانع تحقق هدف مذکور است. اما نهایتاً کشورهای عضو اتحادیه چاره‌ای جز همراهی با این طرح نخواهند داشت، زیرا تحقق هدف مذکور سکوی پرشی برای تفوق اتحادیه در اقتصاد جهانی به‌شمار خواهد آمد. البته از دیدگاه متخصصان، ایجاد یک سیستم انرژی تماماً برقی در آینده و حالت ایده‌آل کاهش قابل توجه گازهای گلخانه‌ای، از نظر فنی چالش‌برانگیز است و احتمالاً تحقق آن گران تمام می‌شود؛ بنابراین گاز باید در کنار انرژی پاک نقش یک حامل ذخیره فصلی و یک حامل انرژی ارزشمند برای گرما، حمل‌ونقل و صنعت ایفا کند. به‌علاوه دستیابی به این اهداف آب‌وهوایی نیازمند کربن‌زدایی کامل عرضه انرژی در همه بخش‌ها تا سال ۲۰۵۰ است، نه فقط در بخش انرژی که دستیابی به اهداف کربن‌زدایی در آن نسبتاً ساده‌تر است (Wood, 2019, p. 12). از دیدگاه کارشناسان در جهت تسهیل مسیر دستیابی به هدف مذکور راه‌حل‌های متقاطع باید افزایش یابد و بخش‌های مختلف انرژی با یکدیگر جفت شوند تا به این اهداف دست یابند. مطمئناً مشکل امنیت عرضه، محیط‌زیست و امکان پرداخت هزینه‌ها (سه‌گانه مشکلات انرژی) چالش بزرگ سیاست‌گذاران اروپایی است (Mete, 2020, p. 317).

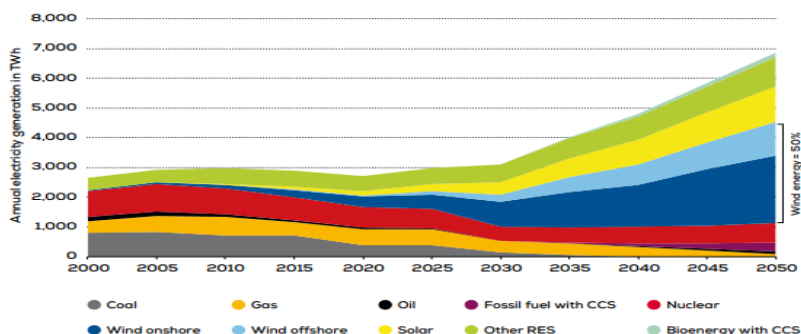
علی‌رغم اهمیت بالای دستیابی به انرژی پاک، سران اتحادیه از این امر آگاهند که در دهه‌های پیش‌رو، گاز همچنان اولویت خود را در حوزه گرمایش و مهم‌ترین صنایع حفظ خواهد کرد. این در حالی است که ذخایر گازی کشورهای عضو اتحادیه کفاف نیاز موجود را نمی‌دهد و با وقوع جنگ اوکراین و تحریم روسیه توسط غرب، اروپا با کمبود انرژی مواجه است. بنابراین در اروپا در حوزه انرژی، دو هدف تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قدرت در حوزه انرژی پاک و افزایش تسلط بر منابع گازی به‌طور هم‌زمان دنبال می‌شود. در حوزه انرژی نیز لازم به‌ذکر است که منطقه آسیای

مرکزی و قفقاز جنوبی به عنوان یکی از مهم ترین مناطق گازی جهان، بسیار مورد توجه سران اتحادیه قرار دارد. در نتیجه اتحادیه خود را ملزم ساخته تا ۲۰۵۰ بر بخش بزرگی از منابع گازی کشورهای قفقاز جنوبی، خاورمیانه و ... مسلط گردد.

نمودار زیر که توسط مرکز فناوری و نوآوری اتحادیه اروپا منتشر شده است، گویای برنامه اتحادیه برای کاهش گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف است. تحقق کربن‌زدایی کامل تا ۲۰۵۰ نیازمند کاهش ۳/۵ گیگاتن CO₂ است که در هر سال منتشر می‌شود.



نمودار برنامه اتحادیه اروپا برای کربن‌زدایی تا ۲۰۵۰ (WindEroupe, 2021, p. 12)



نمودار کاربرد انواع انرژی توسط اتحادیه در ۲۰۵۰

افزایش بودجه نظامی و اهمیت قدرت نظامی در کشورهای اروپایی

پس از شکل‌گیری اتحادیه اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه به سمت همگرایی گام برداشتند و این باعث شد که به مرور زمان تقویت نیروی نظامی از اولویت‌های آن‌ها خارج شود. اما با شروع

جنگ روسیه علیه اوکراین، بحث‌ها در مورد نیاز به بازنگری ساختار امنیتی اروپا و تصمیم‌گیری مستقل توسط اروپا را احیا کرد. اروپایی‌ها پس از تهاجم روسیه به اوکراین و هراس ناشی از گسترش احتمالی این تهاجم به سمت اروپا به‌ویژه اروپای شرقی، به سرعت تصمیم به افزایش بودجه نظامی و به تبع آن خریدهای تسلیحاتی و تجهیزاتی بیشتر و تقویت یگان‌ها و سامانه‌های دفاعی برای مقابله با تهدیدات احتمالی از سوی روسیه گرفتند (Simón, 2023). بر اثر تحولات اوکراین، اتحادیه اروپا ظرف چند هفته به اندازه ۳۰ سال مسیر همگرایی نظامی را طی کرد. در طول سال ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا چندین تدابیر حیاتی برای تقویت خود به‌عنوان یک بازیگر امنیتی اتخاذ کرد که عبارتند از:

اول، قطب‌نمای راهبردی برای امنیت و دفاع را منتشر کرد که شامل ایجاد یک نیروی واکنش سریع ۵۰۰۰ نفری است. در مقدمه سند آمده است:

«بازگشت جنگ به اروپا، با تجاوز غیرقابل توجیه و بی‌دلیل روسیه علیه اوکراین، در کنار تغییرات ژئوپلیتیک عمده، قابلیت ما برای ترویج دیدگاه‌ها و دفاع از منافعمان را به‌چالش کشیده است. هدف از تدوین قطب‌نمای راهبردی، جهت‌دهی به فعالیت‌های اتحادیه اروپا در حوزه امنیت و دفاع در بازه زمانی ۱۰ سال آینده است» (The Diplomatic Service of the European Union, 2021). این سند در ابتدا محیط امنیتی بین‌المللی را به‌لحاظ راهبردی ارزیابی و تهدیدات عمده را شناسایی می‌کند. سند حول چهار هدف عمده شراکت علیه تهدیدات مشترک، سرمایه‌گذاری روی قابلیت‌ها و فناوری‌های مدرن، اقدام سریع و قاطع در زمان بحران و ایجاد امنیت علیه تهدیدات و حفاظت از شهروندان اتحادیه ابتکاراتی را احصاء می‌کند. برخی از مهم‌ترین ابتکارات مطرحه عبارتند از: ایجاد ظرفیت واکنش سریع اتحادیه اروپا با توان ۵۰۰۰ نفر؛ تمرکز بر توسعه مشترک تجهیزات؛ ترغیب اعضای اتحادیه به سرمایه‌گذاری مشترک در قالب پروژه‌های جمعی؛ ایجاد هاب نوآوری دفاعی در آژانس دفاعی اروپا؛ انجام تمرینات و مانورهای منظم برای تقویت کمک‌های متقابل در مقابله با تجاوزات مسلحانه؛ ارائه نسخه بازنگری‌شده ارزیابی تهدیدات اتحادیه تا پایان سال ۲۰۲۲؛ تدوین راهبرد فضایی جدید اتحادیه؛ تقویت مرکز ماهواره‌ای اتحادیه اروپا برای ارتقای ظرفیت عملیات تجسس اتحادیه و تمرکز بر حوزه‌های راهبردی نظیر آب‌های آزاد، فضای ماورای جو، فضای سایبر و هوا (که در هر مورد اقدامات متعددی نیز تعیین شده است). آنچه این سند را از شمار زیاد اسناد و راهبردهای تدوین‌شده در اتحادیه اروپا متمایز می‌کند، نه در اهداف

ذکرشده در سند، بلکه در نتیجه‌گرا بودن، ملموس بودن و اقدام‌محور بودن آن است (The Diplomatic Service of the European Union).

دوم، اتحادیه اروپا اعلامیه مشترک در مورد شکاف‌های سرمایه‌گذاری دفاعی را به تصویب رساند که خواستار افزایش هزینه‌های دفاعی در بودجه کشورها بود. بر این اساس همچنین یک کارگروه ویژه تدارکات مشترک دفاعی، برای حمایت، تسهیل هماهنگی، رفع تضاد و نیازهای کوتاه‌مدت تدارکات مشترک کشورهای عضو ایجاد شد.

سوم، اتحادیه اروپا تصمیم گرفت که «شورای مأموریت کمک نظامی اتحادیه اروپا در حمایت از اوکراین» را برای حمایت و آموزش نیروهای مسلح اوکراین راه‌اندازی کند.

در سطح ملی نیز چندین کشور عضو، متعهد به افزایش بودجه دفاعی خود شدند. به‌عنوان مثال کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان، رومانی و لتونی بودجه دفاعی خود را سه درصد افزایش دادند. از طرفی دیگر کشورهای بی‌طرف مانند ایرلند نیز اعلام کردند که قصد افزایش بودجه دفاعی خود را دارند. علاوه بر این آلمان برخی از سیاست‌های کلیدی، از جمله عدم انتقال سلاح‌های کشنده به جنگ را لغو کرد (Dutta, 2023).

با توجه به موارد بالا می‌توان به این نتیجه رسید که حتی بعد از پایان جنگ روسیه و اوکراین، اروپا همچنان توجه ویژه‌ای به قدرت نظامی و دفاعی خود خواهد داشت.

تقویت و تحکیم جایگاه ناتو در سطح جهانی ضمن تداوم وابستگی اروپا به آمریکا

با مروری بر بحران اوکراین از سال ۲۰۱۴ و اکنون جنگ اوکراین می‌توان دریافت که کشوری که بیشترین نفع را از این بحران می‌برد، آمریکاست؛ زیرا پیش از این درگیری، از زمان ترامپ، آمریکا و اروپا در حوزه نظامی به مشکل برخورد کرده بودند و تمایل کشورهای اروپایی به حفظ ساختار ناتو برای آن‌ها کاهش یافته بود و حتی به فکر تشکیل ارتش اروپایی جدا از ناتو بودند. از سوی دیگر، آلمان با اتکای به گاز روسیه در حال پیشرفت و فاصله گرفتن بیش از پیش از آمریکا بود. لیکن این جنگ همه چیز را تغییر داد:

- ساختار ناتو که به گفته برخی از کارشناسان احتمال منحل شدنش در آینده وجود داشت، تقویت شده و خواهد شد؛
- فنلاند به ناتو پیوست و کشورهای جدیدی مانند سوئد نیز برای عضویت در آن درخواست داده و خواهند داد؛

- آمریکا تسلیحات روسی را از ساختار کشورهای اروپای شرقی حذف خواهد کرد و قراردادهای تسلیحاتی جدید با آنها منعقد خواهد ساخت؛
- آمریکا، آلمان و بقیه کشورهای اروپایی را از روسیه دور ساخت و از همه مهم‌تر گاز مایع را جایگزین گاز روسیه کرد و نظام جدید انرژی را تبیین کرد؛
- جنگ اوکراین باعث متحدشدن و افزایش همگرایی کشورهای اروپایی شد؛
- فرسایشی کردن جنگ به سود آمریکا خواهد بود؛
- اروپا در حوزه نظامی و امنیتی، وابستگی بیشتری به آمریکا پیدا کرد؛
- تحریم اقتصادی گسترده علیه روسیه تصویب شد؛
- نقش روسیه به مرور در اقتصاد جهانی کاهش پیدا می‌کند؛
- مشغول‌سازی روسیه در اوکراین باعث می‌شود که حوزه مانور آمریکا در حوزه نزدیک روسیه مانند قفقاز و آسیای مرکزی گسترده‌تر شود.

همه موارد فوق یک نتیجه کلی خواهند داشت و آن‌هم تقویت و تحکیم ساختار ناتو با محوریت ایالات متحده آمریکا خواهد بود. به نظر می‌رسد با بحران اوکراین آمریکا توانست بقای ناتو را به‌عنوان یک ساختار لازم برای حفظ امنیت جهانی تضمین کند (Simón, 2023). در واقع آمریکا با نشان دادن روسیه به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اروپا توانست جبهه غرب را متحد کند.

افزایش مناقشه در منطقه بالکان

کشورهای این منطقه به‌دلیل موقعیت راهبردی در قلب اروپا و احاطه شدن توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در صورت عضویت در اتحادیه منافع اقتصادی و راهبردی خاصی را برای این سازمان و کشورهای عضو تأمین خواهند کرد. مردم این منطقه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا میراث و مسیر مشترکی در تاریخ دارند و آینده خود را بر پایه فرصت‌ها و چالش‌های مشترک بنا کرده‌اند و اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشورها و منبع اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مقصد اصلی مهاجرت مردم کشورهای مذکور است. به‌علاوه این منطقه کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت بین ناحیه جنوب-شرق اتحادیه اروپا (یونان، بلغارستان و رومانی) و کشورهای اروپای مرکزی (مجارستان، کرواسی، اسلوانی و اتریش) است که در طول بحران پناهندگان در ۲۰۱۵-۲۰۱۶ اهمیت ویژه‌ای یافت. به‌علاوه اتحادیه اروپا منافع زیادی در کشورهای حوزه بالکان دارد و به‌همین دلیل از ۲۰۰۳ تاکنون از یکپارچگی آنها حمایت می‌کند.

با این وجود پس از ۱۵ سال، این کشورها به دلیل مسائل حل نشده از دهه ۱۹۹۰، سرعت کند اجرای اصلاحات مورد نیاز مطابق با «معیارهای پذیرش کپنهاگ» و انفجار بحران‌های بدهی مالی و اروپایی، همچنان در فهرست انتظار عضویت در اتحادیه اروپا باقی مانده‌اند. تأخیر در توسعه کشورهای حوزه بالکان، یک خلاء ژئوپلیتیکی ایجاد کرده و نگرانی‌هایی را در سران اتحادیه در رابطه با احتمال بی‌ثباتی در منطقه به وجود آورده است. بازیگران خارجی نظیر روسیه، چین و ترکیه نیز در حال بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در راستای تقویت جایگاه خود در اقتصاد این منطقه هستند و به نوعی در تلاش هستند تا مانع از تسلط کشورهای عضو اتحادیه در اقتصاد این منطقه شوند. به نوعی می‌توان اذعان داشت که بالکان غربی به عنوان یک فرصت نفوذ به اقتصاد اروپا ارزیابی شده است. اکنون به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران اروپایی خطر از دست دادن حوزه بالکان را که به شکل سنتی به اروپا تعلق دارد درک کرده‌اند. به طوری که «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا در این باره بیان داشت: «اگر اتحادیه اروپا در ثبات و شکوفایی حوزه بالکان سرمایه‌گذاری کند، در امنیت و آینده اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری کرده است». در نتیجه کمیسیون اروپا در ۲۰۱۸ تحت فشار برگزیت، راهبرد جدیدی برای پذیرش کشورهای حوزه بالکان تا تاریخ ۲۰۲۵ اعلام کرد. لازم به ذکر است که کشورهای حوزه بالکان از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از هم‌تایان خود در ۱۱ کشور عضو اتحادیه (کشورهای عضو اتحادیه اروپا در شرق اروپا: بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی و اسلونی) و دیگر مناطق دارای بازار نوظهور عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته‌اند (Vlachos, 2019, p. 235).

در مجموع، پذیرش کشورهای منطقه در اتحادیه اروپا فرصتی برای احیای اعتماد سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند و هر قدر این منطقه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری دریافت کند، ظرفیت صادرات و افزایش زنجیره ارزش آن بیشتر می‌شود. سپس همگرایی درآمد سرانه این کشورها با کشورهای عضو اتحادیه اروپا سبب ارتقای جایگاه اقتصادی اتحادیه خواهد شد و فرصت مناسبی برای توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی اتحادیه فراهم خواهد ساخت (Vlachos, 2019). اما با این حال منطقه بالکان یکی از حوزه‌های بحران‌خیز در اروپاست که در صورت تداوم جنگ اوکراین با خطرات جدی مواجه خواهد شد. متخصصان بوسنی معتقدند در صورت سقوط اوکراین، کشور آن‌ها آسیب‌پذیرترین نقطه در بالکان غربی خواهد بود. صربستان به همراه بلاروس

تنها کشورهای اروپایی هستند که تاکنون تحریمی علیه روسیه اعمال نکرده‌اند. صربستان و روسیه منافع حیاتی اقتصادی و سیاسی مشترکی دارند. خط هوایی ایرصربیا از زمان آغاز جنگ اوکراین، پروازهای خود از بلگراد به مسکو را افزایش داده است. روسیه نه تنها با توی خود در مورد به رسمیت شناختن کوزوو از صربستان حمایت دیپلماتیک می‌کند، بلکه یک شریک مهم انرژی برای بلگراد است. زیرا تقریباً ۹۰ درصد از گاز موردنیاز صربستان از طریق روسیه تأمین می‌شود. الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور صربستان متحد سرسخت پوتین و شی‌جین‌پینگ است و از زمان آغاز جنگ در خط باریکی بین شرق و غرب قدم برداشته است (Hoxhaj, 2022). البته بعید است مسکو بخواهد جبهه جدیدی را در بوسنی یا صربستان باز کند؛ اما تحریک صرب‌های حامی روسیه و یا حمایت از احزاب دوست در صربستان، مونته‌نگرو و مقدونیه شمالی به منظور تشدید تنش‌ها ممکن است. در مجموع همه واکنش‌های کشورهای منطقه بالکان گویای نگرانی سران این کشورها از پیامدهای بحران اوکراین برای کشورهای منطقه بالکان است. زیرا قطعاً در صورت شکست اوکراین سطح آسیب‌پذیری این کشورها در برابر بحران دوچندان خواهد شد.

قدرت گرفتن کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی جنگ روسیه در اوکراین، ظهور بازیگرانی است که خارج از دوگانگی غرب و روسیه طرفدار درگیری هستند، اما در شکل‌دهی مسیر آن تأثیرگذار هستند. یک گروه از بازیگرانی که خارج از شکاف غرب و روسیه قرار دارند، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس هستند که شامل عربستان سعودی، امارات عربی متحده، قطر، کویت، بحرین و عمان است. اگرچه آن‌ها با قدرت‌های غربی مانند ایالات متحده، متحد هستند، اما تمایلی به همراهی کامل با اقدامات ضد روسی ندارند. اگرچه کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس از نظر اندازه و جمعیت بسیار کوچک هستند، اما بر پویایی‌های کلیدی جنگ در اوکراین تأثیر گذاشته‌اند. کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس وظایف مهمی را در ارتباط با هردوی این تلاش‌های غربی انجام داده‌اند. از نظر تنوع انرژی، اروپا در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۲ نفت بیشتری از عربستان سعودی، امارات عربی متحده و کویت در مقایسه با مدت مشابه سال قبل وارد کرد (در مورد عربستان سعودی و امارات، بیش از مجموع سه سال قبل). جریان گاز طبیعی از خلیج‌فارس به اروپا نیز افزایش یافته است. قطر دومین تأمین‌کننده بزرگ گاز طبیعی مایع (ال ان جی) اتحادیه اروپا (پس از ایالات متحده) در سال گذشته بود و در سال اول ۱۶ درصد از عرضه LNG خود را

به بلوک اروپایی تحویل داد. شرکت دولتی قطر انرژی در نوامبر ۲۰۲۲ قراردادی ۱۵ ساله با آلمان برای تأمین دو میلیون تن LNG در سال تا سال ۲۰۲۶ امضا کرد که روابط بلندمدت بین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده LNG خلیج فارس و بزرگ‌ترین شرکت اروپا را تقویت کرد. با این حال، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به طور کامل در راستای راهبرد انرژی غرب قرار نگرفته‌اند. کشورهای حوزه خلیج فارس از زمان آغاز درگیری‌ها در واقع واردات نفت روسیه را افزایش داده‌اند و از نفت ارزان‌تر روسیه برای مصارف داخلی استفاده می‌کنند و در عین حال صادرات نفت خود را به اروپا افزایش می‌دهند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس همچنین در برابر بیگانگی مسکو از اوپک پلاس مقاومت کرده‌اند. آن‌ها معمولاً برای هماهنگ کردن کاهش و گسترش عرضه نفت باهم کار می‌کنند. این وضعیت حتی پس از حمله روسیه به اوکراین، مانند تصمیم کشورهای اوپک پلاس در اکتبر ۲۰۲۲ برای کاهش تولید برخلاف میل دولت بایدن، همچنان ادامه دارد. کشورهای حاشیه خلیج فارس از اهمیت روسیه در بازارهای جهانی نفت و از اتحاد در اوپک پلاس حمایت کرده‌اند. علی‌رغم کاهش تولید نفت روسیه به دلیل تحریم‌ها و کاهش عرضه به اروپا، روسیه همچنان دومین تولیدکننده بزرگ نفت در اوپک پلاس است و اعضای این بلوک نیاز به همکاری مسکو برای تثبیت قیمت‌ها در صورت نوسانات قیمت نفت در آینده را محاسبه می‌کنند (Chausovsky, 2023).

ظهور واگرایی پنهان بین اعضای اتحادیه اروپا

اگرچه همان‌طور که قبل‌تر به آن اشاره شد، اتحادیه اروپا در بسیاری از زمینه‌ها همگرایی نشان داده است، اما واگرایی‌های ظرفی بین کشورهای عضو اتحادیه وجود دارد. این اختلافات تصمیم‌گیری در داخل اتحادیه را مختل نکرده است اما در بلندمدت می‌تواند عواقبی برای اروپا داشته باشد.

درگیری در اوکراین تفاوت اساسی در روابط بین اروپای غربی و شرقی در مورد روسیه و تصورات تهدیدشده از آن‌ها را آشکار کرده است. از زمان شروع جنگ، لهستان، جمهوری چک و کشورهای بالتیک فعال‌ترین کشورهای اتحادیه اروپا در حمایت از اوکراین (به‌عنوان مثال، در کمک نظامی و پذیرش پناهندگان) بوده‌اند. میراث اشغال آن‌ها در زمان شوروی به درک آن‌ها از وضعیت اوکراین و آنچه این کشور در تلاش برای دستیابی است، اطلاع می‌دهد. علاوه بر این، این کشورها از مدت‌ها قبل به اروپای غربی، به‌ویژه فرانسه و آلمان، نسبت به عواقب اتکای بیش‌ازحد به منابع انرژی روسیه و نگرستن به منطقه از دریچه روسیه، هشدار داده بودند. آن‌ها از کشورهای

اروپای غربی که مسیر مماشات تجاری و سیاسی مسکو را در پیش گرفته بودند، انتقاد کرده‌اند. فرانسه و آلمان علی‌رغم حمایت خود از اوکراین، سیگنال‌های متفاوتی را به روسیه ارسال کرده‌اند، که به نظر می‌رسد بین حفظ روابط با مسکو و حفظ وحدت بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا دچار مشکل شده‌اند. این واگرایی‌ها همچنین ناشی از برداشت‌های متفاوت و تهدید به دلیل تجارب مختلف تاریخی و نزدیکی جغرافیایی است. برای اروپای غربی، هرگونه در نظر گرفتن معماری امنیتی، روسیه را به‌نوعی درگیر خواهد کرد؛ درحالی‌که برای اروپای شرقی امنیت به معنای دفاع از خود در برابر مداخله احتمالی روسیه است. برای کشورهای اروپای شرقی، تجربه مربوط آن‌ها از حاکمیت شوروی نحوه نگرش و شکل دادن به واکنش خود را نسبت به درگیری کنونی نشان می‌دهد. این همچنین توضیح می‌دهد که چرا آن‌ها برای نقش بیشتر ناتو و ایالات متحده در درگیری فشار آورده‌اند. هنگامی که درگیری پایان یابد، این اختلافات ایجاد یک سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی قوی را برای اتحادیه اروپا دشوار خواهد کرد. برخلاف آلمان و فرانسه، اروپای شرقی روسیه را برای ثبات اروپا ضروری نمی‌داند، بلکه آن را یک تهدید می‌داند. برای اروپای شرقی، این درگیری در مورد ترسیم مجدد نقشه اروپای پس از جنگ سرد است. این امر چشم‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت اتحادیه اروپا را نسبت به روسیه پیچیده می‌کند. کشورهای اروپای شرقی سیاست کوتاه‌مدت اتحادیه اروپا در زمینه تحریم و کمک به اوکراین را تقویت کرده‌اند، اما آیا این روند در بلندمدت ادامه خواهد یافت. آینده روابط با روسیه در اروپای پس از جنگ، نوع ساختار امنیتی اروپا و اینکه روسیه در صورت وجود، چه جایگاهی در آن خواهد داشت و میزان باری که هر کشور عضو، می‌تواند برای بازسازی در اوکراین متحمل شود؛ مواردی است که اعضای اتحادیه اروپا باید در مورد آن‌ها به اتفاق نظر برسند (Dutta, 2023).

درباره اعمال تحریم‌ها بر واردات نفت خام از روسیه نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. کشورهایمانند بلغارستان، مجارستان، جمهوری چک و اسلواکی اعلام کرده‌اند که با توجه به وابستگی آن‌ها، جدول پیشنهادی کمیسیون اروپا برای حذف تدریجی منابع روسیه تا پایان سال ۲۰۲۲ تأثیر منفی بر اقتصاد آن‌ها خواهد داشت. به‌عنوان مثال ویکتور اوبان، نخست‌وزیر مجارستان، گفت این تحریم‌ها «اثر یک بمب هسته‌ای» بر اقتصاد مجارستان خواهد داشت و استدلال کرد که چنین اقداماتی بیش از روسیه به اروپا آسیب می‌زند (Tidey, 2022). با توجه به موضعی که دولت مجارستان اتخاذ کرده است، در بین کشورهای مجارستان، اسلواکی، لهستان و

جمهوری چک، شکاف‌هایی پدید آمده است. برای مثال لهستان و مجارستان که زمانی متحدان نزدیک یکدیگر بودند، اکنون مسیرهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. ورشو اکنون یکی از قوی‌ترین متحدان و حامیان کی‌یف است و از اهداف بوداپست برای حفظ روابط خوب با مسکو و مخالفت آن با برخی از تحریم‌های اتحادیه اروپا، انتقاد کرده است (Dutta, 2023).

اگرچه تهاجم روسیه به اوکراین باعث حمایت تمام و کمال کشورهای اتحادیه اروپا از اوکراین شده است؛ اما با بررسی آمار ارسال تسلیحات می‌توان به این نتیجه رسید که تفاوت قابل توجهی بین ادعا و واقعیت وجود دارد. اکثر تسلیحات ارسال‌شده به اوکراین توسط بریتانیا، لهستان و ایالات متحده تأمین شده است. این موارد نشان می‌دهد که برخی از کشورها در تعهدات خود در حمایت تسلیحاتی از اوکراین کوتاهی کرده‌اند. مهم‌ترین کسری در بین تعهدات و تحویل تسلیحات مربوط به کشورهای غربی از جمله آلمان است. در فوریه ۲۰۲۲ اولاف شولز، صدراعظم آلمان، متعهد شد از اوکراین حمایت کند و سیاست عدم ارائه سلاح‌های مرگبار به مناطق جنگی را لغو کند، اما از آن زمان بر سر ارائه تسلیحات سنگین به اوکراین دچار نوسان شده است و در عین حال تأکید کرده است که «آلمان به تنهایی پیش نخواهد رفت» (Reuters, 2023).

تشدید بحران هویت و افزایش احتمال قدرت‌گیری احزاب یوروسپتیک

گسترش تروریسم، افزایش مهاجرت‌ها به اتحادیه و همین‌طور فعالیت‌های احزاب راست افراطی در کنار ظهور بحران کووید ۱۹ و حجم بالای خسارات وارده به اتحادیه اروپا و در نهایت جنگ اوکراین سبب تشدید بحران هویت در اتحادیه اروپا شده است. تشدید بحران هویت، تشدید رقابت سه روایت دموکراسی، اقتدارگرایی و پوپولیسم را به دنبال دارد که هر یک از این سه گفتمان می‌کوشد تا برتری خود را در مقایسه با سایر گفتمان‌ها به اثبات رساند. نکته مهم اینکه تسلط هر یک از دو گفتمان اقتدارگرایی و پوپولیسم و در عین حال، ترویج اندیشه‌های ملی‌گرایانه، کاملاً در تضاد با اصول مبنایی شکل‌دهنده به اتحادیه اروپا است. احزاب و گروه‌های پوپولیستی خود را صدای مردم و اکثریت خاموش می‌دانند و احزاب حاکم را به خاطر ورود مهاجران و تبعات نامطلوب آن‌ها متهم می‌سازند و با دفاع از ارزش‌ها و هویت ملی جایگاه قابل توجهی برای خود در بین مردم ایجاد کرده‌اند. به‌طور کلی پیروان این گفتمان‌گرایش ناسیونالیستی دارند و علاقه‌مند به ترویج ارزش‌های مسیحی و اعمال محدودیت در امر مهاجرت هستند. ظهور این احزاب و افزایش بی‌اعتمادی به اتحادیه اروپا مهم‌ترین ثمره پیش‌ران تشدید بحران هویت است که براساس دیدگاه

برخی از خبرگان می‌تواند در دورنمای ۲۰۵۰ برای بقای اتحادیه تهدیدکننده باشد.

طی سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا شاهد افزایش حمایت از احزاب سیاسی پوپولیست، ملی‌گرا و ضد تشکیل اتحادیه بوده‌اند. این احزاب غالباً «یوروسپتیک» خوانده می‌شوند، زیرا نگرانی‌هایی مبنی بر تسلیم شدن بیش‌ازحد حاکمیت ملی به بروکسل دارند. اگرچه ظهور این پدیده امر جدیدی در اتحادیه اروپا نیست، اما حمایت از چنین احزابی عمدتاً در پاسخ به مشکلات اقتصادی اروپا، اقدامات ریاضتی و بحران منطقه یورو آغاز شد. برای برخی از رأی‌دهندگان، چگونگی کنترل بروکسل در بحران منطقه یورو دغدغه‌های دیرینه در مورد وضعیت دموکراسی در اتحادیه اروپا را مبنی بر اینکه شهروندان عادی در تصمیم‌گیری‌های گرفته‌شده در بروکسل جایگاه چندانی ندارند، تشدید کرد. به‌نظر می‌رسد در دهه آتی نیز افزایش ترس هجوم بخش قابل‌توجهی از مهاجران و پناهندگان در اروپا، باعث افزایش تمایل برای احزاب پوپولیست و یوروسپتیک شود. ترس از جهانی‌شدن و از بین رفتن هویت اروپایی نیز از عوامل رشد حمایت از چنین احزابی است. باید توجه داشت احزاب پوپولیست و یوروسپتیک یکپارچه نیستند. اگر آن‌ها را به‌مثابه یک طیف در نظر بگیریم، اکثر آن‌ها در منتهی‌الیه راست طیف سیاسی قرار می‌گیرند و تعداد کمی از آن‌ها در سمت چپ هستند. درجه بدبینی نیز در بین آن‌ها بسیار متفاوت است و آن‌ها دیدگاه‌های مختلفی درباره آینده اتحادیه اروپا دارند. درحالی‌که برخی طرفدار اصلاحات در اتحادیه اروپا هستند، برخی دیگر خواستار پایان منطقه یورو یا حتی خود اتحادیه اروپا هستند.

اتریش، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایتالیا، هلند، لهستان، اسپانیا و سوئد از جمله کشورهای اتحادیه اروپا هستند که دارای احزاب پوپولیست و حداقل تا حدودی احزاب یوروسپتیک هستند. این احزاب، احزاب طرفدار اروپا را به چالش می‌کشند و رهبران جریان اصلی را تحت فشار قرار می‌دهند تا خواسته‌های احزاب یوروسپتیک را بپذیرند. به‌عنوان مثال تصمیم دولت انگلیس برای برگزاری همه‌پرسی عمومی در ژوئن ۲۰۱۶ در مورد ادامه عضویت در اتحادیه اروپا عمدتاً تحت فشار احزاب تندرو شک‌گرا، چه در داخل و چه در خارج از حزب محافظه‌کار حاکم بود. درعین‌حال، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اکثر شهروندان اتحادیه اروپا همچنان از اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند.

در پی بروز بحران کرونا فرصت خوبی برای این احزاب فراهم شد و احزاب راست افراطی یعنی جبهه ملی فرانسه به رهبری مارین لوپن، حزب آزادی هلند، لگا‌نورد در ایتالیا و حزب

آزادی اتریش، فرصت را برای دستیابی به قدرت حاکم غنیمت شمرده و دائماً در حال نشر اطلاعاتی در رابطه با ناکارآمدی اتحادیه اروپا و احزاب حاکم در دولت‌های عضو اتحادیه هستند. علاوه بر تلاش در راستای تضعیف احزاب حاکم، از آنجایی که این احزاب انگشت اتهام را به سمت جهانی شدن می‌برند و بیگانگان را به عنوان مقصر اصلی انتشار این ویروس سرزنش می‌کنند؛ سخت‌تر کردن کنترل مرزی را در دستور کار قرار داده و از این فرصت برای افزایش خصومت در برابر امر مهاجرت استفاده می‌کنند (Borrell, 2020, p. 12).

نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به نظریه وابستگی متقابل و بررسی دیدگاه‌های لیبرالیسم، در چارچوب روش‌شناسی روندپژوهی با استفاده از مرور اسنادی، توفان فکری و برگزاری نشست خبرگان به موضوع روندها و چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا در فضای پس از جنگ اوکراین پرداخته شد. در مجموع بحران اوکراین را می‌توان یک پیشران بسیار مهم و تحول‌ساز تفسیر کرد که قادر است تغییرات مهمی در سیاست‌های آینده اتحادیه اروپا ایجاد کند. بحران اوکراین می‌تواند ابعاد مختلف قدرت اتحادیه اروپا را با چالش مواجه سازد که شامل ابعاد اقتصادی، انرژی، نظامی و سیاسی می‌شود. به عبارتی این بحران، بازی را در سطح جهانی تا مدتی تغییر خواهد داد. همان‌طور که در طی تاریخ شاهد بودیم همواره عبور از یک نظم جهانی به نظم جایگزین با آغاز یک جنگ همراه بوده است. در نتیجه می‌توان جنگ اوکراین را کاتالیزوری تفسیر کرد که نظم نوین و در نتیجه بستر جدیدی را خلق خواهد کرد که اتحادیه اروپا باید در این بستر جدید به ایفای نقش پردازد و روندهای پیش‌رو را به‌درستی مدیریت کند. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه جنگ اوکراین باعث متحد شدن کشورهای غربی به‌ویژه اتحادیه اروپا شده است، اما با گذشت زمان اختلاف‌ها در بین اعضای آن در مورد حمایت از اوکراین و مقابله با روسیه ظهور خواهد کرد، چراکه ممکن است در بین حمایت از اوکراین و تأمین منافع ملی‌شان، تضاد ایجاد شود و کشورهای اروپایی مجبور به انتخاب یکی از آن‌ها شوند. البته این به معنای فروپاشی اتحادیه اروپا نخواهد بود، اما جنگ اوکراین باعث توقف روندی شد که کشورهای اروپایی طی یک دهه گذشته آغاز کرده بودند و قصد داشتند که سیاست مستقل‌تری را از ناتو و ایالات متحده در پیش بگیرند. در واقع تهاجم روسیه به اوکراین باعث شد که روسیه به‌عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی برای اروپا تبدیل شود و آمریکا با استفاده از این فرصت توانست جبهه غرب را علیه روسیه متحد کند.

این مسئله منجر به تشدید وابستگی امنیتی و اقتصادی اروپا به ایالات متحده خواهد شد و اتحادیه اروپا زیر چتر امنیتی آمریکا و ناتو قرار خواهد گرفت. همه این عوامل ذکر شده نشان می‌دهد که احتمالاً استقلال اتحادیه اروپا در مقابل ایالات متحده کاهش پیدا می‌کند و در سیاست‌گذاری‌های امنیتی، اقتصادی و انرژی، به آمریکا وابسته‌تر می‌شود. البته نمی‌توان در مورد وضعیت آینده اروپا به‌طور قطع سخن گفت چراکه سرنوشت اتحادیه بستگی به این دارد که چه قدر در مقابل چالش‌های پیش‌رو موفق خواهد بود و پایان بحران اوکراین چگونه خواهد بود. برخی کارشناسان معتقدند، همان‌طور که در سال گذشته اروپا موفق شد بحران انرژی را در زمستان پشت سر بگذارد و در مقابل روسیه اتحاد مثال‌زدنی را به نمایش گذاشت، پس در آینده نیز با توجه به تنوع دادن به تأمین انرژی موردنیاز خود و تقویت قدرت نظامی و همچنین منزوی کردن روسیه، باعث قدرتمندتر شدن اتحادیه اروپا و پررنگ‌تر شدن نقش آن در عرصه بین‌المللی می‌شود. اما عده‌ای دیگر از کارشناسان معتقدند اگرچه غرب توانست اختلافات را کنار بگذارد و در مقابل روسیه متحد شود، اما در بلندمدت اختلاف‌ها بروز خواهد کرد و اروپا قادر به جایگزین کردن انرژی روسیه نخواهد بود و ادامه این وضع می‌تواند نقش بازیگری اتحادیه اروپا در جهان را کاهش دهد.

پیشنهادات

- با توجه به این که روسیه از طرف غرب تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفته است، بنابراین فرصتی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران است که همکاری‌های خود را با روسیه در حوزه اقتصادی افزایش دهد.
- با توجه به اصل واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، بهتر است که جمهوری اسلامی ایران همچون کشورهای حوزه خلیج فارس و هند، بدون جانب‌داری از هیچ یک از طرفین جنگ و اتخاذ موضع بی‌طرفی، منافع خود را تأمین کند.
- با توجه به تحریم‌های روسیه که بازار جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار داده است و نیاز اتحادیه اروپا به گاز، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند و قدرت چانه‌زنی خود را در برابر غرب افزایش دهد و نقش مؤثرتری در بازار جهانی انرژی داشته باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام؛ صادقی، سیدشمس‌الدین و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). روندپژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۵ (۹۵).
- اخوان کاظمی، بهرام و محسنی، سجاد (۱۴۰۱). کلان‌روندهای منطقه غرب آسیا و اثرگذاری آن بر ساختار قدرت منطقه‌ای. فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی، ۱ (۲).
- سلمانی، مسعود و احمدیان، مهدی (۱۴۰۱). روندهای صنعت گردشگری ایران. مدیریت راهبردی و آینده‌پژوهی راهبردی، ۱ (۲).

ب) منابع انگلیسی

- Borrell, J. (2020). The post-coronavirus world is already here. *Politique étrangère*, (2), 9-23. Bredde Borge, (Nov 8, 2019). A new momentum for progress in the Western Balkans. Euractiv.
- Chausovsky, E. (2023), Persian Gulf States May Be the Best Mediators for Peace in Ukraine.
- Dutta, A. (2023). The EU After the Ukraine Crisis: Juxtaposing Issues of Convergence and Divergence, <https://www.orfonline.org/research/the-eu-after-the-ukraine-crisis>.
- Eurobarometer Survey, Parlemeter 2018 Taking Up the Challenge, commissioned for the European Parliament.
- European,(2022). Russia's war on Ukraine: Impact on food security and EU response. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2022/729367/EPRS_ATA\(2022\)729367_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/ATAG/2022/729367/EPRS_ATA(2022)729367_EN.pdf)
- European Parliament, Resolution on the State of EU-US Relations, P8_TA(2018)0342, September 12, 2018, adopted by 490 votes to 148, with 51 abstentions.
- Gillingham, J. (2018). *The EU: an obituary*. Verso Books.
- Hoxhaj, A.(2022). Ukraine war: Serbia is shifting closer to Russia – here's why, <https://theconversation.com/ukraine-war-serbia-is-shifting-closer-to-russia-heres-why-192472>.
- Keohane, R. O. & Martin, L. L. (1995). The promise of institutional theory. *International security*, 20(1), 39-51.
- Kupchan, C.(2010). *How Enemies Become Friends: The Sources of Stable Peace*
- Lorenz, A. & Anders, L. H. (2021). Illiberal trends and anti-EU politics in East Central Europe (p. 353). Springer Nature.

- Mete(2019),Gökçe Energy Transitions and the Future of Gas in the EU, Subsidise or Decarbonise, palg.
- Milner, H. V. & Moravcsik, A. (Eds.). (2009). Power, interdependence, and nonstate actors in world politics. Princeton University Press.
- Mitrany,D. (1948). The functional approach to world organization. International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-), 24(3), 350-363.
- Ministry of theInterior Finnish,(2023).<https://valtioneuvosto.fi/en/-//1410869/an-overview-of-migration-to-the-eu-and-finland-1-2023>.
- Moravcsik, A. (2017). Europe is still a superpower. Foreign Policy, 13.
- OPORA,(2023),About 20% of Ukrainians Stay Abroad Because of Russia's Full-Scale Invasion,.
- Reuters,(2023), Scholz says Berlin will not go it alone as pressure mounts to supply Kyiv tanks, <https://www.reuters.com/world/europe/scholz-says-berlin-will-not-go-it-alone-pressure-mounts-supply-kyiv-tanks-2023-01-09/>
- Simón, L.(2023). The Ukraine War and the Future of the European Union's Security and Defense Policy, <https://www.csis.org/analysis/ukraine-war-and-future-european-unions-security-and-defense-policy>.
- The Diplomatic Service of the European Union,(2021): https://www.eeas.europa.eu/eeas/strategic-compass-security-and-defence-1_en
- Tidey, A. (2022), The Hungarian government has launched a so-called "national consultation" on EU sanctions which they describe as "failed" and from "Brussels leaders".
- Wood, G, (2019) Fossil Fuels in a Carbon Constrained World, in Geoffrey Wood and Keith Baker (eds.), The Palgrave Handbook of Managing Fossil Fuels and Energy Transitions.
- Vlachos, V, Bitzenis, A, (2019), European Union Post Crisis Challenges and Prospects for Growth, Palgrave Macmillan. ISBN 978-3-030-18103-1
- Verhofstadt, G. (2017). Europe's Last Chance: Why the European States must form a more perfect union. Hachette UK.

The Future of Management and Decision-Making with the Implementation of Artificial Intelligence Systems

Amirhossein Shaddel¹

Received: 30-10-2022

Accepted: 25-12-2022

Abstract

The use of emerging technologies such as artificial intelligence (AI) in management and decision-making has gained increasing importance. Organizations must invest in developing their capabilities in this area and ensure the ethical and responsible use of AI to remain competitive in the digital era. This study examines the future of management and decision-making with the implementation of AI-based systems and tools. Conducted using library resources and the latest research on the role of AI in management and decision-making, the study highlights the benefits of AI, including accelerating the collection of large and complex datasets, enabling organizations to make informed decisions, automating routine decision-making processes, and more. Finally, the study provides research and practical recommendations to researchers and managers for conducting scientific and strategic activities.

Key Words: Management, Decision making, Artificial intelligence, Emerging technologies, System.

1. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran a.h.shaddel@ut.ac.ir

آینده‌مدیریت و تصمیم‌گیری با استقرار سامانه‌های هوش مصنوعی

امیرحسین شاددل^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

چکیده

استفاده از فناوری‌های نوپدید مانند هوش مصنوعی در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. سازمان‌ها باید برای توسعه قابلیت‌های خود در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده و اطمینان حاصل کنند که از هوش مصنوعی به شیوه‌ای اخلاقی و مسئولانه برای رقابت در عصر دیجیتال استفاده می‌شود. این پژوهش درصدد بررسی آینده‌مدیریت و تصمیم‌گیری با استقرار سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی است. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جدیدترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه نقش هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری انجام شده است. فواید استفاده از هوش مصنوعی در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری عبارت است از: تسریع در جمع‌آوری داده‌های حجیم و پیچیده، تواناسازی سازمان‌ها به اتخاذ تصمیماتی آگاهانه، خودکارسازی فرایندهای تصمیم‌گیری معمول و غیره. در پایان نیز، پیشنهادات پژوهشی و اجرایی برای انجام فعالیت‌های علمی و راهبردی به پژوهشگران و مدیران ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، تصمیم‌گیری، هوش مصنوعی، فناوری‌های نوظهور، سامانه.

۱. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران a.h.shaddel@ut.ac.ir

مقدمه

استفاده از سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری موضوع جدیدی نیست. با این حال، نرخ پذیرش و برنامه‌های کاربردی مبتنی بر هوش مصنوعی برای پاسخ به عدم قطعیت‌های موجود، نشان‌دهنده یک روند متحول‌کننده در جامعه است.

هوش مصنوعی فرصت‌های جدیدی را پیش روی سازمان‌ها قرار می‌دهد تا داده‌ها را تحلیل و پیش‌بینی کرده و فرایندهای تصمیم‌گیری خود را بهینه کند. همچنین مدیران را قادر می‌سازد تا بینشی در مورد عملیات و چشم‌انداز خود به دست آورند و فرصت‌های رشد را شناسایی کنند.

با این حال، استقرار سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، چالش‌هایی مانند کیفیت و امنیت داده‌ها و نگرانی‌های اخلاقی را به همراه خواهد داشت. سازمان‌ها باید برای توسعه قابلیت‌های خود در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند و اطمینان حاصل کنند که از هوش مصنوعی به شیوه‌ای اخلاقی و مسئولانه برای رقابت در عصر دیجیتال استفاده می‌شود. تحقیقات بیشتری برای کشف ظرفیت‌های فناوری‌های نوپدید در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری و رسیدگی به چالش‌های مرتبط با پذیرش آن مورد نیاز است. در این پژوهش سعی شده است آینده مدیریت و تصمیم‌گیری با توجه به پدیدارشدن سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مورد بررسی قرار بگیرد.

مبانی نظری

مدیریت

مدیریت در دنیای امروز نقش اساسی و حیاتی دارد. «آلفرد مارشال»، اقتصاددان انگلیسی، درباره نقش و اهمیت مدیران موفق می‌گوید: «اگر همه سرمایه‌ها و ابزارهای تولید در جهان نابود شوند ولی علم و هنر مدیریت باقی بماند، تولید، توسعه و پیشرفت همچنان ادامه خواهد داشت (Bayan, 1991).

«گیولیک» فرمول مشهور «پس‌دکرب^۱»: «برنامه‌ریزی»، «سازماندهی»، «کارگزینی»، «فرماندهی»، «هماهنگی»، «گزارش‌دهی» و «بودجه‌بندی» خود را عرضه کرد. «اروویک» اصولی مانند نیاز به وحدت فرماندهی، بهره‌گیری از ستادهای ویژه و عمومی، ایجاد دوایر با در نظر گرفتن هدف، فرایند، افراد، مکان، تفویض اقتدار، برقراری تعادل میان اقتدار و مسئولیت و تعریف حیطه کنترل را در افکار عمومی وارد ساخت (اقتداری، ۱۳۷۲).

نگرش فرایندی به مدیریت، براساس مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با یکدیگر که بر بنیاد برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری و کنترل قرار دارد، کارکردها یا وظایفی هستند که اجزای تشکیل‌دهنده فرایند مدیریت را شکل می‌دهند (پرداختچی، ۱۳۷۵).

فعالیت‌های مختلف مدیریت در سطوح گوناگون سازمانی به انجام می‌رسد که اصطلاحاً به آن «سطوح مدیریت» گفته می‌شود. سطوح مدیریت را می‌توان به سه سطح عالی یا راهبردی، میانی و عملیاتی تقسیم‌بندی کرد. وظایفی که در هر سطح نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند، عبارت است از:

- سطح راهبردی: این سطح، بالاترین سطح سازمان است که در آن اهداف و خط‌مشی‌های کلان تعیین و تصمیم‌های راهبردی اتخاذ می‌شوند. مهارت‌های موردنیاز در این سطح بیشتر مهارت‌های ادراکی و مفهومی است.
- سطح میانی: این سطح به سطح راهبردی کمک می‌کند تا با سطح عملیاتی سازمان ارتباط برقرار کند. در این سطح مهارت‌های ارتباطی و میان‌فردی نقش قابل‌توجهی ایفا می‌کنند.
- سطح عملیاتی: افراد در این سطح در نقش ناظر و سرپرست عمل می‌کنند. مهارت‌های فنی برای این سطح مهم‌تر از سایر مهارت‌ها هستند.

تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری یک فرایند شناختی است که منجر به انتخاب یک مسیر عمل از بین چندین گزینه می‌شود. تصمیم‌گیری یک فعالیت انسانی محسوب می‌شود که در زمینه شخصی و حرفه‌ای انجام می‌شود. برخی از اندیشمندان به تصمیم‌گیری، رویکرد فرایندی دارند (Kahneman, 2011).

فرایند تصمیم‌گیری را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

۱. شناسایی مشکل: تشخیص مشکل یا فرصتی که نیاز به تصمیم دارد؛
 ۲. جمع‌آوری اطلاعات: جمع‌آوری اطلاعات در مورد مشکل و راه‌حل‌های بالقوه؛
 ۳. ارزیابی گزینه‌ها: سنجش مزایا و معایب هر جایگزین و ارزیابی نتایج بالقوه آن‌ها؛
 ۴. انتخاب جایگزین: انتخاب جایگزینی که به بهترین وجه با معیارهای تصمیم‌گیری مطابقت دارد؛
 ۵. اجرای تصمیم: عملی کردن جایگزین انتخاب‌شده؛
 ۶. ارزیابی نتیجه: ارزیابی نتایج تصمیم‌گیری و انجام تنظیمات در صورت لزوم.
- بسته به سطح عدم اطمینان (تصمیم‌گیرنده اطلاعات کاملی در مورد مشکل و گزینه‌های

جایگزین دارد) و ریسک (تصمیم‌گیرنده اطلاعاتی در مورد مشکل و گزینه‌های جایگزین دارد اما نمی‌تواند نتایج را با قطعیت پیش‌بینی کند)، انواع مختلفی از تصمیم‌گیری وجود دارد. عوامل متعددی می‌توانند بر تصمیم‌گیری اثر بگذارند، مانند:

- توانایی‌های شناختی: هوش، حافظه فعال و مهارت‌های حل مسئله؛
- احساسات: احساسات و سوگیری‌هایی که بر ارزیابی گزینه‌ها اثر می‌گذارند؛
- ارزش‌ها: باورها و اصولی که رفتار تصمیم‌گیری را هدایت می‌کنند؛
- سوگیری‌های شناختی: خطاهای نظام‌مند در فرایند تفکر که می‌توانند منجر به تصمیم‌گیری نامناسب شوند؛
- زمینه: محیط و شرایطی که در آن تصمیم گرفته می‌شود (Tversky & Kahneman, 1981).

فناوری‌های نوپدید

امروزه زندگی بشر با فناوری پیوند خورده است و فناوری‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. با توجه به این واقعیت و برای شناخت بهتر فناوری‌ها در جهت استفاده مناسب از آن‌ها، فناوری‌ها به انواع و اقسام مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند. تقسیم‌بندی فناوری‌ها براساس دیدگاه‌های مختلف صورت گرفته است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴).

علی‌رغم تقسیم‌بندی‌های مختلف، یکی از این موارد تقسیم‌بندی براساس زمان ظهور و دوره کاربرد آن‌هاست. از این نظر می‌توان فناوری را به موجودی تشبیه کرد که متولد می‌شود؛ رشد می‌کند؛ به دوره بلوغ و جوانی می‌رسد؛ وارد میانسالی شده؛ سپس پیر می‌شود و به تدریج از عرصه کنار رفته و جای خود را به فناوری‌های جدید می‌دهد. به عبارت دیگر در این نوع از تقسیم‌بندی، از «چرخه حیات»^۱ ایده گرفته شده است.

فناوری نوظهور عموماً به فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که در مراحل اولیه رشد خود قرار دارند؛ اما از ظرفیت و توانی برخوردارند که می‌توانند رشد کرده، گسترش یابند و به وفور مورد استفاده قرار گیرند. از این رو، فناوری‌های نوپدید یا نوظهور به پیشرفت‌ها و نوآوری‌هایی که در حوزه‌های گوناگون فناوری اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است، اشاره دارد. اما این تنها مشخصه فناوری‌های نوظهور نیست. آن‌ها علاوه بر اینکه در مراحل اولیه ظهور و رشد قرار دارند، از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردارند (قاسمی و نصیرلو، ۱۳۹۹). هوش مصنوعی و فناوری‌ها و

ابزارهای توسعه‌یافته از آن را می‌توان نمونه‌هایی از فناوری‌های نوپدید دانست.

هوش مصنوعی

«تکوپدیا»^۱ هوش مصنوعی را بدین شکل تعریف کرده است: «هوش مصنوعی، به‌عنوان هوش ماشینی نیز شناخته می‌شود؛ شاخه‌ای از علوم رایانه است که بر ساخت و مدیریت فناوری تمرکز دارد؛ می‌تواند یاد بگیرد که به‌طور مستقل تصمیم‌گیری کند و اقداماتی را از طرف یک انسان انجام دهد». علاوه بر این، مهم است که به یاد داشت که «هوش مصنوعی یک فناوری واحد نیست. این یک اصطلاح کلی است که شامل هر نوع نرم‌افزار یا قسمتی از سخت‌افزاری است که از یادگیری ماشینی، بینایی کامپیوتری^۲، درک زبان طبیعی^۳ و پردازش زبان طبیعی^۴ بهره می‌برد» (Dordevic, 2022).

توسعه هوش مصنوعی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد. اولین مرحله آن، تجزیه و تحلیل ساده است که از آن به عنوان «هوش توصیفی»^۵ یاد می‌شود. سازمان‌ها از پیش‌خوان‌ها^۶ برای تحلیل رقابتی یا مطالعه عملکرد در بخش‌های مختلف کسب‌وکار خود استفاده می‌کنند. تحلیل‌ها در این مرحله به‌طور خودکار به‌روز می‌شوند. هوش توصیفی دارای قابلیت‌های تعاملی برای اصلاح و آزمایش است. مرحله دوم، «هوش تشخیصی»^۷ است؛ هوش تشخیصی، توانایی نگاه به گذشته کسب‌وکار و درک علل اصلی و محرک‌های عملکرد را دارد. مرحله سوم، «هوش پیش‌بینی»^۸ است؛ این هوش، توانایی پیش‌بینی سناریوها یا گزینه‌های خاص را دارد و ارزش چیزهای مختلف در آینده را براساس حرکت گذشته و همچنین نشانک‌های تغییر انتخاب‌شده در بازار تعیین می‌کند (Pachner & Atsmon, 2023).

تشخیص و پیش‌بینی حوزه‌هایی هستند که امروزه هوش مصنوعی می‌تواند تا حد زیادی آن‌ها را بهبود بخشد. این ابزارها می‌توانند توانایی تجزیه و تحلیل مدیران را تقویت کنند. برای نمونه، در زمینه هوش تشخیصی، می‌توان نمونه کارهای خود را به بخش‌هایی سازماندهی کرد تا به‌طور

1. Techopedia
2. Computer Vision
3. Natural Language Understanding (NLU)
4. Natural Language Processing (NLP)
5. Descriptive Intelligence
6. Dashboard
7. Diagnostic Intelligence
8. Predictive Intelligence

دقیق مشخص شود که عملکرد مناسب در کدام مرحله اتفاق می‌افتد. با استفاده از هوش مصنوعی می‌توان ۲۰ گزینه مختلف را در یک ساعت ارزیابی کرد؛ این کار می‌تواند در مقابل استقرار صد تحلیلگر برای حل آن مشکل باشد (Pachner & Atsmon, 2023).

هوش مصنوعی پیش‌بینی‌کننده خطرناک است. مدیران اجرایی نباید به‌طور کامل به هوش مصنوعی پیش‌بینی‌کننده اعتماد کنند، اما باید از دیدگاه نظام‌مند ارائه‌شده توسط آن بهره ببرند. از آنجایی که تصمیمات راهبردی پیامدهای مهمی دارند، ملاحظات کلیدی استفاده شفاف از هوش مصنوعی باید به‌معنای درک اینکه چرا پیش‌بینی خاصی انجام می‌دهد و برون‌یابی‌ها چیست، باشد. سپس می‌توان ارزیابی کرد که آیا به پیش‌بینی ارائه‌شده می‌توان اعتماد کرد یا خیر. حتی می‌توان از هوش مصنوعی برای ردیابی تکامل مفروضات مربوط به آن پیش‌بینی نیز استفاده کرد (Pachner & Atsmon, 2023).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جدیدترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه نقش هوش مصنوعی در آینده مدیریت و تصمیم‌گیری انجام شده است. روش تحقیق در نگارش پیش‌رو مبتنی بر روش گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و تحلیلی-توصیفی است.

یافته‌های پژوهش

دانش مدیریت و تصمیم‌گیری و وظایف تعیین‌شده برای آن‌ها در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌ها نقش ایفا می‌کنند که با توجه به پدیدارشدن فناوری‌ها و ابزارهای مختلف، آینده آن‌ها متحول خواهد شد. سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین فناوری‌های نوپدید هستند.

کارکردهای هوش مصنوعی

نقش هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری، کمک به سازمان‌ها برای ایجاد بینش پیرامون فعالیت‌های خود، شناسایی فرصت‌های رشد و بهینه‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری است. از هوش مصنوعی می‌توان در حوزه‌های مختلف مدیریت مانند تحلیل بازار، شناسایی مشتریان، مدیریت ریسک و مدیریت زنجیره تأمین استفاده کرد. برای نمونه، هوش مصنوعی می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا الگوها و روندهای رفتار مشتریان را شناسایی و آنان را قادر سازد تا راهبردهای بازاریابی شخصی‌سازی‌شده را توسعه دهند. درنهایت آنان خواهند توانست رضایت و وفاداری

مشتریان را ارتقا دهند (Miller, 2023).

بنابراین، کارکردهای هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری عبارت است از: ارتقای دقت، سرعت و کارایی در مدیریت تصمیم‌گیری. هوش مصنوعی می‌تواند حجم زیادی از داده‌ها را در زمان کوتاه پردازش کند و به سازمان‌ها این امکان را بدهد که با سرعت بالایی تصمیم‌گیری آگاهانه داشته باشند.

علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند به سازمان‌ها در شناسایی فرصت‌ها و تهدیداتی که ممکن است با استفاده از روش‌های سنتی نادیده گرفته شوند، کمک کند. با این حال، محدودیت‌های استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری عبارت است از: اطمینان از کیفیت داده‌ها، امنیت داده‌ها و نگرانی‌های اخلاقی. به همین خاطر، سازمان‌ها باید اطمینان حاصل کنند که داده‌های مورد استفاده در هوش مصنوعی، دقیق، قابل اعتماد و عاری از سوگیری هستند (Miller, 2023).

هوش مصنوعی و راهبرد

ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند به مدیران کمک کنند تا از سوگیری در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری کرده و بتوانند از اقیانوس داده‌ها بینش لازم را به دست آورند. جنبه‌های متعددی از کار استراتژیست‌ها وجود دارد که در آن هوش مصنوعی و ابزارهای تحلیلی پیشرفته می‌توانند ارزش بسیار زیادی ایجاد کنند. وقتی مردم در مورد هوش مصنوعی صحبت می‌کنند، همه چیزهایی را که مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌ها و اتوماسیون است، در بر می‌گیرند. «ماروین مینسکی^۱»، پیشگام تحقیقات هوش مصنوعی در دهه ۱۹۶۰، از هوش مصنوعی به عنوان «چمدان» یاد کرد؛ اصطلاحی که می‌توان هر چیزی را در آن قرار داد و به نظر می‌رسد هنوز هم همین‌طور است. سازمان‌ها باید از تمام قابلیت‌های تحلیل به‌شیوه سنتی استفاده کرده و در عین حال استفاده از اتوماسیون را در سطح راهبردی افزایش دهند تا زمان مدیریت یا تحلیلگر آزاد شده و به تدریج به معرفی ابزارهایی که می‌تواند تفکر انسان را تقویت کند، پرداخته شود (Pachner & Atsmon, 2023).

هوش مصنوعی در بسیاری از حوزه‌های تجاری نیز پذیرفته شده است؛ اما به نظر می‌رسد راهبرد تا حد زیادی از جذابیت‌های آن مصون بوده است. تنها هفت درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی‌ها در این حوزه در مورد استفاده از هوش مصنوعی می‌گویند که از آن در راهبرد یا حتی

برنامه‌ریزی مالی خود استفاده می‌کنند. در حالی که در زمینه‌هایی مانند بازاریابی، زنجیره تأمین و عملیات خدماتی، ۲۵ یا ۳۰ درصد است. یکی از دلایل تأخیر در پذیرش هوش مصنوعی در این حوزه این است که راهبرد یکی از یکپارچه‌ترین شیوه‌های مفهومی است (Pachner & Atsmon, 2023).

هنگامی که مدیران به خودکارسازی راهبردها فکر می‌کنند، بسیاری از آنان خیلی جلوتر می‌نگرند؛ آنان بیشتر به قابلیت‌های هوش مصنوعی که به‌جای رهبر یک سازمان تصمیم می‌گیرد که راهبرد درست چیست، توجه می‌کنند. آنان به فرصت‌هایی برای استفاده از هوش مصنوعی در اجزای سازنده یک راهبرد یا مراحل جزئی‌تر توجهی نمی‌کنند. در حالی که این موضوع می‌تواند به‌طور قابل توجهی نتایج را بهبود بخشد. برای نمونه می‌توان به موضوع «دستیاران مجازی^۱» اشاره کرد. بسیاری از ما از «الکسا^۲» یا «سیری^۳» استفاده می‌کنیم، اما تعداد کمی از این افراد از ابزارها برای انجام کارهایی بیشتر از دیکته کردن یک پیام متنی یا خاموش کردن چراغ‌ها استفاده می‌کنند (Pachner & Atsmon, 2023).

هوش مصنوعی و کسب‌وکار

هر کسب‌وکاری در آینده احتمالاً فرصتی برای استفاده بیشتر از هوش مصنوعی خواهد داشت. اولین چیزی که باید به آن توجه کرد، در دسترس بودن داده‌ها است. آیا داده‌های عملیاتی وجود دارند که بتوان آن‌ها را به روشی نظام‌مند سازماندهی کرد؟ این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. شرکت‌هایی که داده‌های عمیقی مانند خط کسب‌وکار، موجودی و مواد خام خود در مورد «سبد سرمایه^۴» دارند، بزرگترین فرصت‌ها را برای استفاده از ماشین‌ها برای به دست آوردن بینش‌های دقیق خواهند داشت؛ بینش‌هایی که انسان‌ها به‌تنهایی قادر به ایجاد آن نیستند (Pachner & Atsmon, 2023).

شرکت‌هایی که راهبردهایشان به چند تصمیم بزرگ با داده‌های محدود متکی هستند، کمتر از هوش مصنوعی بهره می‌برند. به‌همین ترتیب، کسانی که با نوسانات و آسیب‌پذیری زیادی در برابر رویدادهای خارجی مواجه هستند، کمتر از شرکت‌هایی با سبدهای کنترل‌شده و نظام‌مند از هوش

1. Virtual Assistants
2. Alexa
3. Siri
4. Portfolio

مصنوعی سود می‌برند. اگرچه می‌توانند هوش مصنوعی را برای پیش‌بینی بهتر رویدادهای خارجی و شناسایی آنچه می‌توان یا نمی‌توان کنترل کرد، به کار گیرند (Pachner & Atsmon, 2023). موضوع مهم بعدی، میزان سرعت در تصمیم‌گیری است. اکثر صنایع، راهبردهای خود را هر سه تا پنج سال یکبار توسعه می‌دهند که در نهایت به بودجه سالانه آن‌ها تبدیل خواهد شد. اگر از این منظر به راهبرد نگاه شود، نقش هوش مصنوعی به‌غیر از تحلیل‌های بالقوه به‌عنوان تسریع‌کننده ورودی‌های راهبردی، نسبتاً محدود است. با این حال، برخی از شرکت‌ها به‌صورت مستمر تصمیم‌های بزرگی را که براساس فرضیاتی درباره جهان گرفته‌اند و ممکن است تغییر کرده باشند، مورد بازبینی قرار می‌دهند. چنین تغییراتی بر شیوه به‌کارگیری استعدادهای و زمان اجرایی، روش هزینه‌کردن پول و تمرکز بر تلاش‌های فروش تأثیر می‌گذارد و هوش مصنوعی می‌تواند در هدایت آن نقش ایفا کند. ارزش هوش مصنوعی زمانی بیشتر می‌شود که بتوان هنگام تصمیم‌گیری از آن استفاده کرد، زیرا هوش مصنوعی می‌تواند نشان دهد که مفروضات قبلی شما نسبت به زمان برنامه‌ریزی تغییر کرده است (Pachner & Atsmon, 2023).

برخی از مبتکرترین کاربران هوش مصنوعی، به‌طور اتفاقی، شرکت‌های بومی هوش مصنوعی و دیجیتال هستند. برخی از این شرکت‌ها از هوش مصنوعی استفاده‌های فراوانی کرده و به همین خاطر، استفاده از آن را در سایر زمینه‌های کسب‌وکار خود افزایش داده‌اند. برای نمونه، در زمینه حمل‌ونقل، فردی که می‌خواهد از مکانی به مکان دیگر جابه‌جا شود، برنامه‌ریزی مالی خود را بر اساس قیمت‌گذاری‌های موجود تنظیم و به الگوهای بازار توجه می‌کند. این کسب‌وکار به‌طور نسبی انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به تقاضا دارد، اما انعطاف‌پذیری کمتری برای عرضه دارد. بنابراین، شرکت‌های این حوزه که از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، راهی که بر سودآوری یا جایی که تقاضا در حال افزایش است، تأثیر بگذارد، هوش مصنوعی به آن شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا به‌سرعت واکنش نشان داده و ظرفیت بیشتری ایجاد کنند (Pachner & Atsmon, 2023).

در دنیای در حال رشد و پیچیده، چابکی و دقت در مدیریت و تصمیم‌گیری، موضوعی مهم است. صنایع مختلف مانند امور مالی، امور دفاعی و امور پشتیبانی، در آستانه تحول با استفاده از هوش مصنوعی هستند. عدم قطعیت‌های راهبردی مانند تحولات اقتصادی، تنش‌های ژئوپلیتیکی، تغییرات سریع فناوری و غیره، تصویری را ارائه می‌دهند که در آن هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری نه تنها یک نقش راهبردی ایفا می‌کند، بلکه برای بقا و رشد ضروری و سودمند است.

تحولات اخیر، معطوف به چالش‌ها و نیازهای راهبردی است که راه را برای ایفای نقش محوری هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری هموار می‌کند. برخی از اهم این تحولات عبارتند از:

- **حوزه دفاعی:** افزایش پیچیدگی‌ها در پویایی‌های دفاعی و لزوم ارائه پاسخ‌های نظامی سریع، دقیق و آگاهانه که تغییر به‌سمت استفاده از سامانه‌های مجهز به هوش مصنوعی را نشان می‌دهد.
- **حوزه اقتصادی:** بهبود اقتصاد جهانی، صنایع را به‌سمت سرمایه‌گذاری در ابزارهای جدید مانند سامانه‌های هوش مصنوعی که توانایی پیش‌بینی و مدیریت راهبردی را دارند، پیش می‌برد تا عدم قطعیت‌های بازار به‌صورت مؤثر مدیریت‌پذیر شوند.
- **حوزه پشتیبانی:** استفاده از هوش مصنوعی در حوزه پشتیبانی در بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین و مدیریت دارایی با توجه به وقوع اختلالات گسترده در این حوزه کمک مؤثری خواهد کرد.
- **حوزه زیست‌محیطی:** تمرکز بر پایداری زیست‌محیطی، صنایعی مانند فولاد را وادار می‌کند تا با استفاده از هوش مصنوعی، راهبردهایی را با هدف کربن‌زدایی کشف و اجرا کنند.
- **سرمایه انسانی:** پیچیدگی فزاینده موضوعات حوزه سرمایه انسانی مانند مدیریت نیروی کار با توجه به تغییرات نسلی و انتظارات متنوع، سازمان‌ها را به‌سمت استفاده از هوش مصنوعی برای پشتیبانی در تصمیم‌گیری در راهبردهای سرمایه انسانی هدایت می‌کند.

هوش مصنوعی و رهبری پروژه

تحقیقاتی که اخیراً توسط «دیلویت»^۱ انجام شده، پنج مزیت اجرای هوش مصنوعی در یک سازمان را مشخص کرده است: ۱. بهبود محصول فعلی؛ ۲. بهینه‌سازی عملیات داخلی؛ ۳. بهینه‌سازی عملیات بیرونی؛ ۴. ارائه امکان خلاقیت بیشتر کارکنان و ۵. کمک به رهبران در تصمیم‌گیری بهتر. بهبود محصولات با کمک هوش مصنوعی در هر سازمان متفاوت است و به مواردی مانند استحکام مواد اصلی سازنده محصول^۲، صنعت و مشارکت مشتری بستگی دارد. اما استفاده از هوش مصنوعی برای بهبود فرایندها تقریباً در هر سازمانی قابل اعمال است (Miller,)

(2023).

فرايندهای داخلی، مانند زمان‌بندی، یادآوری‌ها و پیگیری‌ها، می‌تواند توسط سامانه‌های هوش مصنوعی در سازمان‌های پروژه‌محور بدون نیاز به مداخله انسانی انجام شوند. این تنها یکی از راه‌هایی است که این فناوری‌ها می‌توانند با اطمینان از اینکه هیچ چیز در میان تمام فعالیت‌های آنان نادیده گرفته نمی‌شود به افراد در صرفه‌جویی در زمان کمک کنند (Miller, 2023).

ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به مدیران و رهبران کمک می‌کنند تا در هر مرحله از برنامه‌ریزی تا اجرا، بتوانند اولویت‌بندی کنند و تصمیم‌های صحیح بگیرند. استفاده از هوش مصنوعی به پردازش داده‌های پروژه و کشف الگوهای کمک می‌کند که می‌توانند بر تحویل نهایی پروژه تأثیرگذار باشند. گارتنر پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰، حدود ۸۰ درصد از وظایف مدیریت پروژه که امروزه به شکل دستی انجام می‌شود، حذف خواهد شد.

در آینده کارکردهای مختلف از برنامه‌ریزی تا جمع‌آوری داده‌ها و از ردیابی تا گزارش‌دهی توسط هوش مصنوعی انجام می‌شود که به پیش‌بینی نتایج نیز با استفاده از نقاط داده مختلف مانند اندازه پروژه، نوع قرارداد و صلاحیت مدیریت پروژه کمک می‌کند. توالی پروژه براساس الزامات مشخص به وسیله اتوماسیون بهبود خواهد یافت. استفاده از هوش مصنوعی برای خودکارسازی و بهینه‌سازی مجموعه داده‌های پروژه به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا ارزش سرمایه‌گذاری پروژه را به حداکثر برسانند و پس‌انداز را برای توسعه محصول و رشد سازمانی تشخیص دهند (Miller, 2023).

علاوه بر این موارد، هر پروژه ممکن است با تهدیدات مختلفی مواجه باشد. هوش مصنوعی می‌تواند در پیش‌بینی عیوب یا افزونگی‌ها در مراحل اولیه پروژه‌ها و تجزیه و تحلیل کلی ریسک‌ها و در نتیجه کاهش آن‌ها نقش ایفا کند. همچنین به مدیران کمک می‌کند تا به‌طور دقیق تعداد افراد و منابع مورد نیاز برای تکمیل هر پروژه را محاسبه کرده و مسیر آن پروژه را حفظ کنند. با هوش مصنوعی، داده‌های گذشته مانند تاریخ شروع و پایان برنامه‌ریزی شده می‌تواند برای پیش‌بینی جدول زمانی واقع‌بینانه پروژه‌های آینده مورداستفاده قرار گیرد (Miller, 2023).

«دفتر مدیریت پروژه» به عنوان مرکز تعالی پروژه، نقطه شروع مناسبی برای پذیرش هوش مصنوعی است. برای شروع، مدیران باید زمینه‌های ضروری را شناسایی کرده تا با کمک هوش

مصنوعی بتوانند احتمال موفقیت اجرای پروژه و درنهایت سازمان را افزایش دهند. پس از تشخیص این زمینه‌ها، هوش مصنوعی باید به‌طور نظام‌مند، پیاده‌سازی، نظارت و در صورت نیاز سازگار شود. هرچه داده‌های بیشتری مورد استفاده قرار گیرد، کار دقیق‌تر خواهد بود (Miller, 2023).

تغییر از مدیریت پروژه به رهبری پروژه، یک تغییر دیدگاه است؛ این رهبری مبتنی بر داده بوده و به رهبران پروژه اجازه می‌دهد تا نتایج قبلی، از جمله نشانک‌های شکست اولیه پروژه را ارزیابی کرده و توصیه‌های عملی ارائه کنند. تمرکز دفتر مدیریت پروژه به سهولت از سطح تاکتیک به سطح راهبرد تغییر می‌کند. با این تغییر وظایف تاکتیکی و تکراری توسط هوش مصنوعی و ربات‌ها انجام خواهد شد و مدیران برای اخذ تصمیمات راهبردی توانمند می‌شوند. دفتر مدیریت پروژه با کمک هوش مصنوعی در صورتی که اقدام به تنظیمات جزئی کند، شاهد ایجاد بهبودهای قابل توجه در کسب‌وکار خواهد بود (Miller, 2023).

موانع پذیرش هوش مصنوعی

دسترسی به استعدادهای فناوری را می‌توان یکی از موانع پذیرش هوش مصنوعی دانست. البته باید تمایز قائل شد که آیا منظور استعدادهای حوزه یادگیری، ماشینی و علوم داده است یا مهندسان نرم‌افزاری که ابزارهای دیجیتال را می‌سازند که یافتن آنان آسان نیست. با این حال، شرکت‌ها می‌توانند به‌طور فزاینده‌ای از سکوهایی^۱ استفاده کنند که دسترسی به ابزارهای هوش مصنوعی را فراهم می‌کنند و نیاز کمتری به شرکت‌های مختلف دارند. همچنین، این حوزه از راهبرد هیجان‌انگیز و پیشرفته است. بنابراین، احتمالاً به‌دست آوردن استعدادهای فناوری برای آن آسان‌تر از کارهای تولیدی خواهد بود (Pachner & Atsmon, 2023).

چالش بزرگ‌تر، یافتن استراتژیست‌ها یا افرادی با تخصص کسب‌وکار برای کمک به این تلاش‌هاست. مشکلات راهبرد را با هوش مصنوعی بدون مشارکت افرادی که تجربه مشتری و آنچه در تلاش برای رسیدن به آن هستیم را درک نمی‌کنند، نمی‌توان حل کرد. کسانی که بهتر و بیشتر می‌دانند، مانند مدیران ارشد، زمانی برای اختصاص دادن به مدیریت محصول و تیم هوش مصنوعی ندارند. محدودیت بزرگ‌تر این است که در برخی موارد، از مردم می‌خواهند در ابتکاری مشارکت کنند که ممکن است شغل آن‌ها را کم‌اهمیت کند. ممکن است فرصت‌های زیادی برای

گنجاندن هوش مصنوعی در مشاغل مختلف وجود داشته باشد، اما این چیزی است که سازمان‌ها باید در مورد آن فکر کنند. بهترین رویکرد ممکن است ایجاد یک کارخانه دیجیتالی باشد که در آن تیمی متفاوت، برنامه‌های هوش مصنوعی را با نظارت سهامداران ارشد آزمایش کرده و بسازند (Pachner & Atsmon, 2023).

البته این سؤال که آیا هوش مصنوعی می‌تواند جایگزین قضاوت انسان شود و بشریت را از کار خود اخراج کند، سؤال بزرگی است که پاسخ به آن را باید برای متخصصان دیگر گذاشت. به دلیل پیچیدگی، سطح راهبردی سازمان یکی از زمینه‌هایی خواهد بود که در آینده تحت تأثیر اتوماسیون قرار می‌گیرد. اما به‌کارگیری آن در بسیاری از حوزه‌های دیگر دیده می‌شود. با این حال، این روند برای بیش از ۲۰۰ سال همین بوده است که اتوماسیون مشاغل جدیدی ایجاد می‌کند. اگرچه مشاغل نیاز به مهارت‌های متفاوتی دارند، ترس برخی از افراد از اینکه یک ماشین اشتباهاتشان را فاش کند یا کارشان را بهتر از آنان انجام دهد، از بین نخواهد رفت (Pachner & Atsmon, 2023).

یکی از چالش‌هایی که اکثر استراتژیست‌ها با آن مواجه هستند، پیچیدگی بسیار زیاد دنیایی است که در آن فعالیت می‌کنند؛ دنیایی با تعداد مجهولات و اطلاعات زیاد. در یک نگاه، ممکن است به نظر برسد که هوش مصنوعی لایه دیگری از پیچیدگی را نیز ایجاد می‌کند. در واقع، این می‌تواند یک چاقوی تیز نیز باشد که مقداری از به‌هم‌ریختگی‌ها را کم کند. سؤالی که باید پرسید این است که «آیا هوش مصنوعی می‌تواند زندگی من را با ارائه بینش‌های دقیق‌تر و به موقع‌تر ساده‌تر کند؟» (Pachner & Atsmon, 2023).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

استفاده از هوش مصنوعی در زمینه مدیریت و تصمیم‌گیری در مراحل بسیار نوپایی قرار دارد؛ اما می‌تواند برای سازمان‌ها و حرفه‌های مختلف بسیار مهم و اثرگذار باشد. می‌توان تصور کرد که مزیت رقابتی به‌طور فزاینده‌ای به داشتن مدیرانی بستگی دارد که می‌دانند چگونه هوش مصنوعی را به‌خوبی به‌کار گیرند. بنابراین، کمک به سازمان‌ها برای اینکه در آینده بخشی از این تکامل باشند، ضروری محسوب می‌شود. فواید به‌کارگیری هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری گسترده و مهم خواهد بود. اهم این فواید عبارتند از:

✓ تسریع در جمع‌آوری داده‌های حجیم و پیچیده که سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا

تصمیماتی آگاهانه اتخاذ کرده و مزیت‌های راهبردی خود را در بازارهای رقابتی و بی‌ثبات بهبود بخشند.

✓ ابزارهای تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی با شناسایی تله‌ها و فرصت‌های بالقوه، مدیریت ریسک را متحول می‌کنند. این موضوع موجب می‌شود تا بحران‌ها پیش از پدید آمدن کاهش یابند.

✓ هوش مصنوعی با خودکارسازی فرایندهای تصمیم‌گیری معمول، هوش انسانی را برای کارهای خلاقانه و راهبردی آزاد می‌کند که این موضوع می‌تواند در نهایت منجر به افزایش نوآوری و بهره‌وری شود.

با توجه فواید اشاره شده و پیامدهای استقرار سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری، خط‌مشی‌های زیر برای تصویب توسط نهادها و سازمان‌های مسئول توصیه می‌شود:

- سرمایه‌گذاری نهادها و سازمان‌های مسئول برای ارتقای زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های هوش مصنوعی جهت بهره‌برداری در زمینه تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده و پویا؛
- طراحی چارچوب‌های نظارتی برای رسیدگی به نگرانی‌های اخلاقی، مسائل امنیتی و حریم خصوصی در استفاده گسترده از هوش مصنوعی؛
- درک عمیق مدیران از قابلیت‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی برای واگذاری تصمیم‌ها به سامانه‌های هوشمند؛

به‌کارگیری سامانه‌ها و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در مدیریت و تصمیم‌گیری، سؤالات مختلفی را پیش روی مدیران و برنامه‌ریزان قرار می‌دهد که پاسخ به آن‌ها می‌تواند چشم‌انداز این حوزه را توسعه دهد. مواردی مانند:

- ✓ سازمان‌ها چگونه می‌توانند اطمینان حاصل کنند تا تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی با دستورالعمل‌های اخلاقی و استانداردهای نظارتی مطابقت داشته باشد؟
- ✓ چه اقداماتی باید برای پرهیز از اتکای بیش از حد به هوش مصنوعی و تضمین همکاری متوازن بین قضاوت انسانی و هوش مصنوعی انجام شود؟
- ✓ در کدام یک از حوزه‌های تصمیم‌گیری و سطوح مدیریت، هوش مصنوعی می‌تواند به‌صورت اثرگذار به ایجاد ارزش و کاهش ریسک کمک کند؟

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اقتداری، علی محمد (۱۳۷۲). سازمان و مدیریت، سیستم و رفتار سازمانی. تهران: انتشارات مولوی.
- پرداختچی، محمدحسن (۱۳۷۵). نقش نظارت و راهنمایی آموزشی در بهبود کیفیت آموزش عمومی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۷، ۳۷-۴۹.
- قاسمی، حاکم و نصیرلو، سودابه (۱۳۹۹). فناوری‌های نوظهور و تأثیر آن‌ها بر تمدن نوین اسلامی. دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۴۰-۱.
- محمدی، مهدی؛ الیاسی، مهدی و سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۴). مدیریت فناوری و نوآوری در سطح بنگاه. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

ب) منابع انگلیسی

- Bayan, H. A. (1991). Regulations Manager, Tehran: Center for Public Management.
- Dordevic, M. (2022). How Artificial Intelligence Can Improve Organizational Decision Making, Forbes.
<https://ssrn.com/abstract=4392353> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4392353>
- Kahneman, D. (2011). Thinking, Fast and Slow. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Miller, R. (2023). The Role of Machine Learning and Artificial Intelligence in Strategic Management. Available at SSRN:
- Pachner, J. & Atsmon, Y (2023). Artificial intelligence in strategy, McKinsey & Company.
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1981). The framing of decisions and the psychology of choice. Science, 211(4481), 453-458.

ب) منابع اینترنتی

- استقرار تسریع‌شده هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری بلادرنگ. دسترسی از طریق:
<https://www.shapingtomorrow.com/blog/accelerated-deployment-of-ai-in-realtime-decision-making>.
- بهبود اقتصاد جهانی و روندهای فنی. دسترسی از طریق:
<https://www.financialexpress.com/business/digital-transformation-top-trends-in-tech-that-professionals-should-look-out-for-in-2024-3410746/>
- پست مالی - بودجه دفاعی و وزیر امور خارجه چین. دسترسی از طریق:
<https://financialpost.com/pmn/business-pmn/what-to-watch-for-as-chinas-major-political-meeting-of-the-year-gets-underway>
- گروه BMW - هوش مصنوعی در لجستیک. دسترسی از طریق:
<https://www.press.bmwgroup.com/global/article/detail/T0308393EN/bmw-group-is-making-logistics-robots-faster-and-smarter>
- گاردین - کربن‌زدایی از تولید فولاد انگلستان. دسترسی از طریق:

<https://www.theguardian.com/environment/2024/mar/02/government-documents-said-to-blow-gaping-hole-in-its-case-for-cumbrian-coalmine>

• مدیریت نیروی کار و نسل Z. دسترسی از طریق:

<https://www.edelman.com/insights/highlights-greenbiz-2024>

Exploration of the Nature of Religion and Its Role in the Formation of Civilization

Majid Mohammadlou¹

Received: 27-11-2022

Accepted: 10-03-2023

Abstract

The exploration of the relationship between religion and civilization is rooted in the perspective on the nature of these two concepts. Broadly, four viewpoints on defining religion can be identified. The first approach, in a more general sense, considers any idea or thought concerning humanity, the world, ethics, happiness, and human perfection as religion, encompassing all divine and non-divine religions, human ideologies, and even satanic cults. According to this perspective, religion undoubtedly has a relationship with civilization, but its scope—whether it serves as the foundation of civilization or merely a component—depends on the characteristics, teachings, and worldview of the religion. The general view of religion regards the element of sanctity and belief in the sacred as essential to its definition. From a specific perspective, religion includes belief in a creator of the universe (whether monotheistic or polytheistic). Finally, the narrowest view defines religion as belief in a single creator of the universe, a perspective embodied in the Abrahamic religions. Malik Bennabi's civilizational theory demonstrates that religion not only relates to civilization but also serves as its core essence, influencing all civilizational domains and distinguishing one civilization from another. The mechanism linking religion and civilization operates through culture, as religion plays the most significant role in shaping culture and directing its elements. If this religious idea expands sufficiently to encompass a broader scope, including other geographies and cultures, it leads to the formation of civilization.

Keywords: Nature of religion, Nature of civilization, Idea, Culture, Malik bin Nabi.

1. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran m.mohammadlu73@gmail.com

بررسی ماهیت دین و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن

مجید محمدلو^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

چکیده

بررسی نسبت دین و تمدن ریشه در نوع نگاه به ماهیت این دو مقوله دارد. به‌طورکلی چهار دیدگاه در تعریف دین را می‌توان برشمرد. تعریف اول از دین در رویکردی اعم، به‌طورمطلق ایده و تفکر در حوزه انسان، جهان، اخلاق، سعادت و کمال انسانی را دین تلقی کرده است و از این حیث تمام ادیان الهی و غیرالهی، مکاتب بشری و حتی آیین‌های شیطانی نیز دین تلقی می‌شوند. براساس این رویکرد دین با تمدن قطعاً دارای نسبت خواهد بود. اما حدودوثرغور آن اعم از اینکه سازنده تمدن باشد یا جزئی از اجزای تمدن باشد، بسته به ویژگی‌ها، آموزه‌ها و جهان‌بینی آن دین خواهد بود. دیدگاه عام درباره دین، عنصر تقدس و اعتقاد به امر قدسی را در تعریف دین ضروری می‌داند؛ در نگاه خاص به دین، دین دربردارنده عقیده و باور به خالق برای جهان (اعم از باور توحیدی یا مشرکانه) است. درنهایت، دیدگاه اخص معتقد به خالقی واحد برای جهان است که ادیان ابراهیمی تجلی امروزی این دیدگاه هستند. نظریه تمدنی «مالک‌بن‌نبی» نشان می‌دهد که دین نه‌تنها با تمدن نسبت دارد، بلکه جوهره اصلی این تمدن‌ها نیز بوده است. به‌طوری‌که در تمامی حوزه‌های تمدنی اثر نهاده و تفاوت تمدن‌ها از یکدیگر را رقم زده است. سازوکار نسبت دین و تمدن از طریق مقوله فرهنگ رخ می‌دهد. زیرا دین مهم‌ترین سهم در شکل‌پذیری فرهنگ و جهت‌دهی عناصر آن را دارد. حال اگر این ایده دینی آنقدر گسترش یابد که بتواند در گستره‌ای فراتر، جغرافیا و فرهنگ‌های دیگر را نیز تسخیر کند، منجر به تمدن خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ماهیت دین، ماهیت تمدن، فرهنگ، ایده، مالک بن‌نبی.

۱. پژوهشگر مرکز آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران m.mohammadlu73@gmail.com

مقدمه

اهمیت دین و اندیشه دینی از یک طرف و نفس مطلوبیت مقوله تمدن از جانب دیگر این پرسش را برمی‌انگیزاند که «این دو مقوله چه نسبتی با هم دارند؟». مسلم است که دین از کارکردهایی برخوردار است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی بشر اثرگذار بوده و نوع خاصی از روابط، ساختارها، آداب، رفتار و خلیقات فردی و جمعی را در جامعه تعیین بخشد. از طرف دیگر مقوله تمدن فراگیرترین ساحت زندگی جمعی است که در لایه‌های مختلف فکری، فرهنگی و اجتماعی جوامع ظهور و بروز داشته و به نوعی هویت جمعی و فردی آحاد در حوزه تمدنی رقم می‌خورد؛ بنابراین از این حیث که چون هویت جمعی و فردی افراد و جوامع با مقوله دین و تمدن مرتبط می‌شود، توجه به نسبت این دو نیز اهمیت پیدا می‌کند. آیا کلان بودن مقوله تمدن چنین تبادر می‌کند که تمدن محیط بر دین بوده و دین به مثابه یکی از اجزا و عناصر آن (اعم از اصلی یا فرعی) به‌شمار می‌رود؟ یا اینکه این دو نسبتی با هم نداشته و اساساً دین با تمدن سازگار نیست؟ بسته به تعریفی که از دین و تمدن ارائه می‌شود و نوع کارکردی که برای آن‌ها لحاظ می‌شود نسبت این دو نیز متفاوت خواهد بود.

مسئله دیگر سازوکار نسبت دین و تمدن است؛ اگر دین در ایجاد و شکل‌گیری تمدن‌ها مؤثر است فرایند تمدنی شدن اندیشه دینی از چه رهگذری می‌گذرد؟ اگر قرار بر این بود که دین مطلقاً تمدن‌ساز باشد باید به تعداد ادیان موجود تمدن نیز وجود داشت؛ درحالی‌که به لحاظ تاریخی کسی قائل به تمدن برآمده از توت‌پرستی، شمنیسم نیست. بنابراین باید مشخص شود دین از چه مسیری منجر به تحقق تمدن خواهد شد؟ بر این اساس بستر فرهنگ و عناصر آن این زمینه را برای تمدن‌سازی دین فراهم خواهد آورد. زیرا اگرچه فرهنگ خود برآمده از عناصری مانند نیاز، غریزه، تاریخ و ... است، اما این دین و اندیشه دینی است که مهم‌ترین رکن سازنده فرهنگ و تعامل‌بخش عناصر فرهنگی است. بنابراین از رهگذر فرهنگ است که دین می‌تواند این قابلیت را پیدا کند که ساحتی تمدنی به خود بگیرد و آن در صورتی است که بتواند ایده خود را به سطحی فراتر از فرهنگ و جغرافیای خود اشاعه دهد. بر این اساس در این نوشتار ابتدا به بررسی ماهیت دین و رویکردهایی که در باب تعریف دین وجود دارد پرداخته می‌شود، سپس با پرداختن به ماهیت مقوله تمدن، عناصر سازنده آن در نسبت با فرهنگ ذکر می‌شود و در نهایت به چگونگی و فرایند نسبت دین و تمدن پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

بخشی از روش تحقیق نوشتار پیش رو مبتنی بر روش گرده‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی

است؛ سپس به روش توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده پرداخته شده است.

مبنای نظری: نظریه تمدنی مالک بن نبی؛ دین به مثابه ایده تمدن‌ساز

مالک بن نبی (۱۹۰۵م) دانشمند الجزایری و معروف به فیلسوف تمدن، تمام آراء، تحقیقات و تألیفات خود را تحت عنوان «مشکلات الحضاره» سامان داده است؛ این عنوان دربردارنده همه آثار و تألیفات او در باب تمدن، بحران اندیشه در جهان اسلام، شرایط تحول و دگرگونی در جهان اسلام، مسئله فرهنگ، تولد و ساخت جامعه، مسئله یهود و پیامد آن بر جهان اسلام و ... است. وی مسئله و معضل تمدن را جوهره مشکلات هر ملتی می‌داندست و معتقد بود که تنها راه حل مشکلات، فهم عوامل تمدن‌ساز و تمدن‌برانداز است. به اعتقاد بن نبی، پیش‌نیاز هر نوع مطالعه آگاهانه و فراگیر از جوامع، کسب «دانش تمدنی» است؛ زیرا حرکت جوامع متمدن، مانند هر پدیده انسانی دیگر، تابع سنت‌ها و قوانین اجتماعی و تاریخی ثابتی است. وی تمدن را مجموعه‌ای از روابط بین حوزه مادی (جایی که تمدن در آن شکل می‌گیرد و ساختارش را تقویت می‌کند) و بین حوزه فکری (که روح تمدن در آنجا متولد می‌شود و رشد می‌کند) تعریف می‌کند: «أن الحضارة مجموعة من العلاقات بين المجال الحيوي حيث ينشأ و يتقوى هيكلها و بين المجال الفكري حيث تولد و تنمو روحها» (بن نبی، ۱۹۸۶م، ص. ۴۳).

نظریه تمدنی بن نبی بر سه عنصر «انسان، خاک و زمان» استوار است و با شناخت صحیح این سه عنصر است که می‌توان مشکلات یک تمدن را شناخت و در پی اصلاح آن برآمد. هر تمدنی ترکیب سه عامل فوق است. اما مهم‌تر از آن سه عنصر، عامل ترکیب‌کننده است که چیزی جز اندیشه دینی نیست. بنابراین عامل حیاتی در تمدن، اندیشه و روح است که در کالبد مادی تمدن باید دمیده شود (عطاآبادی و بیابان‌نورد، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۲).

توجه به نقش و کارکرد فرهنگ در رابطه بین دین و تمدن محور دیگر نظریه وی است؛ بن نبی فرهنگ را مجموعه‌ای از صفات اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیان می‌کند که فرد از بدو تولد به عنوان سرمایه اولیه از محیطی که در آن متولد شده است دریافت می‌کند. فرهنگ محیطی است که فرد در آن خلیات و شخصیت خود را شکل می‌دهد: «فالثقافة مجموعة من الصفات الخلقية و القيم الاجتماعية التي يلقاها الفرد منذ ولادته كراسمال أولى في الوسط الذي ولد فيه، و الثقافة على هذا هي المحيط الذي يشكل فيه الفرد طباعه و شخصيته»؛ (بن نبی، ۱۹۸۶م، ص. ۸۳). خود

فرهنگ دربردارنده اندیشه دینی است، لذا به دلیل پیوند فرهنگ با تمدن، ارتباط دین و تمدن نیز آشکار می‌شود.

تمدن تنها براساس اندیشه دینی ایجاد می‌شود؛ پس باید ماهیت تمدن را در اندیشه دینی که آن را ایجاد کرده است جستجو کرد. از این حیث توسعه تمدن مسیحی با توسعه تمدن اسلامی تفاوتی ندارد، زیرا هر دو از اندیشه دینی ناشی می‌شود که ویژگی‌های شخصیتی فرد را مشخص می‌کند و او را به سمت اهداف متعالی سوق می‌دهد؛ «فالحضارة لا تتبع إلا بالعقيدة الدينية و ینبغی أن نبحت فی حضارة من الحضارات عن أصلها الدینی الذی بعثها ... لا یتخلف تطور الحضارة المسيحية عن تطور الحضارة الاسلامیة إذ هما ینطلقان من الفكرة الدینیة التی تطبع الفرد بطابعها الخاص و توجهه نحو غایات سامیه» (بن‌نبی، ۱۹۸۶، ص. ۵۰).

سازوکار بسط و گسترش تمدن به واسطه اندیشه دینی را در مفهوم ایده^۱ باید جست. تمدن حاصل رخداد و اشاعه یک ایده است که در میان یک جامعه پراکنده می‌شود. این ایده به مرور در شکل مناسبات و پیوندهای انسانی و نوع نگاه به محیط اثر می‌گذارد و انسان خاص خود را می‌سازد و این انسان نیز محصول متناسب با ایده را تولید می‌کند این روند، بُن‌مایه ظهور و شکوفایی تمدن‌ها را آشکار می‌کند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل سه بخش می‌شود؛ ابتدا به بررسی ماهیت دین پرداخته می‌شود که در این زمینه به‌طور کلی چهار دیدگاه در باب معنای دین مطرح است؛ در بخش دوم ماهیت تمدن تبیین شده و در بخش نهایی نسبت دین با تمدن روشن خواهد شد.

نسبت دین و تمدن

به‌طور کلی چهار دیدگاه را می‌توان در باب معنای دین متصور شد؛ معنای اعم دین، معنای عام دین، معنای خاص دین و معنای اخص دین.

تعریف اعم دین

در مفهومی عام، دین به معنای ایده، راه و روشی است که با ارائه برخی توصیف‌ها، تجویزها و شروط، سبک رفتار مخاطب و معتقد خود را در قبل پدیده‌ها سامان می‌دهد. چنین برداشتی از دین جمیع فرّق و مکاتب بشری، مذاهب و ادیان الهی، غیب‌باور و حتی گرایش‌های خداناباورانه را

شامل می‌شود. لذا آیین بودا، ادیان ابراهیمی، مکاتب بشری مانند ماتریالیسم و کمونیسم و ... همه دین تلقی شده و در چهارچوب این تعریف می‌گنجد (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۵).

برخی از آیات قرآن مُفهِمِ چنین معنایی از دین هستند؛

– «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» (سوره غافر، آیه ۲۶).^۱

– «كَذَلِكَ كَدَّبْنَا لِیُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (یوسف: ۷۶).^۲

– «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينِي» (سوره نصر، آیه ۶).^۳

ریشه چنین تعریفی از دین به دلیل وجود برخی از عناصر مشترک در مصادیق خارجی دین است. جهان‌بینی و ابعاد اعتقادی، مقوله سعادت و رستگاری، کمال انسانی، اخلاق و رفتار از جمله این عناصر هستند؛ «إن الدين هو الطريقة المسلوكة التي يقصد بها الوصول إلى السعادة الحقيقية». به‌طور کلی دین عبارت است از طریقه‌ای که پیمودنش آدمی را به سعادت حقیقی و واقعی‌اش برساند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۲/۷).

در بیان دیگری علامه طباطبایی دین را چنین تعریف می‌کند: «الدين سنة عملية مبنية على الاعتقاد في أمر الكون والإنسان بما أنه جزء من أجزاء» یعنی دین یک روش علمی است که بر اعتقاد انسان و نوع نگرش او به جهان و انسان مبتنی است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۸/۱۵).

تعریف عام دین

مهم‌ترین شاخص و ملاک تعریف دوم دین وجه تقدس داشتن باورها و آموزه‌های آن برای معتقدان به آن است؛ یعنی دین عبارت است از مجموعه‌ای از باورها و برنامه‌های زندگی که از جانب خود یا از دیدگاه معتقدان آن امری مقدس محسوب می‌شوند؛ لذا چنین باورهایی نزد معتقدین به آن دارای حرمت و احترام بوده و نسبت به آن خضوع و خشوع دارند. از طرف دیگر این باورها جنبه ماورائی و رمزآلود برای افراد دارند. غالباً آنچه از سوی جامعه شناسان،

۱. «و فرعون گفت: مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند. من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند».

۲. «این‌گونه به یوسف شیوه آموختیم. [چراکه] او در آیین پادشاه نمی‌توانست برادرش را بازداشت کند، مگر اینکه خدا بخواهد».

۳. «دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم».

روانشناسان، مردم شناسان و مورخان در باب ماهیت دین مطرح می‌شود دربردارنده همین شاخص است.^۱ دایره این تعریف نسبت به قبلی محدودتر بوده و به‌طور مثال مکاتب بشری مانند ماتریالیسم و ... دین تلقی نمی‌شوند.

تعریف خاص دین

معنای سوم از دین نیز دربردارنده مجموعه‌ای از نظام باورها و برنامه‌های حیات بشری است که (فارغ از اینکه در حاق واقع از جانب خداوند نازل شده باشد یا نه (و حیانی بودن یا غیرو حیانی بودن)) متضمن اقرار به وجود خداوند به‌عنوان خالق هستی و مبتنی بر اندیشه غیب‌باوری است؛ ماهیت دین در این دیدگاه علاوه بر اینکه دارای جنبه قدسی است، درعین حال معتقد به وجود خالق و آفریدگاری (اعم از یک یا چند خدا) برای جهان است. این تعریف هم ادیان حقیقی و هم آیین‌های مشرکانه را (که در ضمن اعتقاد به خداوند به‌عنوان خالق هستی، به بت‌پرستی روی آورده‌اند) در برمی‌گیرد؛ اما نگرش‌های مادی‌گرا و هم‌چنین غیرمعتقد به خالقیت خدا خارج از حیطه این تعریف هستند. مانند آیین بودا که اگرچه قائل به امر مقدس است اما اعتقادی به وجود خالق برای جهان ندارد. آیه ۱۳۷ سوره انعام مفهوم چنین تلقی از دین است:

«وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرِدُوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (سوره انعام، آیه ۱۳۷)»^۲.

بارزترین مصداق چنین تلقی از دین در عصر مدرن، که تحت تأثیر رواج و حاکمیت جهان‌بینی علمی به‌وجود آمد، مکتب دئیسم^۳ در الهیات مسیحی است. اندیشه مذهبی غرب در دوره قرون وسطی و پیش از عصر نوزایی مبتنی بر آموزه‌های و حیانی (برگرفته از کتاب مقدس) بود و مطابق این اندیشه خداوند علاوه بر خالقیت جهان، ربوبیت و تدبیر آن را هم در دست داشت. اما

۱. برخی ماهیت امر مقدس را در عرض امور فرهنگی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند و تمام مفاهیم و اعمال دینی را بازنمود روابط اجتماعی می‌دانند؛ در حالی که مسئله تقدس و امر مقدس اگرچه با امور عادی و فرهنگی دارای شباهت ظاهری است، اما امر قدسی مدعی برخوردار از ماهیتی باطنی است که قابل تحویل به امور عادی نیست. به‌طور مثال شباهت ظاهری مناسک دینی مانند روزه و نماز با ورزش و رژیم غذایی موجب نمی‌شود آن را از یک جنس دانست.

۲. «و این‌گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبّه سازند و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس ایشان را با آنچه به دروغ می‌سازند رها کن».

در دوره رنسانس و در اثر غلبه جهان‌بینی علمی این اندیشه به تدریج به کناره رفت و تفکر دئیسم (الهیات طبیعی) حاکم شد (باربور، ۱۳۷۹، ص. ۲۵). با رواج این واژه در الهیات مسیحی، دئیست‌ها به کسانی خطاب می‌شدند که به خالقیت خداوند به‌عنوان آفریننده جهان و قوانین آن و آخرت معتقد بوده اما منکر عیسی (ع) و تعالیم او بودند. اما با تحولات تاریخی که بعداً در مفهوم آن پیدا شد، دئیسم در قرن نوزدهم و بیستم مبنای الهیاتی تلقی می‌شد که منکر حضور خداوند و فاعلیت او در جهان بعد از خلقت بود (کاپلستون، ۱۳۷۰، ۱۷۹/۵). چنین تفکری منجر به محوریت و حاکمیت خرد انسان‌بنیان شد و با نفی ارتباط ربوبی خداوند در عالم بعد از خلقت و انکار دخالت وحی الهی در هدایت بشری، زمینه‌های جدایی انسان از تعالیم الهی و پی‌ریزی تمدنی انسان‌بنیان را فراهم ساخت. در واقع تحولات ارتباط وحی و عقلانیت در عصر مدرن در سه مرحله رخ داد؛ در آغاز با اینکه علم طبیعی و عقلانیت به‌مرور رواج پیدا می‌کرد، اما مقوله شریعت و وحی کماکان برجسته بود و عمده امر در باب تحلیل و تفسیر جهان، انسان و طبیعت بود. مرحله دوم دوران شکل‌گیری دئیسم و نفی ربوبیت الهی و اکتفا به جهان‌بینی علمی در باب تفسیر طبیعت بود و ایده خدای ساعت‌ساز در این مرحله مطرح شد. در نهایت مرحله سوم اصل اعتقاد به خداوند یا امر قدسی به‌کناره رفت و ایدئولوژی‌های مادی و انسانی جای آن را گرفت (باربور، ۱۳۷۹، ص. ۷۷-۷۵).

معنای اخص دین

معنای چهارم و اخص دین علاوه‌بر اینکه از همه شاخصه‌های مذکور در تعاریف فوق برخوردار است دو شاخصه باور به یگانگی خداوند و وحیانی بودن آموزه‌ها را دارا می‌باشد. بنابراین دین عبارت است از مجموعه‌ای از باورها، عقاید و برنامه‌هایی که از جانب خدای واحد منازل گشته تا سبک رفتار مخاطب خود را سامان دهد. بنابراین این تعریف تنها شامل ادیان آسمانی توحیدی می‌شود که از جانب خداوند و به‌وسیله انبیا بر مردم نازل شده است که تجلی امروز آن در ادیان ابراهیمی است که قرآن کریم از آن تعبیر به آیین یگانگی و تسلیم می‌کند؛ «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۳۵). این سه دین ریشه‌های عقیدتی مشترک و مشابهی در باب خداوند، خلقت، وحی، معاد، تاریخ انبیا و ... دارند و قائل هستند این آموزه‌ها وحیانی بوده و در قالب کتب آسمانی تورات، انجیل و قرآن بر آنان نازل گشته است.

از آیه ۱۳ سوره شوری چنین برداشت می‌شود که شرایع و کتب آسمانی با چنین ویژگی، منحصر در پنج شریعت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که به بیان آیه همه این شرایع از جنس و آموزه‌های واحدی برخوردار بودند: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (سوره شوری، آیه ۱۳).

البته اینکه عبارت وحی تنها بر دین اسلام اطلاق شده و در مورد سایر شرایع عبارت وصیت وارد شده است جای تأمل دارد؛ اما در هر صورت وصیت نیز دال بر برخورداری از منشأ وحیانی است.

مسئله بعدی این است که آیا مراد از عبارت «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» همان دین و شریعتی است که به واسطه وحی یا وصیت بر انبیای اولوالعزم نازل گشته یا نه؟ دینی که انبیا مکلف بر اقامه آن و عدم تفرقه در آن شده‌اند مقوله دیگری غیر از این شرایع پنج‌گانه است که هنوز محقق نشده است و رسالت انبیاء و امت‌های آنان تحقق چنین آرمانی است؟ اهمیت این پرسش در کشف معنای ماهیت شریعت و دین و ارتباط آن‌ها با تمدن وحی محور است. در این راستا از آیه می‌توان دو برداشت ارائه کرد؛ اگر مراد از «من» در عبارت «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ» بیان جنس باشد، آیه چنین دلالت می‌کند که شریعت نازله شریعتی از جنس «الدین» است که انبیا با این شریعت مأمور به اقامه «الدین» هستند. اما اینکه آیا شریعت نازله تمام «الدین» باشد یا خیر، آیه دلالتی بر این ندارد؛ یعنی این چنین نیست که آنچه نازل شده است همان «الدین» است و شریعت نازله به-عینه آیین تمام‌نمای «الدین» باشد که در نتیجه انبیا با اقامه همین شریعت، «الدین» را اقامه کرده باشند؛ اما اگر مراد از «من» تبعیضیه باشد، آیه دلالت می‌کند که شریعت نازله بعضی از وجوه «الدین» است نه تمام آن؛ که جریان الهی با تمسک بدان درصدد اقامه و عینیت‌بخشی تمام «الدین» است. تبیین این مسئله نسبت دین و تمدن در معنای چهارم را روشن خواهد کرد؛ زیرا در معنای اول نقش شریعت در برقراری تمدن دینی، بسیار پررنگ خواهد بود و بار اصلی برقراری چنین تمدنی بر شریعت محوری خواهد بود. زیرا اگرچه ممکن است شریعت با «الدین» تطابق کامل نداشته باشد، اما محوری‌ترین عنصر در برقراری تمدن دینی خواهد بود؛ اما در معنای دوم محور خود «الدین» است و شریعت تنها بخشی از آن را تکافو خواهد کرد؛ لذا باید محورهای دیگری نیز باشد که در اقامه الدین نقش داشته و باید در جستجوی آن‌ها بود.

بنابراین اولین نکته در باب نسبت دین و تمدن این است که باید چارچوب و گستره معنایی دین مشخص و معین گردد تا فهمیده شود که دین به کدام معنا مراد است و در نتیجه برقراری تمدن دینی چه گستره‌ای از شاخص‌ها و ملاک‌های دینی را خواهد داشت.

ماهیت تمدن

دیدگاه‌ها و رویکردهای متعددی در باب ماهیت تمدن وجود دارد. در یک تعریف، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آید (Huntington, 1997, p. 43). عنصر کلیدی این تعریف، هویت‌بخشی فرهنگی تمدن به افراد است؛ یعنی هویت و عنوان افراد (انسان ایرانی، انسان غربی...)، فارغ از تعلق آن‌ها به مکان و زمانی خاص، با انتساب آن‌ها به تمدنی خاص مشخص می‌شود و رقم می‌خورد. علی‌رغم عدم جامعیت و مانعیت این تعریف، تأکید آن بر عنصر فرهنگ درخور توجه است. در دیدگاه مرسوم، نیاز، غریزه، اندیشه، فناوری، تاریخ و محیط مهم‌ترین وجوه و منشأ فرهنگ تلقی می‌شوند. سه قسم نخست بنیاد انسانی را تشکیل داده و قسم چهارم دستاورد انسان در بستر تاریخ و محیط است. بر این اساس است که مالک‌بن‌نبی ترکیب «انسان، زمان و خاک» را عناصر اساسی سازنده تمدن‌ها برمی‌شمارد (بن‌نبی، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۰) و قائل است که برای حل مشکل تمدن باید به بازشناسی انسان، همراه با عقیده و اندیشه‌ای که در طول تاریخ با خود داشته، خاک به‌همراه آنچه در خود نهفته و زمان با اقتضائات آن پرداخت و البته واضح است که انسان مهم‌ترین رکن این ترکیب و محور اصلی حرکت تمدنی است؛ بنابراین برای ایجاد تمدن باید انسان‌هایی ساخت که در مسیر تحقق اهداف خود در تاریخ از خاک و مواهب آن بهره ببرند. منظور این نیست که بن‌نبی منشأ تمدن را با منشأ پیدایش فرهنگ یکی در نظر می‌گیرد (اگرچه تمییز این دو در عمل دشوار است)؛ زیرا وی به‌صراحت هریک را تعریف کرده و مؤلفه‌ها و عناصر متفاوتی برای هر یک ذکر کرده است. بلکه مراد نشان دادن رابطه تأثیر و تأثری و دوسویه فرهنگ بر تمدن و بالعکس است؛ اما آنچه در وهله اول اهمیت دارد توجه به نقش و کارکردی است که فرهنگ برای تمدن ایفا کرده و ویژگی خاص هر تمدنی را به آن اعطا می‌کند و ملاک‌ها و ویژگی‌های آن را مشخص می‌کند: «و بعبارة جامعۀ: هی [الثقافه] کل ما يعطی الحضارة سمتها الخاصة و یحدد قطبیها» (بن‌نبی، ۲۰۰۰، ص. ۷۷). به‌عبارت‌دیگر فرهنگ، خاستگاه تمدن است که همانند خون در کالبد آن حضور دارد. نکته مهم درباره فرهنگ این است که چون فرهنگ دربردارنده اندیشه دینی است، نمی‌توان آن را صرف

اكتساب انسانی دانست، بلکه فرهنگ محیط بر انسان و چارچوبی است که در آن حرکت می‌کند. همین امر زمینه بحث در باب دین و نقش آن در ساخت فرهنگ و تمدن را فراهم می‌کند و از طرفی به دلیل پیوند تمدن با فرهنگ و پیوند فرهنگ با دین، ارتباط دین و تمدن را نیز آشکار می‌سازد.

نکته اساسی در اینجا این است که تا دینی [به هر چهار معنا] وجود نداشته باشد فرهنگی که بتواند منجر به تمدن شود نیز تحقق نیافته و در نتیجه تمدنی ساخته نخواهد شد.



نمودار ۱. نسبت دین و تمدن

عدم هم‌پوشانی کامل تمدن بر فرهنگ و فرهنگ بر دین ناشی از این عقیده است که این سه مقوله دارای نسبت عام و خاص من‌وجه هستند؛ یعنی دین قابل تقلیل به فرهنگ نبوده و در واقع خارج از حوزه فرهنگ، فرهنگ خاص خود را شکل می‌دهد. همچنین وجود صرف فرهنگ نیز به معنای تحقق تمدن نیست. چه بسیار جوامعی که از فرهنگ برخوردار هستند اما تمدن بر آنها اطلاق نشده است.

بن‌نبی اگرچه ترکیب انسان + خاک + زمان را عناصر سازنده تمدن می‌داند، اما صرف وجود این‌ها برای ساخت تمدن را کافی نمی‌داند. زیرا مشاهده می‌کنیم با وجود تحقق این عناصر در بسیاری از موارد، تمدنی ساخته نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ترکیب‌کننده و خمیرمایه تمدنی است که با ترکیب و پیوند این عناصر با یکدیگر تمدن را پدید آورد. مطالعه تاریخی این خمیرمایه را «اندیشه دینی» (به معنای اعم) معرفی می‌کند و از این حیث تمدن‌ها یکسان هستند.

تمدن تنها براساس اندیشه دینی ایجاد می‌شود؛ پس باید ماهیت تمدن را در اندیشه دینی که آن را ایجاد کرده است جستجو کرد. از این حیث توسعه تمدن مسیحی با توسعه تمدن اسلامی تفاوتی ندارد، زیرا هر دو از اندیشه دینی ناشی می‌شوند که ویژگی‌های شخصیتی فرد را مشخص می‌کند و او را به سمت اهداف متعالی سوق می‌دهد.

سازوکار بسط و گسترش تمدن به‌واسطه اندیشه دینی را در مفهوم ایده باید جست. تمدن

حاصل رخداد و اشاعه یک ایده است که در میان یک جامعه پراکنده می‌شود. این ایده به مرور در شکل مناسبات و پیوندهای انسانی و نوع نگاه به محیط اثر می‌گذارد و انسان خاص خود را می‌سازد و این انسان نیز محصول متناسب با ایده را تولید می‌کند. جامعه برآمده از ایده به رشد خود ادامه می‌دهد و شبکه درونی پیوندها به حدی کمال می‌یابد که تابش این اندیشه گستره جهانی به خود می‌گیرد. این روند، بن‌مایه ظهور و شکوفایی تمدن‌ها را آشکار می‌کند.

نسبت دین و تمدن

با توجه به مطالبی که در بیان ماهیت دین و تمدن گذشت، نسبت این دو مقوله و حدودوثرغور آن باهم نیز روشن می‌شود. همان‌طور که معلوم شد اندیشه دینی در معنای اعم آن، بنیاد تمدن را بنا نهاده و اساساً بدون آن تمدنی ممکن نخواهد بود؛ زیرا اگر تمدن مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی باشد که افراد بتوانند در آن، همه ابزارها و بسترهای جمعی ضروری برای پیشرفت را فراهم آورند، این امر بدون حضور ایده جامع و نظم‌دهنده ممکن نخواهد بود. بنابراین یکی از مهم‌ترین وجوه دین در تمدن، ارائه ایده و اندیشه تمدنی است که دین در هر معنایی قابلیت این مهم را دارد.

از طرف دیگر آموزه‌ها، مناسک، آیین‌ها، اعمال، دستورات و قوانین دینی به‌طور مستقیم در ساختار تمدنی حاضر هستند و وجوهی از تمدن متناسب با آن شکل می‌یابد. چنین تأثیرپذیری تمدنی در دین به معنای دوم آن امکان‌پذیر است؛ زیرا مکاتب بشری به دلیل نفی تقدس و عدم قائل بودن به امر قدسی، از آیین، رفتار، قانون و ... خاص دینی برخوردار نیست که بتوان ظهور و بروز آن را در ظرف تمدنی تماشا کرد. به‌طور نمونه منشأ قدسی قائل شدن برای برخی از اعمال و آیین‌ها در بین مایاها، زمینه‌های ظهور مستقیم آن به‌عنوان آیینی تمدنی را در بین آن‌ها فراهم کرده بود.

بعد دیگر نسبت دین و تمدن بر ساخت‌ها و قرائت‌های انسانی است که مبتنی بر تفسیر و قرائت خاصی از دین، مظهر فرهنگی و تمدنی به‌خود می‌گیرد و تبدیل به منسک و آیین دینی-عبادی و شیوه رفتار می‌شود. مقوله اعتراف و آیین توبه در تمدن مسیحیت عصر میانه نمونه‌ای از این امر است که بر تفسیر مسیحیت از عصیان، مسئله توبه و بخشاینده‌گی خداوند استوار بود (توفیقی، ۱۳۸۵).

وجه دیگر نسبت دین و تمدن، مظاهر تمدنی است که در راستای اعمال آموزه‌های دینی و اقتضائات مرتبط با آن پدید آمده‌اند. به‌طور مثال مساجد، کلیساها و معابد مظاهری هستند که

به دلیل تحقق امر عبادت و نیایش دینی ایجاد می‌شوند؛ مقوله هنر در تعامل با آموزه‌های تمدن‌های مختلف نمود متفاوتی داشته و در حقیقت اندیشه دینی ناظر به تمدن مذکور حدودثغور آن را معین می‌کند. به همین دلیل وجوهی از هنر که در برخی از تمدن‌ها مشاهده می‌شود، در تمدن دیگر هیچ نشانه‌ای از آن نیست. مجسمه‌سازی نمونه بارزی از این امر است؛ درحالی‌که این هنر در تمدن یونان باستان در اوج اعتلای خود قرار دارد اما مشاهده می‌شود که هیچ اثری از آن شکوه در تمدن اسلامی وجود ندارد؛ این مسئله نه به این خاطر که حوزه تمدن اسلامی توانایی در خلق چنین آثاری را نداشته، بلکه به خاطر قیود و ضوابط ناشی از آموزه‌های دینی و فقهی اسلام بود که از باب حرمت تشبه به خالق اجازه خلق چنین آثاری را به فرد مسلمان نمی‌داد (مفید، ۱۳۹۳ق، ص. ۵۸۷). نقاشی موضوع دیگری است که در دو تمدن اسلامی و مسیحی سرنوشت متفاوتی پیدا می‌کند؛ بعد از شکل‌گیری و رسمیت یافتن مسیحیت توسط کنستانتین، هنر نگارگری مورد احترام این آیین قرار می‌گیرد و دخمه‌ها [اتاق‌های تدفین زیرزمینی] و کلیساها مملو از این آثار هنری می‌شوند؛ اما این هنر در عالم اسلام به علت آمیختگی با مسئله شرک و عقاید مشرکانه نفی می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۲۶/۶)، (النووی، ۱۳۹۲ق: ۸۴/۱۴).

بنابراین با تحقق امر دینی و اشاعه ایده آن، همه امور اعم از مظاهر، ساختارها و نظامات، روابط، اخلاقیات، هنر، سیاست، اقتصاد و ... حول محور دین و آموزه‌های آن طراحی، بازتولید و ایجاد می‌شود و در نهایت مسیر رشد و کمال آن منجر به ظهور تمدن می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ملاحظات تاریخی نشان می‌دهد که حتی در محدودترین معنا از دین، دین با تمدن نسبت برقرار کرده و نقش اساسی در ساخت تمدن ایفا کرده است. تاریخ تمدن اسلامی مهم‌ترین گواه این امر است. نکته اساسی، در چگونگی فرایندی است که دین در تمدن حاضر بوده و نقش ایفا می‌کند. آنچه به نظر می‌رسد این است که دین اگر بتواند از گذرگاه فرهنگ، منجر به ایجاد فرهنگ شکوفا و تکامل یافته شود و تعاملی سازنده بین عناصر فرهنگی ایجاد کند از حیثه فرهنگ و جغرافیای خود فراتر رفته و به مرور تمدن مختص به خود را ایجاد خواهد کرد. زیرا فرهنگ خاستگاه تمدن است که همانند خون در کالبد آن حضور دارد و چون دربردارنده اندیشه دینی است صرف اکتساب انسانی نبوده و محیط بر انسان و چارچوبی است که در آن حرکت می‌کند. این اندیشه دینی است که به عنوان جوهره اصلی فرهنگ، با تولید فرهنگ برتر زمینه گسترش آن تا

سطح تمدن را فراهم می‌آورد. البته ویژگی‌ها و مؤلفه‌های چنین اندیشه دینی نیز خود حائز اهمیت در انجام این مهم است. زیرا چه بسیار فرهنگ‌هایی که در سطح فرهنگ باقی مانده‌اند و این به‌خاطر نوع اندیشه دینی است که نتوانسته است آن را شکوفا کند. بنابراین نوع استفاده از ظرفیت‌های دینی نیز مؤلفه دیگری در این مسیر خواهد بود. ویژگی‌های برآمده از اندیشه اسلامی در دوران اوج تمدن اسلامی و مقایسه آن با دوران افول آن [دوران رواج ایده صوفی‌مآبی] نمونه‌ای از کاربست اندیشه دینی ناظر به تمدن است که هر یک آثار تمدنی خاص خود را در تاریخ تمدن اسلامی نشان داده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- النووی، محی‌الدین یحیی (۱۳۹۲ق). شرح النووی علی مسلم، دار إحياء التراث العربی. بیروت.
- الویری، محسن و مهدی‌نژاد، سیدرضا (۱۳۹۲). رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن‌نبی. *تاریخ و تمدن اسلامی*، ۹ (۱۸)، ۱۹۱-۱۶۳.
- باربور، ایان (۱۳۷۹). علم و دین. ترجمه بهروز خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بن‌نبی، مالک (۲۰۰۲م). تأملات. *دارالفکر*، دمشق.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. جامعه مدرسین، قم.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی). ترجمه ج. اعلم، تهران، سروش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- محمودیان عطا آبادی، حمید و بیابان‌نورد سروستانی، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی «نظریه تمدن» از دیدگاه فوکو تساووا و مالک‌بن‌نبی. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۸ (۲)، ۱۸۹-۱۶۹.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعه. کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، قم.

ب) منابع انگلیسی

- Huntington, Samuel, (1997), *the Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, penguin, India.

پ) منابع اینترنتی

- توفیقی، حسین، (۱۳۸۵). آشنایی با مسیحیت، قابل دسترسی در: <https://noo.rs/vOFHI>

راهنمای تدوین و ارسال مقاله

الف. تدوین مقاله:

تعداد صفحات مقالات: حداقل ۱۶ و حداکثر ۲۲ صفحه A4

– صفحه اول شامل:

- عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، چکیده و واژگان کلیدی است (ضمناً می‌بایست مرتبه علمی، آدرس پست الکترونیکی (email)، شماره تماس و نمابر به صورت پی-نوشت ذکر شود).
- چکیده: شامل مدخل ورود به موضوع در یک یا دو خط از ادبیات موضوع، بیان هدف، روش‌شناسی و نتیجه پژوهش، حداکثر در ۲۵۰ کلمه است.
- واژگان کلیدی (کلید واژه‌ها)، شامل حداکثر ۵ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.

– صفحه دوم، ترجمه انگلیسی صفحه اول است.

– صفحه سوم به بعد (متن مقاله) شامل:

- **مقدمه:** مشتمل بر مدخل ورود به بحث، بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، هدف، سؤال/سئوالات، فرضیه/ فرضیه‌ها است. (هدف و سؤال یا فرضیه با خط **Bold** و داخل گیومه نوشته شوند) ضمناً مطالب مندرج در این بخش بدون تیتراژ، ذکر می‌شود.
- **مبانی نظری:** مشتمل بر پیشینه و سابقه پژوهش، مفهوم‌شناسی متغیرها و ادبیات مرتبط، چارچوب نظری پژوهش، ارائه مدل مفهومی (در صورتی که مدل سازی فرضیه لازم باشد). مطالب مندرج در این بخش با توجه به موضوع و با تشخیص نویسنده تیتربندی می‌شود.
- **روش‌شناسی:** مشتمل بر نوع تحقیق، روش تحقیق، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری، روش گردآوری داده‌ها و ابزار آن، تعیین روایی و پایایی، ابزار گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤال یا آزمون فرضیه و در صورت وجود فرضیه تعریف عملیاتی متغیرها صورت می‌پذیرد. مطالب مندرج در این بخش در چند پاراگراف و بدون تیتربندی ارائه می‌شود.
- **تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:** تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمعیت شناختی و تجزیه و تحلیل سایر داده‌ها و ارائه یافته‌های تحقیق
- **نتیجه‌گیری**
- **پیشنهاد**
- **فهرست منابع:** فهرست منابع ارجاع شده در متن به روش (APA) ذکر شود.

ب. اصول ویرایشی مقاله:

- مقاله باید در محیط نرم‌افزار Microsoft Office Word 2007 و یا نسخه‌های بالاتر تایپ شود.

- تنظیم اندازه‌ها (margins) از حاشیه صفحه به شرح جدول زیر انجام گیرد:

Bottom: 2.5 cm (پایین صفحه) TOP: 3cm (بالای صفحه)

Right: 2.5 cm (راست صفحه) Left: 2.5cm (چپ صفحه)

- برای آگاهی از نوع، سبک و اندازه قلم و جزئیات روش منبع نویسی (APA) در نگارش مقاله؛ به پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه عالی دفاع ملی به نشانی www.sndu.ac.ir مراجعه شود.

سایر نکات مهم:

- معادل واژه‌ها و اصطلاحات به زبان فارسی یا زبان‌های دیگر، می‌بایست در پاورقی ذکر شود.
- کاربرگه مالکیت معنوی اثر می‌بایست به امضای نویسنده مسئول رسیده و به‌همراه مقاله ارسال شود.
- مقالات ارسالی نباید در نشریات فارسی زبان داخل و خارج کشور منتشر شده یا به صورت هم‌زمان برای سایر نشریات ارسال شده باشد.
- می‌بایست تصویر مدرک معتبری که بیانگر هویت واقعی ارسال‌کننده مقاله باشد؛ ضمیمه مقاله گردد؛ لذا درجه علمی یا مدرک تحصیلی، پس از احراز در فصلنامه درج خواهد شد.
- مقالات مستخرجه از رساله دکتری و یا کارشناسی ارشد، تنها با ارائه تأییدیه استاد راهنما پذیرفته خواهد شد.
- فصلنامه در ویرایش مقاله‌ها، بدون تغییر در محتوای آن آزاد است.
- از پذیرش مقالاتی که اصول ویرایشی راهنما در آن رعایت نشده باشد و یا عناوینی غیرمرتبط با حوزه امنیت داشته باشد، معذوریم.
- دو نسخه از مقاله همراه با فایل Word و PDF (بر روی لوح فشرده) به دفتر فصلنامه تحویل داده شود.
- مقالات دریافت شده عودت داده نمی‌شود.
- مقالاتی که در منابع آن به شماره‌های گذشته فصلنامه ارجاع داده شده است؛ در اولویت بررسی قرار خواهند گرفت.

Exploration of the Nature of Religion and Its Role in the Formation of Civilization

Majid Mohammadlou¹

Abstract

The exploration of the relationship between religion and civilization is rooted in the perspective on the nature of these two concepts. Broadly, four viewpoints on defining religion can be identified. The first approach, in a more general sense, considers any idea or thought concerning humanity, the world, ethics, happiness, and human perfection as religion, encompassing all divine and non-divine religions, human ideologies, and even satanic cults. According to this perspective, religion undoubtedly has a relationship with civilization, but its scope—whether it serves as the foundation of civilization or merely a component—depends on the characteristics, teachings, and worldview of the religion. The general view of religion regards the element of sanctity and belief in the sacred as essential to its definition. From a specific perspective, religion includes belief in a creator of the universe (whether monotheistic or polytheistic). Finally, the narrowest view defines religion as belief in a single creator of the universe, a perspective embodied in the Abrahamic religions. Malik Bennabi's civilizational theory demonstrates that religion not only relates to civilization but also serves as its core essence, influencing all civilizational domains and distinguishing one civilization from another. The mechanism linking religion and civilization operates through culture, as religion plays the most significant role in shaping culture and directing its elements. If this religious idea expands sufficiently to encompass a broader scope, including other geographies and cultures, it leads to the formation of civilization.

Key Words: Nature of religion, Nature of civilization, Idea, Culture, Malik bin Nabi.

1. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran m.mohammadlu73@gmail.com

The Future of Management and Decision-Making with the Implementation of Artificial Intelligence Systems

Amirhossein Shaddel¹

Abstract

The use of emerging technologies such as artificial intelligence (AI) in management and decision-making has gained increasing importance. Organizations must invest in developing their capabilities in this area and ensure the ethical and responsible use of AI to remain competitive in the digital era. This study examines the future of management and decision-making with the implementation of AI-based systems and tools. Conducted using library resources and the latest research on the role of AI in management and decision-making, the study highlights the benefits of AI, including accelerating the collection of large and complex datasets, enabling organizations to make informed decisions, automating routine decision-making processes, and more. Finally, the study provides research and practical recommendations to researchers and managers for conducting scientific and strategic activities.

Key Words: Management, Decision making, Artificial intelligence, Emerging technologies, System.

1. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran a.h.shaddel@ut.ac.ir

Future Trends of the European Union in the Post-Ukraine Era

Muhaddeseh Heydari¹, Soheil Mohammadzadeh²

Abstract

The Ukraine crisis is one of the most significant conflicts in the international system and can be seen as a key variable in shaping the new global order. Given the crisis's occurrence in Europe, the European Union (EU) is undoubtedly the actor most impacted after Russia and Ukraine. This crisis has not only presented the EU with serious challenges in areas such as energy, food, and human resources but has also altered the trajectory of its future and its long-standing goal of achieving independence from the United States. This article seeks to answer the question: "Based on current evidence, what trends will the European Union face in the future?" According to the findings, nine major trends, including the intensification of food and energy crises, an increase in migration, heightened focus on investment in gas and renewable energy, and efforts to maximize military power, are projected to persist within the EU until 2035. The methodology employed in this article is trend analysis, using up-to-date documents and interviews to gather data.

Key Words: European Union, Ukraine crisis, Neoliberalism, Interdependence, Trend.

1. Corresponding Author. Researcher in Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran mohaddese.heidari@yahoo.com

2 . M.Sc. in International Relations, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran soheilmohamadzadeh6@gmail.com

Economic and Social Outlook of Qatar

Soroosh Saadi Fahandaj¹, Yaghoub Ghalandari²

Abstract

Qatar, a small country on the Persian Gulf, has leveraged its oil and gas revenues over the past decades to achieve development and position itself as one of the major emerging economies globally. This development trajectory was disrupted in recent years by events such as the COVID-19 pandemic and conflicts with Saudi Arabia. However, with the restoration of relations with Saudi Arabia and other Arab countries, Qatar is now pursuing its economic and social development path more robustly than before. This study aims to analyze Qatar's economic and social status post-2019 using qualitative research methods and information gathered from up-to-date online sources to answer its central question: "What trajectory will Qatar's future economic and political developments follow?" Based on the findings, Qatar is expected to increase its revenues in the coming years through plans to expand the North Gas Field (South Pars) and boost liquefied natural gas (LNG) sales, enabling more extensive investments in its non-oil sectors. On the social front, migration to Qatar is projected to remain high and stable, prompting the government to maintain its policies on censorship and monitoring of social issues. In some areas, such as user-generated content on social media, oversight is expected to increase.

Key Words: Qatar, Development, Oil, Gas, Persian Gulf.

1. M.Sc. in Political Sciences, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran sorooshsaadi@ut.ac.ir

2 . Corresponding Author. PhD in Political Sciences, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran yakub65@gmail.com

Evaluation of Manifested Phenomenological Verses in the Holy Quran Aimed at Developing the Discourse of Quarn Verse Research

Ali Eghbali¹, Mahdi Ahmadian², Mohammadreza Bazrafshan³

Abstract

This study, acknowledging the existence of explicitly stated phenomenological verses in the Holy Quran, seeks to identify which categories and groups of these verses are effective for constructing the discourse of Ayah research; in other words, it aims to determine which categories of verses are suitable and necessary for specific types of audiences. The research employs qualitative content analysis to identify explicitly stated phenomenological verses in the Quran. An initial model of the explicitly stated verses was developed, and methods for categorizing these verses were subsequently presented. In the next step, the audiences of the verses were categorized based on the mentioned criteria. The findings indicate that 47 explicitly stated verses exist in the Quran, which can be categorized based on lexical criteria such as audience groups, individual, collective, environmental (contextual), and specific characteristics of the audience, as well as semantic criteria such as outward (afaqi) and inward (anfusi), permanent and temporary, past, present, and future, worldly and transcendent, and logical criteria such as multiplicity of meaning and concept. Additionally, numerous verses cater to various groups within the faith community with distinct characteristics, aligned with the aforementioned lexical divisions. The research presents unstated phenomenological verses of the Quran based on Allama Tabatabai's perspective, explicitly stated phenomenological verses, criteria for categorizing verses, criteria for discourse formation, and finally, verses suitable for discourse construction targeted at four audience groups: the general public in both non-faith and faith-based societies, specialists, and rulers.

Key Words: Holy Quran, Futures studies, Foresight, Phenomenal verses, Quaran Verse research, Discourse formation.

-
1. Corresponding Author. M.Sc. in Industrial Management, Faculty of Industrial Management and Technology, University of Tehran, Tehran, Iran ali.eghbali@ut.ac.ir
 2. Assistant Professor in Futures Studies Department, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran mahdiahmadian110@gmail.com
 3. Researcher at Center for Futures Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran Bazrafshan.mr@gmail.com

Energy Diplomacy in Contemporary Global Politics: The Future of Rivalries and Alliances

Davood Karimipour¹

Abstract

Given the importance of energy in the global economy, countries employ various strategies and tactics to secure their interests in the international oil market. In recent years, the extensive exploitation of shale resources by the United States has significantly transformed the oil market. The primary question addressed in this article is: "How has the shale revolution influenced the mechanisms of the global political economy of oil?" In response, the main hypothesis posits that "the maximum extraction of shale resources has not only impacted the process of global oil price determination but also reduced the market share of U.S. adversaries, strengthened political alliances through oil, accelerated the shift in energy portfolios of oil-producing countries, and reshaped the geopolitics of oil energy." The findings of this study reveal that the U.S., leveraging shale oil, has substantially reduced Iran's share of the oil market, adjusted global oil prices in alignment with its interests, diminished the strategic importance of the Strait of Hormuz, and supported its political allies by offering oil-related exemptions. These actions illustrate the economic-political mechanisms in the oil market employed by powerful nations to maintain their dominance on the global stage..

Key Words: Energy diplomacy, World politics, Competition and coalition, Shale revolution.

1. Assistant Professor in International Relations Department, National Security Research Institute, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
karimipour.d@chmail.ir

Table of Contents

Title	Page
Energy Diplomacy in Contemporary Global Politics: The Future of Rivalries and Alliances <i>Davood Karimipour</i>	7
Evaluation of Manifested Phenomenological Verses in the Holy Quran Aimed at Developing the Discourse of Quarn Verse Research <i>Ali Eghbali, Mahdi Ahmadian, Mohammadreza Bazrafshan</i>	27
Economic and Social Outlook of Qatar <i>Soroosh Saadi Fahandaj, Yaghoub Ghalandari</i>	69
Future Trends of the European Union in the Post-Ukraine Era <i>Muhaddeseh Heydari, Soheil Mohammadzadeh</i>	95
The Future of Management and Decision-Making with the Implementation of Artificial Intelligence Systems <i>Amirhossein Shaddel</i>	121
Exploration of the Nature of Religion and Its Role in the Formation of Civilization <i>Majid Mohammadlou</i>	139

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful
Journal of Strategic Futures Studies

2nd Year, Ten.5, spring 2023

Concessionaire: Center for Futures Studies

Patron-in-chief: Mahdi Ahmadian

Editor-in-chief: Esmael Ahmadi Moghaddam

Editorial Board Members:

Nasser Poursadegh	Professor and faculty member of SNDU
Qadir Nizamipour	Professor and faculty member of SNDU
Ali Akbar Anabestani	Professor of Shahid Beheshti University
Gholamreza Behrouzi Lak	Professor of, Baqir Al Uloom University
Sayyed Javad Amini	Associate professor of SNDU
Ibrahim Ijabi	Associate Professor of Aja University of Command and Staff
Mohsen Eslami	Associate Professor of Tarbiat Modarres University
Qadir Nasri	Associate Professor of Kharazmi University
Mohammad Bagher Babaei Talatapeh	Associate Professor of Imam Hussein (AS) University

EXECUTIVE MANAGER: Mohammadreza Bazrafshan

LITERARY EDITOR: Yasser Saremi

SUPERVISING EDITOR: Dr. Sayyed Morteza Ahmadi

CONTEXT DESIGNER: Yasser Saremi

COVER DESIGNER: Vahid Haghighat

LITHOGRAPHY, PRINT & BINDING: SNDU

The views expressed in articles are those of the contributors and should not be construed as representing those of University.

*The journal wields the right to accept, reject and edit articles.
Citation is permitted with reference.*

Price: 500000 Rials

*The present journal is published under License No. 91348 dated February 02, 2022 issued by
Ministry of Culture and Islamic Guidance.*

*Address: Supreme National Defense University (SNDU),
pass Hengam Expressway, Northern side of Shahid Babaei highway, Tehran.*

Tel: 27353357

Website Address: <https://jsfs.sndu.ac.ir/>